

صیری-دهنوی، همه هستی مادر روزنه برداری

روزنه برداری مادر ۱۹۶۶ این شکست را پذیرفته بود !!

فوتبال قهرمانی باشگاههای ایران

بر فوتبال سال ایران کیست؟

کسبهای رنگی دختران والیبالیست کره و ژاپن

سال ۱۳۵۰ تولد دوباره شیرزادگان !!

نیای دوست داشتنی واسیلی آلکسیف قویترین مرد جهان

مین پاتلای هاوسر طلایی هافاتح جام آسیا بودند !!

نشریه ورزشی اطلاعات

شماره ۱۹ - قیمت ۱۰ ریال شنبه ۱۹ دی ماه ۱۳۴۹



میری-دهنوی
نه برداری مادر ۹۶۶
و تبال قهرمانی
د فو تبال سال
کسپای رنگی دختر
سال ۱۳۵۰ تولد
نیای دوست داشت
همین باطلانی



سیتی زن

اولین سازنده ساعت‌های زنانه
اتوماتیک و تقویمی در جهان

Quality at Realistic Prices

 **CITIZEN**

محمّدعلی کلی پس از یک سلسله مسابقات طولانی که از سال ۱۹۶۷ بدینال خود را توان قهرمانی اش و محرومیت او از مسابقات، بر علیه او آغاز شده بود. تلاش های مخالف او اجازه بازگشت به بصره مسابقات را پیدا کرد و در بزرگترین مسابقات جهان در بوکسور دیگر دسته سنگین وزن امریکه در سه روند ناکاوت کرد. نزدیک به ونیم بعد کلی در شب دوشنبه هفتم برابر با ۱۶ آذر سخت ترین نبرد زندگی ورزشی خود را برابر بوکسور و سنگین وزن آرژانتینی «اسکار بوناو» سلطان پله دربارهای جام مکزیک بار دیگر همراه تیم برزیل زور میمه شد.



نیویورک انجام داد و در حالیکه در آن زمان ۹۵ گل، از نقطه نظر روحیه تشاگران این مسابقه هر دو رکورد بزرگ ورزشکاری، بازیهای مکزیک چهره مسابقات بوکس حرفه ای محسوب می شد. درخشانی را پشت سر گذاردند، چه او در روند یازدهم موفق به ناکاوت حریف خود شد. حریفش شد.

شادمانان بزرگ فوتبال

طی این مدت پیروزی منتظر مجوز برای عنوان قهرمانی دسته سنگین وزن فاستر، بار دیگر هیجان مسابقات دسته سنگین وزن جهان را همراه با پرفروغ کلی به اوج خود رسانید. در حالیکه مردم دنیا بصره این بزرگترین نبرد تاریخ مسابقات بوکس سرانجام ۱۵ روز گذشته تاریخ مسابقات کلی و فریزر تعیین شد و هفتم با با هفدهم اسفند این دو در استادیوم اسکوتر گاردن نیویورک در برابر خواهند گرفت.

در فوتبال در سال ۱۹۷۰ همگی الشاع بازیهای جام جهانی زورلیک مکزیک قرار گرفت. برزیل و نیز شادمانان بزرگ این دوره از جام جهانی فوتبال بودند، خصوصاً ۲۱ ژوئن که تیم فاتح این بازیها، آرژانتین، با ۱-۰ برزیل را شکست داد. در ۱۹۶۲ بلطف چهار جرسون، جرزینهو و کارلوس آلبارس دیدار فینال این جام ایتالیا را کرد و با فتح همیشگی جام زورلیک را با عنوان پرافتخارترین ملت در تاریخ جهان به ثبت رسانید.

چهره درخشان بازیها

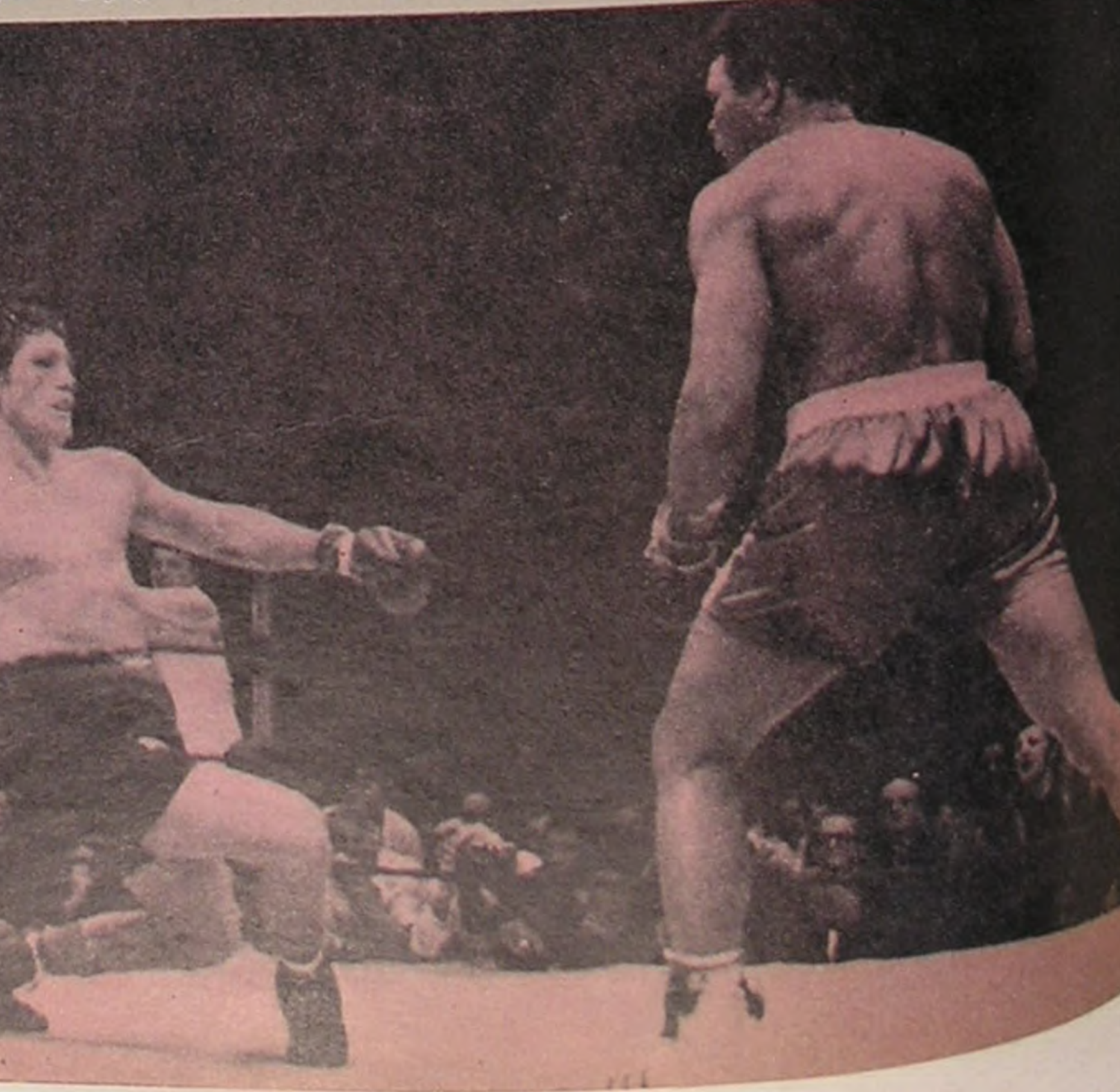
این دوره از بازیهای جام جهانی بدون شک یکی از پرشکوهرترین رویداد ورزش در سالهای اخیر بود. در این دوره از بازیها گذشته از یازده بازی جام زورلیکو «ماریو جوجو» لوپز، تیم ملی فوتبال برزیل، سرانجام رئیس انگلیسی فدراسیون بین المللی نیز یکی از شادمانان بزرگ مکزیک که این بار در طول ۳۲ مسابقه بازیها با شرکت شانزده تیم انجام



مونیک انتظار کشید و با پایان سال ۱۹۷۰ مهمترین مسائلی که در کار فدراسیون بین المللی فوتبال مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دارد، مساله افزایش تعداد تیمهای فیفالیست بازیهای جام جهانی و مساله تغییر احتمالی رئیس این فدراسیون است !!

توطئه برای سرانستالی روس!

در مورد مساله دوم یعنی تعویض احتمالی سرانستالی راس باید گفت این مساله تنها بخاطر مخالفت کشور های امریکای جنوبی عضو فدراسیون با ادامه کار رئیس انگلیسی این فدراسیون، بوجود آمده است. آنها ضمن مخالفت خود با سرانستالی راس، رئیس فدراسیون برزیل را نیز بعنوان نامزد خود جهت جانشینی سرانستالی راس انتخاب کرده اند، لیکن بجهت پشتیبانی کامل کشور های آسیایی و اروپایی از سرانستالی راس بسیار بعید بنظر میرسد تا زمانیکه خودی



«تیماریست»
مسابقات جایزه بزرگ ریند فقید قهرمان ۱۹۷۰، طی مراسمی غم انگیز در پاریس جام پیروزی شوهر فقیدش را دریافت کرد. حکمی استوارت یکی رقبای جوشن ریند در عکس دیده میشود.

قصد کناره گیری از ریاست این فدراسیون را داشته باشد، خواسته امریکای جنوبیها جامعه عمل بخود بیوشد.

مساله افزایش تیمهای فیفالیست که پشتیبان اصلی این طرح شخص سرانستالی راس میباشد، باینصورت مطرح شده که تعداد ۱۶ تیم به ۲۴ تیم افزایش یابند و بابررسی دقیق که «راس» طی طرح پیشنهادی خود باین منظوره کمیته بین المللی فدراسیون فوتبال تسلیم کرده است می توان بخوبی درک کرد که قصد اصلی او شانس بیشتر دادن به کشور های آسیایی و آفریقایی جهت شرکت در بازیهای جام جهانی است.

شکست سلتیک در میلان

با وجودیکه تصویب یارد این طرح

رویدادها و بررسی ورزش در سال ۱۹۷۰

بعد از چهار سال سکوت و خاموشی، دیوار های چین زیر قدمهای ورزشکاران این کشور شکست و راه به دنیای آزاد باز شد!! فوتبال در سالی که گذشت نیز پراشکوه ترین و در عین حال اضطراب آورترین صحنه ها را بنمایش گذارد !!

به جلسه اتی فدراسیون بین المللی فوتبال که بزودی در پاریس تشکیل خواهد شد، موکول شده است بخاطر تعداد بسیار کشور های آفریقایی و آسیایی عضو این فدراسیون پیش بینی میگردد چنین طرحی برای بازیهای جام جهانی سال ۱۹۷۴ مونیک مورد تصویب قرار بگیرد.

در صورت تصویب مساله افزایش تیمهای فیفالیست بر طبق طرح سرانستالی راس هر یک از کوفاره آسیا و آفریقا در مرحله فینال بازیها حداقل دو و حداکثر سه شانس برای حضور خواهند داشت. در حالیکه در بازیهای دوره قبل در مکزیک از هر یک از این دو قاره فقط یک تیم حضور داشتند.

با خاتمه بازی های جام جهانی مکزیک در حالیکه در امریکای جنوبی اکثر، خصوصاً برزیلیها به مسابقات بین المللی سال ۱۹۷۲ «ریو» که پیش بینی شده است

آخرین تورنمنت بزرگ برای سلطان پله خواهد بود می اندیشند، در اروپا اندک اندک مسابقات مقدماتی فوتبال جام ملت ها بروز های اوج خود نزدیک میشوند و امسال باید شاهد حوادث بسیار در این دیدار ها بود.

بزرگترین حادثه فوتبال در زمینه مسابقات باشگاهی در سال ۱۹۷۰ در اروپا شکست تیم فوتبال سلتیک در میلان و در دیدار فینال جام قهرمانی باشگاه های این قاره و در برابر تیم هلندی فاینورد بود !! بپیروزی فاینورد شکست سلتیک، بریتانیایها امید خود را برای فتح هر سه جام مهم باشگاه های اروپا در یک فصل از دست دادند.

شگفتی بزرگ برای فاینورد !!

باشکست (۲-۱) گورنیک زابریهستان بمقام قهرمانی رسید و در جام مکاره آرسنال به لطف معدل گل بهتر اندرلشت، تیم بزرگ بلژیکی را از رسیدن بجام محروم ساخت. آرسنال در دیدار رفت در بلژیک (۳-۱) مغلوب شده بود در حالیکه در دیدار بازگشت در لندن (۲-۰) به پیروزی رسید.

چهار جام در جام منچستر سیتی از انگلیس فاینورد تیم پرافتخار هلندی در مسابقه رفت و برگشت جام بین قاره ای بار دیگر این جام را برای اروپا حفظ کرد و قهرمان امریکای جنوبی «اتودینانت دولایاتا» از آرژانتین را مغلوب کرد، لیکن هنوز هلند در داغی این دو پیروزی بزرگ فاینورد می سوخت که در مسابقات جام باشگاه های اروپا، فاینورد در برابر تیم گمنامی موسوم به «یو. تی. آرا» از رومانی حذف شد و بزرگترین شگفتی در این مسابقات بوقوع پیوست.

حالا در غایت فاینورد، سلتیک فیفالیست سال پیش با وجودیکه در یک چهارم نهایی با یک تیم هلندی دیگر «آژاکس» روبروست، معذرا امید به پیروزی در مسابقات امسال دارد و در مسابقات جام در جام منچستر سیتی و در جام مکاره آرسنال فاتحین سال گذشته در آستانه شروع مسابقات یک چهارم هشتان امید بزرگتر مسابقات مربوط به خود هستند.

دور از حوادث مربوط به مسابقات در هفته پایان سال انتخاب گرد مولر سلطان گل بازی های جام جهانی مکزیک بعنوان آقای فوتبال اروپا در سال ۱۹۷۰ یکی از پرهیجان ترین حوادث سال گذشته بود، خصوصاً اینکه بابی مور کاپیتن تیم ملی انگلیس با فاصله اندکی نسبت به او در مقام دوم قرار گرفت.

بابی مور خود در زمان قبل از بازیهای جام جهانی مکزیک قهرمان یک حادثه بزرگ بود که در زمان سفر تیم ملی فوتبال انگلیس به بوگوئا پایتخت کشور امریکائی کلمبی بوقوع پیوست و این حادثه، دزدیده شدن یک جواهر گران قیمت در جواهر فروشی داخل هتل محل اقامت تیم ملی انگلیس بود که بابی مور متهم به دزدیدن این جواهر گردید!

ادامه دارد

محمّدعلی کلی در بازگشت پیروزمندانه خود به رینگ در دیدار با «اسکار بوناو» بوکسور آرژانتینی یکی از سخت ترین مسابقات خود را پشت سر گذارد، بوناو در لحظه سقوط دیده میشود.

ادامه دارد



کلی به ریت بوس بر...
محمدعلی کلی پس از یک سال طولانی که از سال ۱۹۶۷ بدینال مسابقات عنوان قهرمانی‌اش و محرومیت او از رقابت‌ها، برعلیه او آغاز شده بود. ماه اکتبر سال گذشته سرانجام علی‌اکبر گلشنی را پیدا کرد و در مسابقات با او بازی کرد. گلشنی در مسابقات با او بازی کرد و در مسابقات با او بازی کرد.

سلطان پله در بازیهای جام مکزیک بار دیگر همراه تیم برزیل ژولریمه شد.



در فاصله چند روز به پایان سال، در روز شنبه پنجم دیماه برابر با ۲۶ دسامبر در بیمارستان دانشگاه مونیخ در آلمان غربی بوقوع پیوست.
لیلیان بورد دونه محبوب و ۲۲ ساله انگلیسی، برنده مدال نقره مسابقه دو چهارصد متر دختران در بازیهای المپیک مکزیکوستاره مسابقات دوومیدانی قهرمانی بانوان اروپا در سال گذشته در آتن که دو مدال طلا گرفت، پس از یک دوره مبارزه کوتاه با شیطان شوم بیماری سرطان، سرانجام از پای درآمد و با مرگ خود دنیائی را به اندوه و تأسف کشید.
جسد لیلیان بورد که محبوبترین ورزشکار زن انگلیسی محسوب می‌شد جمعه روز شکار زن اندوهناک در لندن خاکسپاری شد.
غم مرگ این چهره‌های محبوب دنیای ورزش، متأسفانه تنها نقاط تاریک ورزش سال ۱۹۷۰ نبود چه یکی از تاریکترین روزهای ورزش در سالهای پیش‌تر گذاشته شد.

مقبول عضویت مجدد کمیته بین‌المللی المپیک خواهند شد و با احتمال بسیار در بازیهای المپیک سال ۱۹۷۲ مونیخ شاهد قهرمانان ورزش این کشور خواهیم بود.
ضمن اینکه دو شهر بزرگ جهان سابورو در ژاپن و مونیخ در آلمان غربی طی بیست ماه آینده بار دیگر محل اجتماع قهرمانان ورزش دنیا برای شرکت در بازیهای المپیک زمستانی و تابستانی خواهند بود.
مساله تهدید روح آماتوری ورزش طی یک سال گذشته بوسیله عوامل «حرفه‌ای» سخت‌رو سالی سازمان‌های بزرگ ورزشی و آماتوری در دنیا را به هراس واداشته و اکنون این سؤال مطرح شده است، که آیا بازیهای المپیک زمستانی و تابستانی آینده تنها در سایه روح آماتوری ورزش خواهند توانست همچون گذشته قهرمانان همه کشور های جهان را بسوی خود جلب کنند؟

حوادث اندوهبار

شهر «کلمبوس» ضمن همه حوادث پر شکوه شاهد چهره زشت ورزش سال بود!!

امروز نه‌روز از آغاز سال‌تازمسیحی سال ۱۹۷۱ می‌گذرد. روز پنجشنبه دهم دیماه برابر با یک دسامبر آخرین روز سال ۱۹۷۰ بود، سالی که از هر نظر حوادث شادی-بخش و تأسف‌بار فراوان به‌مراه داشت.
در زمینه ورزش این سال، سال پرحادثه‌ای بود روز های پراضطراب و در عین حال زیاده‌ترفتی بسیار در برداشت، ضمن اینکه بخاطر چند حادثه غم‌انگیز این سال را باید یک سال پرتراژدی نیز دانست!
لیکن حوادث بزرگ ورزش در سال ۱۹۷۰ در کنار تمام حوادث دیگر جهان‌طول این سال، روز های بسیار نظر تمام مردم جهان را به حوادث گوناگون ورزش معطوف کرد، که از جمله باید از بازیهای فوتبال جام جهانی ژولریمه مسابقات هیجان‌انگیز بوکس قهرمانان سنگین وزن در امریکایا کرد.

مکزیکو ویله

سال ۱۹۷۰ از نظر کیفیت و روح ورزش در عین حال سال پر شکوه و بس درخشانی نیز بود، سال گذشته مسیحی بالاتر از همه شاهد شکوه بازگشت پرفروغ و پیروزمندان محمدعلی کلی قهرمان سابق بوکس دسته سنگین وزن جهان به رینگ و عظمت پیروزی یک برزیلی، ادیسون آرائتس دوناسیمتو موسوم به پلدرچمن سبز استادیوم گول‌پیکر آرتک در مکزیکو سیتی و در شب ۲۱ ژوئن و در لحظه پایان بازیهای جام جهانی فوتبال بود.

مسابقات فوتبال جام جهانی مکزیک خصوصاً در آن بعد از ظهر داغ ماه ژوئن کتیمیهای ملی فوتبال برزیل و ایتالیا دیدار فینال را برگزار میکردند، با جلب نظر هشتصد میلیون تن از مردم جهان، از راه تلویزیون نمایندگان عظمت هرچه بیشتر و بیشتر این ورزش در عصر حاضر بود و بقول یک نویسنده شوخ طبع انگلیسی در حال حاضر فقط «سکس» گاهگاه برتر از فوتبال نظر ها را جلب میکند، وگرنه هیچ چیز دیگری نمیتواند مانع از بوجود آمدن هیجانانگیز فوتبال در مردم دنیا باشد.

مرزهای چین شکست !!

در عین اینکه در اوایل ماه آخر سال ۱۹۷۰ کمیته بین‌المللی المپیک با پرده برداشتن از عمل ده اسکی‌باز مشهور جهان که با چهره بظاهر آماتوری به کسب درآمد از راههای نامشروع پرداخته بودند، در مورد از بین رفتن روح آماتوری در ورزش در دنیا، اعلام خطر کرد، سفر یک گروه ورزشی از چین کمونیست به اروپا موجب خوشحالی بسیار گردید! چهار سال ۱۹۶۶ تا ماه نوامبر سال ۱۹۷۰ چینی‌ها به شکل عجیبی مرز های خود را بروی ورود قهرمانان خارجی و خروج نمایندگان ورزش خود بسته بودند. سفر تیم ملی پینگ‌پنگ زنان و مردان چین کمونیست به سوئد جهت شرکت در یک دوره مسابقات بین‌المللی این امید را بوجود آورد که بزودی چینی‌ها حاضر

در شهر کلمبوس ایالت اوهایو امریکادر طول مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی جهان نقش گرفت.
چهره زشت این مسابقات که دوران آن، مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی جهان در کلمبوس نیز می‌توانست صحنه مبارزات ورزشکارانه قهرمانان بزرگ ملل شرق و غرب و دور و نزدیک جهان باشد، جنگ سرد و غیرورزشی کشور های اروپای شرقی و امریکا بود که برای اولین بار به شکل عجیبی در معرض دید عمومی قرار گرفت و حاصلش محروم شدن بسیاری از قهرمانان شرقی از عنوان ها و مدال های افتخار خود در طول این مسابقات بود که به اتهام «دوپینگ» کردن، دچار چنین سرنوشتی شدند.

بازگشت پیروزمندان کلی!

در حالی که دستگاه امریکائی برگزار کننده این دوره از مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی جهان مدارک کافی برای ثبوت این عمل غیرورزشکارانه کشور های شرقی را تأیید به نظرات کمیته پزشکی مسابقات ارائه داد اکثر کشور های شرقی این کار را یک توطئه امریکائی و ضد شرقی تلقی کردند!
لیکن دور از این مبارزات پشت پرده در آخرین روز های سال در مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی شوروی، مرد بزرگ این ورزش در عصر حاضر «واسیلی آکسیف» پیروزمندانه رکورد باور نکردنی ۶۲۵ کیلو را نیز در دسته فوق سنگین از خود بجای گذاشت.

برای آغاز یک بررسی کلی از دنیای ورزش سال ۱۹۷۰ با وجودیکه طی این سال مسابقات فوتبال جام جهانی ژولریمه در مکزیک، بازیهای ورزشی کشور های مشترک‌المنافع در ادیمبورگ اسکاتلند و بازیهای المپیک آسیائی در بانکوک و مسابقات جهانی رشته های مختلف ورزش از جمله مهمترین حوادث مربوط به این سال می‌باشند، لیکن در سرآغاز همه یک حادثه اهمیت فراوان تری دارد و این بازگشت پیروزمندان محمدعلی

امر تهدید ورزش های آماتوری از جانب «پروفسور نالیزم» بقدری در طی سال ۱۹۷۰ جدی تلقی شد که تنها طی همین نخستین ماه سال تازه مسیحی سه جلسه جداگانه در لندن، پاریس و لوزان با شرکت روسای بسیاری از کمیته های ملی المپیک کشور ها و مسوولان سازمان های بین‌المللی ورزش تشکیل خواهد شد که نتایج آنها همگی در جلسه مهمی که در ماه سپتامبر آینده در لوگزامبورگ تشکیل میگردد مورد بررسی واقع خواهد شد!
ضمن همه حوادث مربوط به امر ورزش سال ۱۹۷۰ یک سال پرتراژدی بود، چه طی این سال سه قهرمان بزرگ مسابقات اتومبیلرانی و یک ستاره محبوب بازیهای المپیک گذشته بر اثر حوادث و بیماری جان خود را از دست دادند!
تراژدی بزرگ مرگ غم‌انگیز سمستاره بزرگ مسابقات اتومبیلرانی جهان، بروس مک‌لارن نیوزیلندی، پیرکوراژ فرانسوی و سرانجام جوشن ریندا تریشی بود که این آخری در حین تمرین برای شرکت در مسابقه اتومبیلرانی جایزه بزرگ (گراندری) ایتالیا در ماه سپتامبر گذشته در مونزا طی حادثه‌ای دلخراش و وحشتناک کشته شد!

جوشن ریندا فقید در حالی جان خود را از دست داد که امید بزرگ فتح مسابقات امسال اتومبیلرانی جایزه بزرگ جهان بشمار میرفت و در عین حال پس از مرگ نیز این عنوان پرافتخار بنام او ثبت گردید، چه او بخاطر پیروزیهای قبلی اش در مسابقات امسال همانطور که تا قبل از مرگ در صدر جدول رده‌بندی مسابقات قرار داشت تا پایان همچنان در صدر باقی‌ماند و برای اولین بار در تاریخ مسابقات اتومبیلرانی جایزه بزرگ جهان عنوان قهرمانی بیک قهرمان فقید تعلق گرفت و طی مراسمی غم‌انگیز در پاریس، جام پیروزی مسابقات اتومبیلرانی گراندری سال ۱۹۷۰ به همسر جوشن ریندا، نینا ریندا داده شد.

چهره زشت ورزش

آخرین حادثه تأسف‌انگیز سال ۱۹۷۰

نیویورک انجام داد و در حالیکه در آن وقت از نقطه نظر تماشاگران این مسابقه هر دو رکورد یک بازیهای مکزیک مسابقات بوکس حرفه‌ای محسوب میشد درخشانی را پشت سر گذاردند او در روند پانزدهم موفق به ناگین نیز در طول مسابقه حریفش شد.
ضمن همه حوادث در مکزیک شادمانان بزرگ فوتبال طی این مدت پیروزی منتظر جوشن ریندا عنوان قهرمانی دسته سنگین وزن جهان را با برادر دیگر هیجان مسابقات فاستر، بار دیگر وزنه‌بردار جهان را همراه با دسته سنگین وزن جهان را همراه با دسته سنگین کلی به اوج خود رسانید در حالیکه مردم دنیا بپس از پیروزی بزرگترین نبرد تاریخ مسابقات بوکس سرانجام ۱۵ روز گذشته تاریخ مسابقات کلی و فریزر تعیین شد و هشت مبارزه با هفدهم اسفند این دو در استادیوم اسکوتلارد نیویورک در برابر هم خواهند گرفت.
در فوتبال بازیهای جام جهانی ژولریمه مکزیک قرار گرفت. برزیل و ایتالیا نیز شادمانان بزرگ این دوره از جام جهانی فوتبال بودند، خصوصاً ۲۱ ژوئن که تیم فاتح این بازیها، ایتالیا ۱۹۵۸ و ۱۹۶۲ بلطف چهار گل جرسون، جرزینهو و کارلوس آلبرتو دیدار فینال این جام ایتالیا را برد و با فتح همیشگی جام ژولریمه را بعنوان پرافتخارترین ملت در تاریخ جهان به ثبت رسانید.
چهره درخشان بازیها این دوره از بازیهای جام جهانی بدون شک یکی از پر شکوهترین دوره ورزش در سالهای اخیر بود. در این دوره از بازیها گذشته از یازده بازی جام ژولریمه «ماریو جوج لوپز» برزیل تیم ملی فوتبال برزیل، سرانجام رئیس انگلیسی فدراسیون فوتبال نیز یکی از شادمانان بزرگ مکزیک چه این بار در طول ۲۲ مسابقه بازیها با شرکت شانزده تیم انجمن

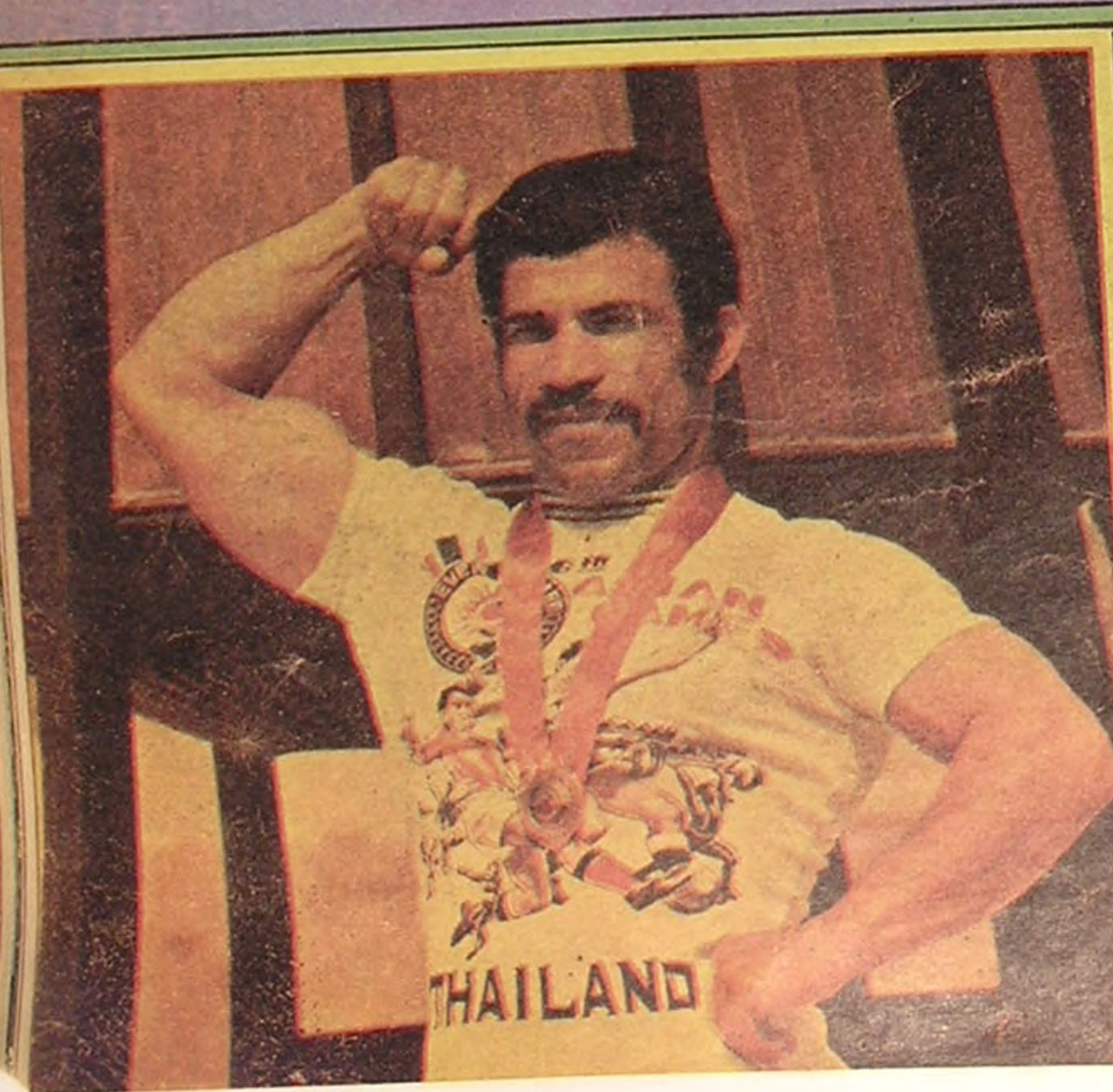
!!

باید عینک های دودی را کنار بگذاریم،
فایه را که در گوشه پنهان فرو رفته
آوریم، خورشید ورزش را باور داریم

فرد و مدال طلای این دسته را بگردن
این نیز چهارم نازده از تیم ژاپن
نزد دور گذشته نامی از او شنیده بودیم.
همه دیگر گونی نشانه چیست ؟
ساشی او هوشی « در يك دسته بالاتر

نصیری روی حرکت دو ضرب هر ۱۴۴ کیلو
دوبار خطا کرد و همه را در وحشت فرو برد،
اگر این مدال طلا را از دست میدادیم؟! ^{۱۰۰}

دهنوی تولد تازه ما در وزنه برداریست
که با ۴۲۵ کیلو صاحب عدال طلا شد ولی
او در حالی تکامل مییابد که جلاایر و برومند
صحنه را ترک میکنند!! و یا بهتر بگوئیم
ترک کرده اند.



آسیا شکل گرفته بود حیرت زده و غافلگیر شده بود.

با این همه ما هنوز در رشته هائی که از آغاز بر آسیا حکومت میکردیم همچنان در صدر بودیم، کشتی و وزنه برداری.

اولین مدال طلای تایلند!
در تایلند يك شگفتی دیگر وزنه برداری آسیا را دربر گرفت در نخستین شب «چانگسوکچندا» دانشجوی ۲۳ ساله تایلندی با ۳۲۲ کیلو رکورد مجموع در حالی که ۴۳۵ کیلو رکورد «لی یانگ هو» قهرمان کره را که در ۱۹۵۸ اولین مدال طلای دسته مگس وزن را به گردن آورده بود ترقی داد و از جمع ۲۳ مدال طلای تقسیم شده طول سه دوره بازی های آسیائی اولین مدال طلای وزنه برداری را به ملت تایلند تقدیم کرد.

محمد نصیری در دومین شب بازی های بانکوک با مجموع ۳۵۴ کیلو اولین مدال طلای خود را طول ۶ سال حیات وزنه برداری و یازدهمین مدال طلای وزنه برداری ایران را در بازی های آسیائی به گردن آورد، ضمن آنکه ۴۷۵ کیلو رکورد قبلی این دسته را که متعلق به «شیگوکیو» ژاپنی بود در بازی های ۱۹۵۸ توکیو در سایه آن صاحب مدال طلا شده بود ترقی داد.

تولد يك ژاپنی در پروژن

در پر وزن يك ژاپنی دیگر متولد شد، «یوشینوبه میاکی» ۳۷۷ کیلو مجموع، یعنی ۳۴۳ کیلو بیشتر از رکورد بازی های آسیائی.

باین ترتیب طول سه شب نخست بازی ها، سه کشور پرچمشان باهتر از درآمد، تایلند، ایران و ژاپن.

واقعیت این بود که ورزش آسیا به پاخاسته، سنتهای برتری برای يك قوم و حکومت بدون تردید به پایان رسیده بود. وقتی بیاد میاوریم در ۱۹۵۱ دهلی شاهد بود که روی هر هفت سکوی وزنه برداری سلاطین ایران جا گرفته بودند هفت بار سرود ملی ما نواخته شدو هفت مدال طلا به پیکر قهرمانان ما زینت دادو بعد زمانی که به خاطر میاوریم در مانچیا ۱۹۵۴ کره پنج مدال طلا و برمه دو مدال طلای باقیمانده را تصاحب کرد تقسیم سه مدال طلا در سه

تقسیم که توکیو در ۱۹۵۸ آغاز تحول برای وزنه برداری آسیا بود حکومت مطلق ایران و برتری کره از میان رفت، دیگران هم با بمیدان گذاردند و باوجود این که با اضافه شدن دسته مگس وزن در شب پایان مسابقات هشت مدال طلا تقسیم شده بود، نه ایران و نه کره چون گذشته درخشش این مدالها را روی سینه قهرمانان خود ندیدند.

در دسته میان وزن يك چینی «کویونیک» با ۳۸۸ کیلو گرم مدال طلا را به گردن آورد، و در خروم وزن «شیگوکیو» از ژاپن با ۳۴۵ کیلو ۵۷۵ کیلو رکورد «یوایشو» کره ای را که در بازی های ۱۹۵۶ صاحب مدال طلای این دسته شده بود ترقی داد و اولین مدال طلای ژاپن را طول سه دوره بازی های آسیائی به گردن آورد. ولی این آغازی بود برای بیداری نژاد زرد.

زندگی آرام و به پایان رسیدن مصیبت و فقر جنگ حیات تازه ای بر مردم جنوب شرق آسیا داده بود که طبیعتا در چنین شرایطی رویداد های تازه در ورزش این خنله خلق میشد.

مسائل سیاسی و بازی های جاگارتا

جاگارتا در ۱۹۶۴ بخاطر مسائل سیاسی تحت تاثیر شرق و غرب نتوانست مهمانداري شایسته باشد. ولی هیچکدام از ورزش ها چون وزنه برداری آسیب ندید. در آرشو بازی های آسیائی برای وزنه برداری در ۱۹۶۴ هیچ مکانی یافت نمیشد. ولی بهر حال طنین بیداری همچنان اوج میگرفت، صحنه های پیکار در بازی های المپیک ۱۹۶۴ و مسابقات جهانی طول سه دوره تا آغاز پنجمین دوره بازی های آسیائی بانکوک در ۱۹۶۶ همه و همه عواملی بود که سبب شد بانکوک را در سطحی غیر قابل قیاس با دهلی، مانیل و توکیو ببینیم.

این تنها بوزنه برداری اختصاص نداشت، ژاپن در والیبال، شناوریمناستیک غولی حیرت انگیز شده بود، در فوتبال کره شمالی طوفان زرد را در لندن بنمایش گذارد و باین ترتیب ورزش دنیا تحت تاثیر نژاد زرد و پولاد های متفکری که در

شهر برای سه ملت نمایشگر تحرکی است که در آسیا وجود آمده است. پرویز جلاير با ۴۰۴ کیلو دومین مدال طلای ایران را در دسته سبك وزن تصاحب کرد، ولی در میان وزن باز هم يك ژاپنی بهم پیچیده و استوار بنام «ماساشی-اوجی» با ۵۵۵ کیلو صاحب مدال طلا شد. و عجیب این که رکورد او نه کیلو گرم بیشتر از «جنگ سولی» کره ای که مدال طلای دسته نیم سنگین را بدست آورد، بود. در وزنهای میان سنگین و سنگین وزن نیز ایران و کره صاحب مدال طلا شدند.

«یونگ وولی» از کره با ۵۴۳ کیلو مدال طلای دسته میان سنگین را گرفت و منوچهر برومند قویترین مرد آسیا با حد نصاب جاودانه ۴۹۰ کیلو که هنوز هم رکورد برتر بازی های آسیائی است سومین مدال طلای ایران را صاحب شد.

در بانکوک مدالها تقسیم شد!
باین ترتیب در بانکوک ۱۹۶۶ از جمع هشت مدال طلای وزنه برداری، سه مدال طلا ایران، کره و ژاپن هر کدام دو مدال طلا و تایلند نیز يك مدال طلا را تصاحب کردند.

بگمان ماتحول چهار دوره مسابقات وزنه برداری و پنج دوره بازی های آسیائی در بانکوک ۱۹۶۶ رنگهای خطر را برای ما بصدا درآوردند و اگر در همان زمان این واقعیت را می پذیرفتم که سالهای آینده با آسیای بیدار باید روبرو شویم، امروز قدرت مقابله در تمام رشته ها را با سلاطین بدون تردید نژاد زرد داشتیم.

ولی واقعیت اینست که ما کمتر آنچه را دیده، باور داشته ایم.

شکست هایمان را با بهانه جوئی توجیح کردیم و از پیروزیها آتقدر سرمست بوده ایم که موجودیت حریف را حتی برای سالهای بعد اندازه نگرفته ایم، و همین عدم تعادل و بالاتر از آن نداشتن يك سازمان اصولی برای پذیرش واقعیت ها سبب شده است که همه شادمانی ما تولد چهره هایی استثنائی در ورزش باشد.

در این زمان ما در وزنه برداری چه چیز داریم؟ کدام چهره ها پا جای پای آنها که رفته اند گذاشته اند؟ آیا نصیری، دهنوی و

**در ۱۹۶۶ ما بایک معجزه اول شدیم!!
ایران ۳۷، کره ۳۷ و ژاپن ۳۶ امتیاز داشتند ضمن آنکه مجاز بودیم در وزن دلخواه دوشرکت کننده داشته باشیم!!**

از تیمی که در ۱۹۵۱ صاحب ۷ مدال طلا شده بود و در ۱۹۶۶ با چهره ای فقیرانه عنوان قهرمانی را بدست آورد در ۱۹۷۰ چه انتظار داشتید؟ معجزه!!؟

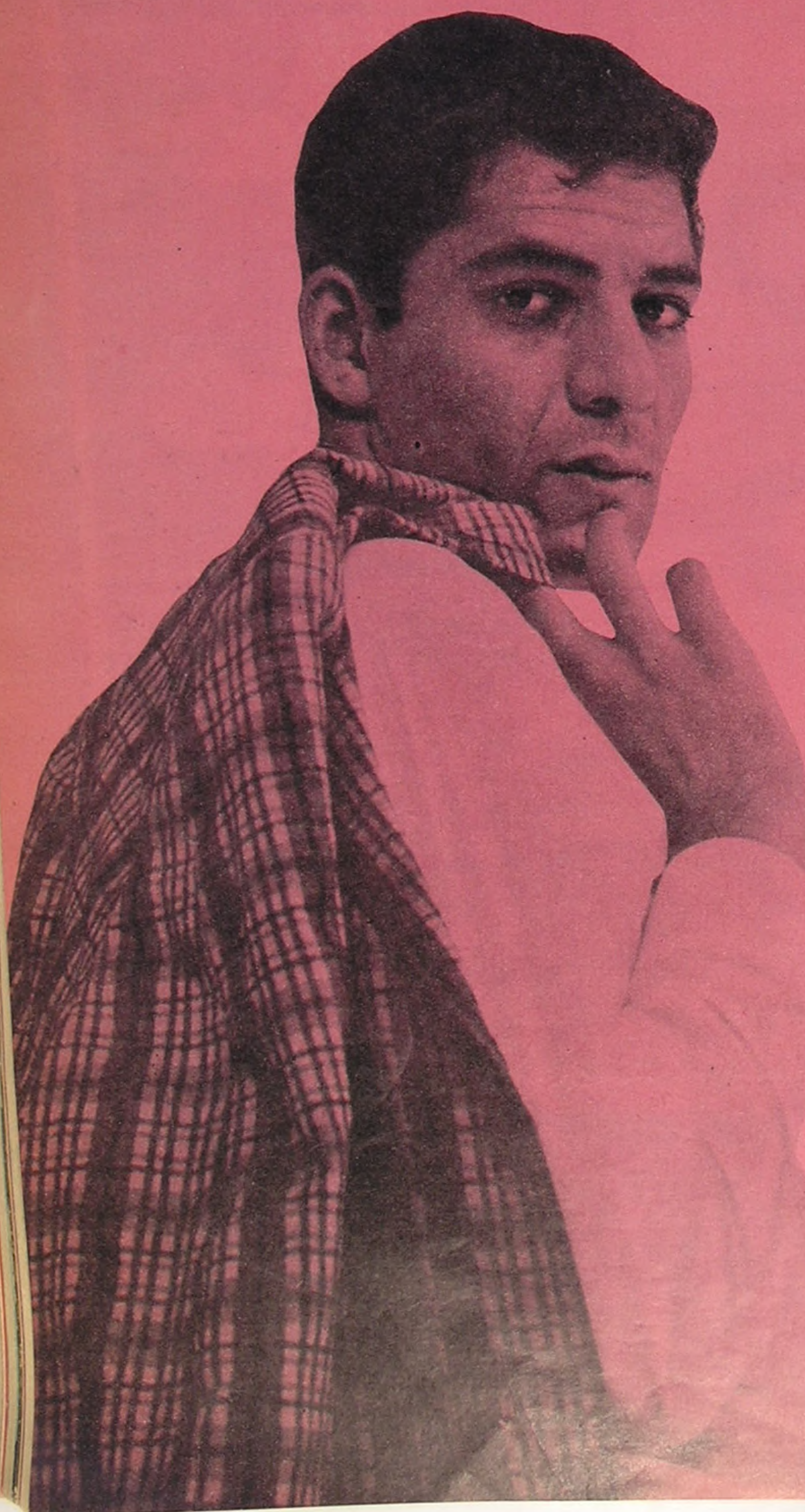
سئوالهایی که باید پاسخ گفت!! (۲)
**در بانکوک ۱۹۶۶ از رنگ
خطر برای وزنه برداری
ما بصدا آمده بود!!**

دکتر علی آقائی از آمریکا گزارش میدهد

سال ۵۰ سال تولد دوباره مید پیر زادگان در فوتبال ایران!!

اگر در تیم ملی جایی برای
من نباشد کنار بازیکنان تیم
خود و مردانی چون بهزادی
حیات دوباره خواهیم یافت

سیمین شیرزادگان میگوید: شیری دیگر
دشوار میتواند آن شیری سابق باشد و
من طبیعتا اگر غروب او را در میدان ببینم
همه زیباییهای گذشته را فراموش خواهم
کرد!!



در ذهن خود او را همچنان با خاطرات
پر شکوهش در میدان حفظ کنم و این چیز است
که دیگر دوستان او نیز چنین خواهند
کرد.

اگر غروب اورا ببینم

شیری دیگر دشوار می تواند آن شیری
سابق باشد، و من طبیعتا اگر غروب او را
در میدان ببینم، همه زیبایی های خاطرات
گذشته در این غروب مدفون خواهد شد.
تو دیگر برای زندگی و برای فردای
زندگی، فرزندت باید تلاش کنی. فوتبال
دیگر تمام شده است. لااقل اگر با قلت
نمی توانی بگوئی، بمرم بگو خدا حافظ
فوتبال و سلام بتو زندگی.

ولی تویچی بزرگ گذشته ضمن آنکه
شاید غبار غم چهره اش را از فروغ گذشته
تبی کرده است، لبخند شیرینش را بلب
دارد و میگوید ۲۹ سالگی در شمار سالهای
خوب جوانیست. مدتی تمرین همراه با
کمک تو و خواستن من مرا بفرم دلخواه
میرساند و این میتواند گذشته را بمن باز-
گرداند.

ساقهای من هرگز بمن خیانت نمی کند

من در وجود خود اینرا می بینم،
ساقهای من هرگز بمن خیانت نکرده اند، من
در بازگشت باز هم فوتبال خواهم کرد حتی
اگر در سطح ملی نباشد در کنار بازیکنان
سابق باشگاه و در کنار همایون من حیاتی
تازه خواهم یافت و این بزرگ و روحیه
من نشاطی تازه میبخشد.

دوست ندارم این بحث ادامه پیدا کند،
او بهمسرخی سخت عشق میورزد و بفوتبال
هم همچنین. من روی چهره اش و در
کلماتش ثبات و اعتقادی را می بینم.
احساساتش تهییج شده و طوفانیست و می
خواهد باز هم در میدان زنده باشد.

آرام در گوشم میگوید در بازگشت
من سیمین در آمریکا خواهد بود، لااقل
برای شش ماه که درش تمام شود و طول
این زمان من میتوانم در بازگشت باونشان
دهم که شیری هنوز در میدان شیراست.

یالیتور ۲۷ دسامبر ۱۹۷۰

دکتر علی آقائی

که لازم بود شوت میکرد.
اوج شهرتش مسابقات انتخابی
۱۹۶۴ تو کیو بود، او در پرواز
هر کجا که میخواست میرفت و هر
میکشاست و در هر سال
صاحب میدان بود، بازی تحسین
در دیدار با عراق در یک روز پیش
یک میدان ملی سبب شد مرد دیگری
گل در یک دیدار که دوتای آنها
۱۸ قدم روی ضربه آزاد و یکی
راست سبب شد دستگاه تنفسی تیم
از کار بیفتد.

بفرمانت نامرتبی دارد ولی بهر حال
از زبال توپ میکرد، نیروی تکنیکی
گرفته سبب شده در بالتیمور باقیم
جایی برای خود در فوتبال
این سرزمین باز کند.
«لیکزر» باشد هست که بیشتر
چون مقيم بالتیمور در آن عضو هستند،
شیرزادگان هنوز هم در صدر است،
صدر فوتبال بالتیمور، هر چند این فوتبال
ی او سخت فقیر است!!

سال سال پیر شده است!
خانواده ما با هم دوستی دارند و در
تو دیگری بایکدیگر زندگی میکنند
و این خیلی کم یکدیگر را می بینم.
دیوارش باو تلفن کردم، وعده دیدار
ولی اینبار با آنچه که در گذشته
دیدم سخت فرقت داشت زیرا پانگامی
را با او را میگریستم، نگامی که روز
دو نزدیک را برایم بیاد میآورد و در

و سر انجام این مرد بعد از شش
خدمت به تیم باشگاهی و تیم ملی
شهرت و اعتبار از فوتبال ما خدا
کرم راه زندگی و تحصیل او را
دور کشاند! به آمریکا آمد تا آنکه
و تحصیلش را تضمین بخشد ولی
شاید حدود دو سال بعد بازگشت
بعد زمان مردم باز هم مانند یک
قهرمانی که هنوز سرپاست، از او
کردند، بازی در تیم باشگاهش

جلب نظر کرد و خودش میگوید در
من آماده نبودم، بدتم خسته بود
زندگی در دیار دور بخصوص که
تحصیل توام باشد انسان را سخت
میکند، نه برای زندگی بلکه برای
بودن و بزرگ بودن. با این همه
میدان آمدم و این بخاطر بافتاری
باشگاه و احترام به خواسته مردم
و این واقعا سزاوار بود که من با
بمیدان بیایم، هر چند نتوانم در بازی
داشته باشم. ولی باز هم علاقتان
ترک کرد. در بازگشت مجدد به
دختری همراه او بود، دختری
دلخواه زندگیش میباشد.

سیمین اکرامی و شیرزادگان
زمان بایک زندگی آرام در آمریکا
تحصیل مشغولند. و در این زمان
برای او چشم اندازی حیاتی ندارد و
از این رو باشد که در اینجا امور
را آنچنان که باید نمی شناسند و

سیمین اکرامی و شیرزادگان
زمان بایک زندگی آرام در آمریکا
تحصیل مشغولند. و در این زمان
برای او چشم اندازی حیاتی ندارد و
از این رو باشد که در اینجا امور
را آنچنان که باید نمی شناسند و

سیمین اکرامی و شیرزادگان
زمان بایک زندگی آرام در آمریکا
تحصیل مشغولند. و در این زمان
برای او چشم اندازی حیاتی ندارد و
از این رو باشد که در اینجا امور
را آنچنان که باید نمی شناسند و

سیمین اکرامی و شیرزادگان
زمان بایک زندگی آرام در آمریکا
تحصیل مشغولند. و در این زمان
برای او چشم اندازی حیاتی ندارد و
از این رو باشد که در اینجا امور
را آنچنان که باید نمی شناسند و

روزی که رفت روی چهره اش غم موج
میزد، خدا حافظ فوتبال، خدا حافظ تریبون
نشین های امجدیه ولی ما حدود ششماه
دیگر بازگشت او را در یک دیدار بزرگ
چشم میگیریم.

سال ۵۰ حمید

شیرزادگان ، سیمین همسرش و دکتر علی آقائی دوست و همکار مادریداری که این مطلب بدنبال آن تهیه شد ، این اطاق زیبا و آرام شبهای درازی شهادت بر بیداری و مطالعه خسته کننده این زوج جوان میدهد.



که لازم بود شوت میکرد. اوج شهرتش مسابقات انتخابی المپیک در ۱۹۶۴ توکیو بود، او در پرواز هر کجا که میخواست میرفت و هر کجا میخواست میکاشت و در هر مسابقه صاحب میدان بود، بازی تحسین آیدر در دیدار با عراق در يك روز پرشکوهر يك میدان ملی سبب شد مرد دیگری ۳۳ گل در يك دیدار که دوتای آنها از ۱۸ قدم روی ضربه آزاد و یکی از راست سبب شد دستگاه تنفسی تیم از کار بیفتد.

بازگشت بعد از یکسال
و سر انجام این مرد بعد از هشت خدمت به تیم باشگاهی و تیم ملی شهرت و اعتبار از فوتبال ما خدا کرد و راه زندگی و تحصیل او را دور کشاند! به آمریکا آمد تا آید و تحصیلاتش را تضمین بخشد ولی خیلی شاید حدود دو سال بعد بازگشت! بعد از آن زمان مردم باز هم مانند يك قهرمانی که هنوز سرباست، از او استقبال کردند، بازی در تیم باشگاهی باز جلب نظر کرد و خودش میگوید در آن زمان آماده نبودم، بدنم خسته بود و زندگی در دیار دور بخصوص که تحصیل توام باشد انسان را سخت میکند، نه برای زندگی بلکه برای میدان آمدن و این بخاطر پافشاری باشگاه و احترام به خواسته مردم و این واقعا سزاوار بود که من با هر شرمی که داشتم، ولی باز هم علاقمندان ترك كرد. در بازگشت مجدد به دختری همراه او بود، دختری دلخواه زندگی میباش.

سیمین اکرامی و شیرزادگان زمان بایک زندگی آرام در آمریکا تحصیل مشغولند. و در این زمان برای او چشم اندازی حیاتی ندارد و این از این رو باشد که در اینجا اصولاً رانچان که باید نمی شناسند و

های افتخار آفرین او و ساقهای پیروزی بخش او دویده است. همان پاهایی که زمانی با آن روی قلبها راه میرفت، واز شوق این گردش بهاری در فوتبال ما بروی گونه ها اشك جاری میشد.

ابتدا با اسمو يك عكس كوچك و بی-ریختش! دريك نشریه آشناشدم، زیر عكس نوشته بود: «قهرمان محله» که همه توپها را توی گل می کند! آن وقت هانشر ورزشی در همین مایه بود و کمتر هنرنویسندگی در آن بکار میرفت ولی بعد و حالاندیای دیگری برای نویسنده کان ورزشی ما باز شده است.

قدوقامتش را با تیم پولاد توی میدان دیدم يك بدن لنگردار! که وقت راه رفتن انگار میلنگد! ولی همین بچه لق فوتبال ما خیلی زود معروف شد! زودتر از آنچه که تصور میشد و زودتر از آنکه مردی در ورزش ما هنوز بمعززی رسیده باشد.

سرمایه های جاودانی فوتبال!
فصله اش از بازی در تیم شاهین تا پوشیدن پیراهن ملی فقط يك قدم کوتاه بود و وقتی به تیم ملی راه یافت از سرمایه های جاودانی فوتبال ما شد، نوجوانی ۱۷ ساله که بعلت کمی سن قانونی بزرگسالان را بایش گذرنامه خروج از کشور میکردند. ۱۹۵۷ به هندوستان رفت، حضورش در تیم ملی برای مردم از ملزومات شد، همه او را میخواستند و بازی بدون «شیری» برایشان رونق نداشت، بازیکن لقلو در میدان گوشه گیر و کم کار بود. اما وقتی توپ زیر پاهایش می چسبید آتش بازی آغاز میشد، زیرکی، تسلط و انعطاف پذیری خیره کننده، دقت در شوت و موقع شناسی و تیزهوشی از خصوصیات بارز او بود، مثل ماهی میان مدافین لیز میخورد و از میان ساقهایی که بارها میخواستند ساق او را بشکنند می گذشت و بعد در يك لحظه توپ را به آنجا

این چند روزه مشغول خواندن آن بودم. دیروز امتحانم تمام شد. و بجان مادرم قسم، همین الان که این نامه را برایت مینویسم ساعت ۳ صبح است. تا ساعت ۹ شب درس داشتم و بعد رفتم منزل حمید که کار را با وقت من جور کرده بود. ساعت ۱۲ بر گشتم و تا یک ربع پیش مطلب حمید را نوشتم و حالا هم این نامه را برای تو خلاصه اگر تاخیری شده من هیچ راهی نداشتم، فکر نکن که بی توجه بودم و برای آنکه این نوشته و اقدام شما سندیت داشته باشد و باز قصه های کهنه ساز نشود چند فیلم که در اطاق گرفتم همراه مطلب است که با نور کم اطاق و نداشتن فلاش امیدوارم قابل استفاده باشد، و عکس های سالمی از آن بردارید.

از من خواسته بودی با حمید شیرزادگان تماس بگیرم. من خیلی وقت است که از کار نویسنده کی دور هستم، راستش زیاد هم از این کار خوشم نمی آید و تو میدانی که ضمن همه عشق بنویشتن از این کار نویسنده کی بدون تضمین در ایران همیشه چگونه گریخته ام. گاهی فکر میکنم اصلا اینها بمن چه، شغل من چیز دیگریست، دندان-پزشکم و باید بروم دنبال کارم و حالا هم تحصیل، ولی واقعا نویسنده کی چه دنیای بزرگ است او چگونه روح را آرامش می بخشد ولی سوالی که میماند اینست که در کجا و در چه محیطی؟ بهر حال این فرمان توست، دوستی که من برایش خیلی ارزش قائم، پنج، شش سال همکاری بودم، شبها تا نزدیک صبح با هم روی میز صفحه بندی ختم میشدیم و حرفها را جابجا میکردیم، برای يك مطلب دهها بار سلیقه یکدیگر را رد میکردیم و سر انجام بتوافق نمیرسیدیم؟ و حالا از آنچه خاطرات تنها يك دوستی ساده برایم مانده است که سخت برایم عزیزست، بهر حال يك دیدار با چاشنی سالهای آشنائی که از حمید داشتم سبب شد این را برایت تهیه کنم. من شیرزادگان را از خیلی قبل می شناسم، قلم من و قلب من چون شما ها و دیگران خیلی دنبال ساقهای طلائی او، ساق

مدتهای دراز است که یکی از چهره های صاحب نام فوتبال ایران، حمید شیرزادگان که لحظه های پرشکوهر و جاودانی طول حیات فوتبال خود در ایران برای مردم ما خلق کرده بود، دور از وطن بدنبال زندگیست و در گذشته های دور و نزدیک ضمن آنکه ما بارها از او سخن گفته ایم علاقمندان به ورزش فوتبال و خوانندگان مامکرر خواسته اند که از او بیشتر بنویسیم. پاس احترام به خواسته خلق مشتاق فوتبال که هرگز چهره های افتخار آفرین خود را بفراموشی نمی سپارند و برای آنکه حتی بخود شیرزادگان بگوئیم که هنوز او را بیاد داریم از دوست مشترکمان دکتر علی آقائی که پس از فارغ التحصیل شدن از دانشکده دندانپزشکی تهران برای ادامه تحصیل به آمریکا سفر کرده است تقاضا کردیم در يك گفتگوی کوتاه آنچه ممکن است از شیرزادگان برای ما بنویسید.

شیرزادگان در شهر بندری «بالتیمور» واقع در ایالت مریلند از شهرهای معروف آمریکا زندگی میکند و این شهر با پایتخت آمریکا یعنی واشنگتن حدود یک ربع فاصله دارد، از این رو شهرت شلوغ که عموما سیاهوستان و کارگران بندری جمعیت اصلی آنرا تشکیل میدهند.

زمستان های سرد و تابستان های گرم و شرجی از خصوصیات این بندر پرتلاطم است که یکی از منابع بزرگ اقتصادی مریلند بحساب می آید. شیرزادگان باتفاق همسرش سیمین اکرامی در این شهر زندگی میکنند، و این عین نامه ایست که دکتر علی آقائی دوست خوب ما بعد از دیدار شیرزادگان نوشته است: نامه محمد چند وقت پیش رسید، و من تقریبا بلافاصله اقدام کردم، ولی چون وقت من و حمید باهم جور در نمی آمد برای هفته بعد قرار گذاشتیم، من تصمیم داشتم خیلی زود سفارشی تو را انجام دهم و این شاید نشانه کوچکی از دوستی و رفاقت ما باشد ولی برخلاف تمام تلاشها سفارشت مقداری بتاخیر افتاد! من يك امتحان مشکل داشتم که باید حتما همراه در آن خوب میشد و

شیرزادگان میخواهد بار دیگر روی چمن-های سبز استادیوم تهران سالهای اوج گذشته را بنمایش گذارد ولی همسرش و شریک زندگانش با او مخالفت میکند!!

محمد علی کلی در جنگ لفظی فریزر را شکست داد

بایک مشت ناک اوتت میکنم ! اگر مشتت
به من رسید قهرمان تو هستی ، فقط سه راند
طاقت خواهی آورد ، اینها فریاد کلی در
آغاز بود ...!!



و فریزر در پاسخ گفت : می بینید او-
همیشه پر حرفی میکند ، اما من در رینگ
بوکس یادش میدهم !! بیچاره حالا که از
محرومیت خلاص شده باچه کسانی مسابقه
داده ...!!



این لحظه ایست از مصاحبه تاریخی و مشترک کلی و فریزر ! این مصاحبه در رستوران مانهاتان نیویورک انجام شد و «ادوین دولی» رئیس کمیسیون ورزشی نیویورک در میان این دو دیده میشود .

در این مسابقه جوفریر برای من یک کیسه بوکس خواهد بود ! در مسابقه با من او اصلا نخواهد فهمید کی به رینگ آمده و کی از رینگ بدن بیرون خواهد برد ! اصلا قیافه اش را نگاه کنید ، به تنها چیزی که نمی ماند ، یک بوکسور دسته سنگین وزن است ، راستی هیچوقت دقت نکرده بودم ، خیلی طرف کوچیکه !!

فریزر در این لحظه دیگر نتوانست ساکت بماند ، او هم فریاد کتان جواب داد :

سکته قلبی نکنی

هی ! سکته قلبی نکنی ، مواظب قلبت باش ، زیادیت کرده ! بدنبال این حرف فریزر بسرعت یکی از میکروفون هائی را که دم دستش بود بجلوی دهانش گرفت و گفت :

می بینید او همیشه پر حرفی میکند ، اما من در رینگ بوکس یادش میدم ! بیچاره حالا که از محرومیت خلاص شده با چه

میز مصاحبه نشسته بود ، جزئیات مسابقه را رسماً اعلام کرد :

در شب دوشنبه هفدهم اسفند برابر با هشتم مارس ۱۹۷۱ در استادیوم «مادیسون اسکوئیر گاردن» نیویورک ، مسابقه بوکس دسته سنگین وزن جهان بر سر عنوان قهرمانی بین محمد علی کلی و جوفریر انجام خواهد شد ، مسابقه بر طبق مقررات در پانزده روند انجام خواهد گرفت و قوانین مسابقه نیز قوانین رسمی مسابقات بوکس حرفه ای حال حاضر جهان خواهند بود .

او برای من یک کیسه بکس است

به محض پایان گفته های «ادوین دولی» رئیس کمیسیون ورزشی نیویورک قبل از اینکه هیچیک از سیصد خبرنگاری که در این جلسه مصاحبه مطبوعاتی حضور داشتند قادر به طرح سئوالی باشند ، کلی درست مثل بوکس کردنش در رینگ از همه سریعتر عمل کرد و بحرف آمد :

میز مصاحبه نشسته بود ، جزئیات مسابقه را رسماً اعلام کرد :

در شب دوشنبه هفدهم اسفند برابر با هشتم مارس ۱۹۷۱ در استادیوم «مادیسون اسکوئیر گاردن» نیویورک ، مسابقه بوکس دسته سنگین وزن جهان بر سر عنوان قهرمانی بین محمد علی کلی و جوفریر انجام خواهد شد ، مسابقه بر طبق مقررات در پانزده روند انجام خواهد گرفت و قوانین مسابقه نیز قوانین رسمی مسابقات بوکس حرفه ای حال حاضر جهان خواهند بود .

او برای من یک کیسه بکس است

به محض پایان گفته های «ادوین دولی» رئیس کمیسیون ورزشی نیویورک قبل از اینکه هیچیک از سیصد خبرنگاری که در این جلسه مصاحبه مطبوعاتی حضور داشتند قادر به طرح سئوالی باشند ، کلی درست مثل بوکس کردنش در رینگ از همه سریعتر عمل کرد و بحرف آمد :

اگر همه قدرتی را که شنبه گذشته دوشمن زن بزرگ حال حاضر دنیا در دسته سنگین وزن مسابقات بوکس حرفه ای ، محمد علی کلی و جوفریر در مصاحبه مشترک مطبوعاتی خود جهت امضاء رسمی قرارداد مسابقه دوشنبه هفدهم اسفند مصرف کردند ، در میرد بر اضطراری که در پیش دارند بکار گیرند بدون تردید در تاریخ مسابقات بوکس حرفه ای جهان ، یکبار دیگر نبردی چون مسابقه «جک دمیس» - آنجل فیرو» یا «کین» - آل که هر دو از تاریخی ترین مسابقات بوکس حرفه ای طول تاریخ بشمار میروند به ثبت خواهد رسید !

ناک اوت ، پشت میز مصاحبه !!

در چند ساله اخیر قبل از همه مسابقات بزرگی که در پیش بوده است ، چنین مصاحبه ای رسم شده است که هر دو مشت زن در پشت میز مصاحبه و ظاهر با صمیمیتی غیر قابل تصور در کنار هم می نشینند و به سئوالات خبرنگاران مشترکاً جواب میگویند .

ولی هر بار که محمد علی کلی غول مقدس بوکس یکطرف این مصاحبه های دوگانه بوده است ، جنجال براف افزاده است ، چه او همیشه خواسته همانجا در پشت میز مصاحبه فریزر را ناک اوت کند و اکثراً از همانجا کلیت فریزر خود را در مسابقه مشترکشان به زمین کرده است :

میکشمت ! ، ناک اوتت میکنم ! ، سه راند بیشتر طاقت نخواهی آورد ! و از این قبل تهدید های قبل از مسابقه . این بار نیز کلی که خصمانه تا آستانه فتح دست سنگین وزن جهان پیش آمده است ، فریزر نکرده بود و به محض روبروشدن با او کسی که در غیاب او صاحب این عنوان شده و حریف آینده او خواهد بود

با سخن محترمانه فریزر

اگر او فقط مشتش بمن رسید قهرمان میشم و خفه شو !

پس پاسخ محترمانه جوفریر رقیب او که در برابر اولین فریاد او بود !

به این ترتیب جنگ قبل از مسابقه بین محمد علی کلی و جوفریر در محل یک میز مطبوعاتی و مطبوعاتی مشترک آنها انجام میگرفت آغاز شد .

رئیس کمیسیون ورزشی ایالت نیویورک و فریزر و پشت

این تیم والیبال دختران ژاپن است که بانکوک دنیای کوچکی برای حکومت آنان بود



محمد علی

با یک مشت ناک اوت
من رسید قهرمان تو
طاقت خواهی آورد
تاز بود !!...

در همه قدرتی را که شنبه گذشته دور
بزرگ حال حاضر دنیا در دسته سن
مسابقات بوکس حرفه ای ، محمد
و جویندر در مصاحبه مشترک م
خود جهت امضاء رسمی قرارداد
دو هفته هفدهم اسفند مصرف کرد
نبرد براضطرایی که در پیش دار
فرید بدون تردید در تاریخ مسابق
حرفه ای جهان ، یکبار دیگر نبرد
سابقه بکندمپیسی- آنجل فیرو
آل که هر دو از تاریخی ترین
بوکس حرفه ای طول تاریخ بشمار م
نت خواهد رسید !

ناک اوت ، پشت هیز مصاح
در چند ساله اخیر قبل از همه
بزرگی کمربندش بوده است ، چنین مص
هم شده است که هر دو مشتزن د
ت میز مصاحبه و بظاهر باصمیمیتی
صورت در کنار هم می نشینند و به
فریاداران مشترکا جواب میگویند
ولی هر بار که محمد علی کلی غول
رشت بکطرف این مصاحبه های دو
است ، جنجال براه افتاده است ،
فدیه خواسته همانجا در پشت میز
دریش را ناک اوت کند و اکثرا از
تک حرفان خود را در مسابقه مش
نصین کرده است :

میگشت ! ، ناک اوتت میکنم
ازد بیشتر طاقت نخواهی آورد !
و از این قبل تهدید های قبل از
اینبار نیز کلی که خصمانه تا آس
بعد عنوان از دست رفته قهرمانی
ست سنگین وزن جهان پیش آمده
فیرو نکرده بود و به محض روبرو
جویندر کسی که در غیاب او صا
پایان شده و حریف آینده او خوا
پایان زد :

باسخ محترمانه فریزر

اگر او فقط مشتش بمن رسید
- بشن و خفه شو !
اینها پاسخ محترمانه جویندر
و به این ترتیب جنگ قبل از مساب
جویندر و محمد علی کلی در محل
استان وسط شهر نیویورک که م
رادیویی و مطبوعاتی م
در آنجا انجام میگرفت آغاز شد
از سکوت اجباری کلی و
رئیس کمیسیون ورزش
که در میان کلی و فریزر و

این تیم

فوتبال

ن آنها می اندازید

بی را که باید در زمینه ملی داشتند از سر بدر کرده اند. نه این یکی را فراموش کنید و این نیست این اتهام را به هیچ ایرانی م. واقعا سزاوار نیست، ما اگر در موجودیتی داریم تنها بخاطر غرور جوانانمان میباشد و این را ما در سلسله بی که برای آشنائی با فوتبال آسیا در ۱۳ و ۱۴ مجله نوشتیم گرام. بررسی قرار دادیم. و در همان سری مطالب این جملات میخورد. واقعیت این است که بر فوتبال ملی و قدرت جسمانی بیشتر از تکیه کنیک حکومت میکند! و دلیل این است. لا روشن است، زیرا سازمان باشکوه فوتبال ما تکامل یافته نیست.

روه بندی لازم

* گروه بندی سنی آماتور و حرفه ای گرفته و علیرغم استعداد و توان اوان در سطحی که میتوانیم بگوئیم. باشگاه های تروتمند و سرزده داریم و طول این سالها هیچ باشگاهی ندار ما دارای استادبوم شخصی و امکانات سطح فوتبال امروز دنیا نبوده است. س های دو سه ساله اخیر در این راه یکی دو صاحب باشگاه هایی با امکانات کلانی چشم گیر باشیم. با چنین موجودیتی مردان ما در فوتبال در گذشته ای نه چندان دور حاضر شده بودند تنها در سایه غرور ملی و جسمانی حالا سزاوار نیست اینها را متهم کنیم و برای تیره خویش را به فراموشی بسپاریم.

جام آسیا را بخاطر بیاورید! بازیهای جام آسیا را بخاطر بیاورید! این جامی که شما به نشانه افتخار در میان بازیها در آغوش گرفتید نشان شایسته ترین پا طلایها و سر طلایها بود. نه غرور ملی با پاهای شکسته، نه رده و پیکر های دردمند تا پای جان بدیدند. کلانی را در دیدار با برمه بیاد آورد. چگونه برای زدن گل از جان بگذارد، بهزادی، وفاخواه، شرفی، اندی، امینی خواه، قلیچ خانی، و... به یاد آورید که چگونه در سایه غرور ملی با تیمهای صاحب نام می جنگیدند. اینها سلامت، زندگی و همه چیز خود را تنها بخاطر عشق به مین، غرور ملی بدون اندازه نیست و تعصب اخلاقی یک ایرانی است. چنین بیرحمانه جوانان شایسته کشور آنچه گفته شده و حتما اشتباهات می یازاریم.

یکشنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۴۷



کلانی آفریننده نخستین لحظه شادی بخش دیدار ایران - برمه، هنگامیکه والاحضرت ولیعهد به جایگاه مخصوص پیچیده بود توپ را در گوشه دروازه جای داد این همان کلانی بانکوک ۱۹۷۰ است چرا در بانکوک اینگونه نبود؟ ضمن آنکه جلی بیشتر از قدیم آموخته است!

ما اشتباه کردیم این حقیقت است

آقایان این واقعیت است، ما در فوتبال در انتخاب تیم، در آرایش تیم در هدایت تیم، در انتخاب مربی برای تیم، در شکل تدار کاتی تیم، در نفوذ روحی بر قهرمانان و در خیلی از موارد دیگر اشتباه کردیم و نتیجه این چنین شد!! این کلانی همان آدمی است که در دیدار های جام آسیا گل اول را در حالی وارد دروازه برمه کرد که مثل «شکلات» کشی آمد!! این جباری، این پروین و این قلیچخانی هم، همان چهره های خوب گذشته بودند که روی قلب ملت راه میرفتند، بعضا و باهای گچ گرفته و به زور آمپول به میدان می آمدند، بهزادی را به یاد آورید و طالبی را و کلانی را که چقدر گوشه بیمارستان خوابیدند و چقدر من و شما به عبادت آنها رفیق عزیزشان داشتیم و از فدکاری و غرور ملی، از شاه پرستی و وطن دوستی آنها در مبارزات تجلیل کردیم، حالا چطور شده همه اینها با یک شکست، بخاطر اینکه خود را تبرئه کنیم فراموش شده اند.

ایشنا دردی را دوا نمیکند

جایزه میدهند که توپ را بالای دروازه بزنند، توصیه میکنند که جریمه اشان کنند، غرور ملی آنها را زخم میزند و... ایشنا دردی را دوا نمیکند تیم را هر طور خواستید خود انتخاب کرده اید، و اجازه نداده اید کسی تصرف کند، تفسیر ها را خوانده اید و پذیرفته اید یا اصلا نخوانده اید، تمام مطبوعات کشور ما یکصدا تیم برگزیده را کامل ندانسته بودند. مربی را خود شما آورده اید، اردو را خودتان ترتیب داده اید و قبل از بازی ها هیچ شکایتی نداشته اید همه چیز میپا بوده است. مظلومی ضربه خورده، حسن فراموش شده یا حسین آماده نبوده درد شکست ما نیست، ما بایک تیم شهرستانی با یک تیم باشگاهی و حتی با تیمهای سوم و چهارم

ما و بمردم ما آرامش خواهد داد. امیدوارم فدراسیون فوتبال کشور نیز تأیید کننده این واقعیت باشد که چهره های ملی ما با غرور ملی و ایمان فراوان مبارزه کرده اند و اگر شکستی بوجود آمده، باید علت اصولی آنرا پیدا کرد. یک تیم خوب محتاج نذارک خوب، هیئت سرپرستی خوب، تمرینات خوب و مربی خوب میباشد، ضمن آنکه در محل نیز باید تاحد امکان خصوصیات اقلیمی را برای اثراد بوجود آورد که بالاترین آن مسئله تغذیه است. فدراسیون فوتبال خودش اظهار میکند، اردو خوب نبوده تغییر و تفاوت آب و هوای محل برگزاری مسابقات وارو را یکی از عوامل شکست میدانند، این واقعا اصولی است و از میان تمام گفته های بی اساس دیگر میتوان روی آن تکیه کرد.

سئوالی که پیش می آید!!

ولی سئوالی که پیش می آید این است که چرا شما که طالب سفر ده روزیش از مسابقات به بانکوک بوده اید حالا این نغمه را ساز میکنید؟ چرا در همان زمان این نیاز خود را با دستگاه ورزش مملکت مطرح نکردید؟

گذشته از این تیم شما شنبه ۳۰ آبان ماه معرفی شد در حالیکه تا ۸ آذرماه هنوز برای چهره هایی چون معینی و آشتیانی که خدمت مقدس سربازی را میگردانند، مرخصی نگرفته بودید و خیلی گرفتاریهای دیگر!!

شما اگر تیم را قادر بودید یکماه قبل از آغاز بازیها انتخاب کنید، لافل تمریناتی مرتب داشتند و با آن صحنه ها در بانکوک رو برنویسیدیم.

به جرت میتوان گفت تیمی که شما در دیدار نخست و بعد دیدار دوم پیدان فرستادید کمتر یکدیگر را می شناختند. خط هافبک تاجی ها بودند، خط حمله بازیکنان پاس - پرسپولیس و شاید تاج که طول ۱۴ روز فاصله انتخاب تا سفر به بانکوک حتی یک دیدار هم در یک سطح قابل بحث در کنار هم نداشتند!!

درباره آقای «نتو»!!

خط حمله مادر بازیهای تهران که باتیم اسلاویا پراگ برگزار کردیم، عبارت بود از جباری - کلانی - حاج محمد در حالیکه در بانکوک گروه حمله را پروین - کلانی - شرفی تشکیل میدادند، مسئله بزرگ عدم همکاری بود و یورشهای دسته جمعی که نشان دهنده نداشتن تمرینات تیمی بازیکنان بود و بدنبال آن خیلی مسائل دیگر که ما قدرت روحی، رهبری خوب و قدرت اداره روحی و جسمانی بازیکنان را در صدر آن می بینداریم.

هفته پیش گفتگو به آنجا کشیده بود که «نتو» نمی توانست برای تیم ما مربی خوبی باشد ضمن آنکه شاید از لحاظ تکنیکی مربی خوبی بود. درباره آقای «نتو» صحبت میکردیم، این که ایشان نه زبان بجه ها را میدانست و نه فوتبال آسیا را با این کیفیت می شناختند و بالا تر از همه این ها، از لحاظ روحی هم نمی توانست مددکار بازیکنان تیم باشد. مسئله روحی در ورزش امروز دنیا لااقل ۳۰ تا ۴۰ درصد رویداد ها را در بردارد و در یک بحث جداگانه درباره آن صحبت خواهیم کرد ولی آنچه بیشتر در نوشتن سری مطالب بانکوک در دومین شماره مرا حیرت زده کرد این بود که امروز اطلاع پیدا کردم، هفته گذشته آقای «نتو» خدا - حافظی کرده و به کشورش رفته است. تاج ورزشی در شماره شنبه ۱۰ دیماه ضمن یک مصاحبه اختصاصی با تیمسار مکرری رئیس فدراسیون فوتبال ایران این مسئله را شرح داده و در همین مصاحبه رئیس فدراسیون تمام مطالب را از زبان آقای «نتو» بقیه در صفحه ۲۶

ایران هم میتوانستیم در آسیا بهتر از این باشیم ولی نبودیم در دین است!!

یکبار بخاطر واقعیت، یکبار بخاطر اینکه لافل یک شکست سبب شود اصولی قدم برداریم به اطراف خود نگاه کنیم واقعیت را ببینیم و آنچه هست بپذیریم، بدون تردید تنها راه سلامت ورزش فقط این است.

نه محکمه ای در کار است نه...

نه محکمه ای در کار است و نه محکومیتی آقای «نتو» رفت!! همانگونه که پیش بینی کرده بودیم! فردا بار دیگر شور و هیجان فوتبال این شکست را به فراموشی خواهد سپرد، ولی مسئله ای نیست که بار دیگر به همین صورت فراموشی شود برای جلوگیری از تکرار آن برنامه اساسی لازم است، این را دنبال کنید، محکوم کردن کلانی، قلیچخانی، یا مخالفت با بهزادی دردی را دوا نمیکند.

با آرامش انتقادها را بپذیرید، همانگونه که از تفسیر پیروزیها شادمان بودید و همه نویسندگان را دوست خود میدانستید حالا هم همه دوست شما، دوست فوتبال و دوست قهرمانان هستند، به تیم ملی انگلیس هم در بازگشت از مکزیک انتقاد شد ولی «سراف» رمزی بازیکنان خود را زیر تیغ انتقاد نکردت از تیم ملی ایتالیا هم در بازگشت از جام جهانی لندن با گوجه فرنگی پذیرائی شد، ولی همه نامرادیا را به بازیکنان نسبت ندادند.

شمتابزده قضاوت نکنید

شما فردا هم از پیروزی اینها و از افتخارات اینها مسرور خواهید شد، اینگونه شمتابزده قضاوت نکنید! عوامل حقیقی را پیدا کنید و آنرا برای دنیای بهتر فردای فوتبال بکار بندید.

از بحث اساسی خود که برای یادداشت های بانکوک تهیه دیده بودم دور شدم، وقایع هفته گذشته و آنچه نوشته و گفته شده بود دلگیرم کرد، احتیاج داشتم اینها را یادآور شوم چه بدون تردید به قهرمانان

یادداشت‌های بانکوک ۲»

فاتح جام آسیا و دیگر افتخارات فوتبال

همین پاتلای هاوسر پاتلای ها بودند که امروز گناههارا بگردن آنها می اندازند



این جام آسیاست، نشانه لیاقت و شایستگی سرطالای ها و پاتلای های ما که بچهره دبیر فدراسیون رنك غرور زده است. این لحظه را همه بیاد داریم، غرور ملی و فداکاری جوانان ما سبب شد چهره پیش از سی هزار تماشاگر، زمانیکه سرود شاهنشاهی در استادیوم طنین گرفت از هیجان و افتخار زیر بارانهای اشک غرق شود.

این دومین هفته ایست که یادداشت‌های بانکوک را مینویسم هفته اول قوی این صفحه چند اشتباه بزرگ و کوچک داشت که بیش از همه مقصر خود من هستم که از آن جمله عکس های رنگی مینا فتی، روحی پندناز خوب از آب درنیامد و کلی سرمه شده، در حالی که دختران ژاپن را هم با دره عوضی گرفتیم و خلاصه چند کلمه هم از لحاظ املاء غلط بود!!

خوب چه میشود کرد گاهی اینطور است، اشتباه میشود ولی نباید ناچوانمردانه همه چیز را بگردن دیگران انداخت!!

طبیعتا اگر من فریاد میزدم که حرف چینی اشتباه کرده، قسمت تصحیح دقت کافی نداشته یا ماشین چاپ عکسها را به اینصورت انداخته آنقدر بددل خوانندگان نمی نشست که بگوئیم واقعا اشتباه از من بوده است. عکس های رنگی را نمی بایست برای صفحه دو رنگ رد میکردم، بلکه باید در صفحات چهار رنگ از آنها استفاده میشد. مطالب را با دقت و حوصله مینویسم و مثل سایر صفحات چند بار هنگام چاپ کنترل میکردم، نکردم حالا خستگی، تنبلی یا هر چیز دیگر که بوده از طرف من بوده و باید بپذیرم! این موضوع چه ربطی به یادداشت های بانکوک دارد؟

خیلی دلتنگ شده ام

شاید این سؤال با خواندن این سطور در ذهن شما شکل بگیرد!! شاید هم آنقدر دست مارا خوانده باشید که متوجه شوید، ولی بهر حال از آنچه درباره فوتبال و شکست آن گفته شده است، خیلی دلتنگ شده ام. این صحبت نیست که همه تقصیر را بگردن بازیکنان بیاندازیم و آنها را مسئول بدانیم! تغییر آب و هوا، محل اردو و سایر تدارکات را پیش بکشیم، داوری و دسته بندی را مطرح کنیم ولی در این میان کوچکترین محلی برای اشتباه خود نگذاریم.

* تیمی که آقای «نئی» یا فدراسیون فوتبال انتخاب کردند بدون کوچکترین تغییری به بانکوک رفت، خصوصیات بانکوک از لحاظ آب و هوا برای همه شناخته شده بود برای مسئولین ورزش و فدراسیون فوتبال و حتی بازیکنان ولی با اینهمه همگی شهادت میدهند در این دوره بانکوک چون جهنم برای ما نبود و یک شرایط نسبی داشت.

و گذشته از تمام این مسائل همین با پاتلای ها و سر پاتلای ها بودند که با پیروزی بزرگشان در جام ملت های آسیا همه ما را سرمست و شادمان کردند.

فوتبالیستها متهم شده اند!!

حالا چطور شده که بعد از این شکست همه چیز را در گناه آنان میخواهیم فراموش کنیم؟

و در این میان آنچه بیشتر ما را رنجیده میکند اینست که فوتبالیست های ایرانی متهم شده اند که به باشگاه ها و بولی که میکشید بیشتر دل بستگی دارند و آن

تعصبی را که باید در زمینه ملی باشند از سر بدر کرده اند. نه این یکی را فراموش کنید سزاوار نیست این اتهام را به هم بزنیم، واقعا سزاوار نیست، ما اگر فوتبالیست موجودیتی داریم تنها بخاطر غرور ملی جوئانمان میباشد و این را ما در مسابقاتی که برای آشنائی با فوتبال آسیا شماره های ۱۴ و ۱۳ مجله نوشتم مورد بررسی قرار دادیم.

و در همان سری مطالب این جزو پنجم میخورد.

واقعیت این است که بر فوتبال غرور ملی و قدرت جسمانی بیشتر از تکنیک حکومت میکند! زیرا سازمان بانکوک در فوتبال ما تکامل یافته نیست.

گروه بندی لازم

* گروه بندی سنی آماتور و بزرگساله بایسته و غیره استعداد و توانایی افراد در سطحی که میتوانیم بشناسیم. باشگاه های نرئوئندو سالی کم داریم و طول این سالها هیچ باشگاهی در ديار ما دارای استاندارد و امکانات در سطح فوتبال امروز دنیا نبوده است. تلاشی های دو سه ساله اخیر در این راه که هائی بوجود آورده که طول یکی دو ساله آینده صاحب باشگاه هائی با امکانات و مکانی چشم گیر باشیم.

با چنین موجودیتی مردان ما در فوتبال آسیا در گذشته ای نه چندان دور نام شده بودند تنها در ساره غرور ملی قدرت جسمانی حالا سزاوار نیست این اتهام را متهم کنیم و برای تیرگی خوش چیز را به فراموشی بسپاریم.

جام آسیا را بخاطر بیاورید!

بازیهای جام آسیا را بخاطر بیاورید! همان جامی که شما به نشانه افتخار پایان بازیها در آغوش گرفتید نشان شایستگی و پاتلای ها و سر پاتلای ها بود که نشانه غرور ملی با پاهای شکسته خورده و پیکر های دردمند تا پای جان زمین دودند.

کلانی را در دیدار با برمه یادآورید که چگونه برای زدن گل از جان میگذارد، بهزادی، وفاخواه، شجاع، ساعدی، امینیخواه، قلیچ خانی، حبیبی و کاشانی، جیبی و دیگران را یادآورید که در ساره غرور ملی با پاهای شکسته خورده و پیکر های دردمند تا پای جان زمین دودند.

کلانی را در دیدار با برمه یادآورید که چگونه برای زدن گل از جان میگذارد، بهزادی، وفاخواه، شجاع، ساعدی، امینیخواه، قلیچ خانی، حبیبی و کاشانی، جیبی و دیگران را یادآورید که در ساره غرور ملی با پاهای شکسته خورده و پیکر های دردمند تا پای جان زمین دودند.

مردی که نام پاترسون را پاک کرده هفته گذشته در گذشت!

سونی لیستون و مرگ اسرار آمیز او!

او پنجمین قهرمان بزرگ رینگ است که بطور غیرعادی در گذشته، جان سولیوان، رابرت فیت سیمونز، جک جانسون، پریمو کارنراو حالا سونی لیستون؟!



سونی لیستون قهرمان سابق بوکس دسته سبک وزن جهان که در ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۶۲ باناکاوت کردن «فلوید پاترسون» بمقام قهرمانی رسید و در ۲۵ فوریه سال ۱۹۶۴ با شکست در برابر «محمدعلی کلی» عنوانش را از دست داد، هفته گذشته بطور مرموزی در خانه شصت هزار دلاری خود در لاس وگاس واقع در ایالت نوادای آمریکا در گذشت!! نخستین کسی که از مرگ مرموز لیستون باخبر شد، همسر او جرال دین بود که بین ساعت ۸ تا ۹ صبح روز چهارشنبه هفته گذشته پس از غیبت یک هفته ای خود در بازگشت به خانه باجسد بیجان شوهرش روبرو شد! جرال دین لیستون همسر سونی لیستون شنبه پنجم دی برای دیدار مادرش به سنت لوئیس رفته بود، لیکن یکروز قبل از بازگشتش پس از اینکه با چندین بار تلاش موفق به تماس تلفنی باهمسرش نگردید، نگران و مضطرب روز بعد به لاس وگاس بازگشت و در بازگشت به خانه باجسد شوهرش روبرو شد!

سیگار ماری جوانا و هروئین!!

جسد لیستون در حالیکه لباس خواب بتن داشت در کنار تخت خواب و بر روی یک کاناپه پست آمد، ضمن اینکه شرایط موجود حاکی از این است او قبل از مرگ بشدت بر روی کاناپه افتاده، بطوریکه یکی از پایه های کاناپه نیز شکسته شده است. برآنگذاری لاشهای لیستون در سطح اتاق خواب یکی دیگر از عواملی است که حاکی از غیرعادی بودن مرگ قهرمان سابق بوکس جهان است.

گذشته از اینکه ستوان «بادگرگ» رئیس پلیس لاس وگاس حادثه مرگ لیستون را یک حادثه مرموز خوانده است در معاینات اولیه پزشکی که از جسد لیستون بعمل آمده، هیچ مدرکی که حاکی از ابتلا به سیدن وی باشد نیست. لیستون است، لیکن ستوان کرک تاکید کرده است برای اطمینان کامل جسد لیستون کالبدشکافی خواهد شد!!

در عین حال گروه تجسسی مامورین پلیس لاس وگاس که مأمور تحقیق در این مورد شده اند از جستجوی خود در خانه لیستون یک اسلحه مسلک نموده و از اتاق خواب طبقه دوم منزل او، چند گرم هروئین در آشپزخانه منزل و چند سیگار ماری جوانا در جیبهای لباس لیستون کشف کرده اند. خانه لیستون در حومه شرقی لاس وگاس و در فاصله سه کیلومتری شهر و در کنار یک زمین گلف قرار دارد، خانه او یک خانه بسیار انسانی و دارای استخر نیز هست.

مرگهای غیرعادی قهرمانان!

طبق آخرین گزارش اداره پلیس لاس وگاس در این حادثه هیچ شکلی امکان کشته شدن لیستون وجود ندارد، لیکن پزشکان اداره پلیس که او را کشف کردند، تاریخ مرگ او حداقل یک هفته زودتر از روزی است که جسد وی بدست آمده است. این ترتیب سونی لیستون پنجمین قهرمان حرفه ای دستان سنگین وزن دنیا است که با مرگ غیرعادی در گذشت چهچنان در سال ۱۹۳۱ در سن ۴۵ سالگی در سانگای هوایی، رابرت فیت سیمونز در ۵۵ سالگی در سانگای هوایی، پریمو کارنرا در ۶۱ سالگی در سانگای هوایی و جک جانسون در ۶۱ سالگی در سانگای هوایی درگذشتند!!

روزهای درخشان زندگی او

چهره‌های لیستون که از صورتش خسوفت واز نگاههای همیشه حس انتقام خوانده میشد خیلی زود او را در سایه قدرت عجیبش در رینگ بشهرت رساند! بطوریکه کم کم نام «خرس بزرگ» بعنوان لقب او گفته میشد. پیروزیهای بی‌دری در رینگ هم طی این مدت نتوانست لیستون را از زندگی خصوصی اش که

همواره با اعمال غیر قانونی او همراه بود و در سال ۱۹۵۷ باردیگر پاتهام حمل اسلحه بی جواز بزرگان افتاد. در آزادی مجدد، لیستون خیلی پیش از گذشته به فعالیتهای قاچاق خود پرداخت و طی این مدت اگر نام او در مسابقات بوکس خیلی کمتر از گذشته در تزیین بخش صفحات روزنامه ها بود، بخاطر فعالیتهای غیرقانونی اش اکثرا چهره های خبرساز بود و برای مامورین پلیس فردی مرموز و تحت مراقبت. لیکن در اواخر دهه پنجاه جادوی رینگ او را باردیگر بیش از پیش بسوی خود کشید و روزهای درخشان لیستون تا ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۶۲ که با پیروزی بر فلوید پاترسون بعنوان قهرمانی جهان را نصیب او کرد بهترین سربوش برای سوابق زندگی سیاه گذشته او بود! چه در غیر اینصورت شاید لیستون خیلی زودتر و برای همیشه بزرگان می افتاد. سونی لیستون تا قبل از اینکه در مسابقه با پاترسون یک پیروزی بزرگ و یک روندی برابر او بدست آورد و فاتح عنوان قهرمانی جهان گردد در ۳۶ مسابقه خود ۳۵ پیروزی بدست آورده بود و تنها باخت او در برابر بوکسوری بنام «مارتی مارشال» بود که بجبهت شکسته شدن استخوان چانه اش، در روند چهارم داور، مسابقه را بسود حریف قطع کرد.

شیر بچه سنت لوئیس!

پس از شب پرشکوه ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۶۲ در استادیوم «کومیسکی پارک» شیکاگو که لیستون باناکاوت کردن فلوید پاترسون بعنوان قهرمانی دست یافت، روی خوش زندگی آنطور که لیستون دوست داشت به او لبخند زد عشق به سرافقتی آمد با دختری زیبا و هم نژادش بنام جرال دین ازدواج کرد و در مسابقه دوم خود در برابر پاترسون در ۲۲ جولای سال ۱۹۶۳ در لاس وگاس بازهم در یک روند پاترسون را ناکاوت کرد و طی این مسابقه صدها هزار دلار عاید لیستون شد! در اوج روزهای پرشکوه قهرمانی لیستون روزی به خیرنگاری گفت تا سال ۱۹۶۸ خاطراتی تلخ و غم انگیز هیچ چیز باقی نیست!

بهمین جا زندگی ورزشی لیستون که «کلی» او را «خرس زشت» می نامید تمام شد، او بازهم بدنیای سیاه گذشته اش بازگشت و بارها بازهم بزرگان افتاد و بیست و نهمین باری که مامورین پلیس او را بزرگان بردند، ماه گذشته در روز شکرگذاری آمریکا بود که حین رانندگی در حال مستی تصادف کرد و حتی چند روز در بیمارستانی بسر برد! و این آخرین حادثه بزرگ زندگی او بود و هفته پیش لیستون، مردی که او را زمانی بزرگترین قهرمان بوکس سنگین وزن جهان میدانستند چون کیلوندویل نامش، زورافلی، ادی ماشین و روی هاریس، بشکلی مرموز درگذشت، و دیگری از خرس بزرگ رینگ بجای خاطراتی تلخ و غم انگیز هیچ چیز باقی نیست!



با ایتالیا که شایستگی و استوار

این فوتبال است کیست؟ در دنیا پله و در کشور آلبرت شستون تیم ملی که بعنوان بهترین فوتبال ۱۹۷۰ شوروی نیز برگزیده شد. بهترین شکلی که از تیم ملی فوتبال ایتالیا بیاد دارید، در چه سالی تک بود؟

تیم فوتبال شوروی در بازی های دانی سال ۱۹۶۲ در شیلی، با وجودی از آن در بازی های جام جهانی ۱۹۶۲ در لندن تیم ما بمقام چهارم رسید. هنوز تیمی به قدرت و هماهنگی تیم بازی های ۱۹۶۲ بوجود نیامده است. در تمام سال های فوتبال خود شش تیم و آنهم دینامو مسکو بودند که به این مساله فلسفه شما بازی ماندن در یک تیم باشگاهی نیست. بنظر من اگر بازیکنی بخاطر مسی پیراهن باشگاهش را تغییر دهد یا یار ناپسندیده و شاید خیلی بدی باشد و در مورد خود دور از میانه من همیشه تابع حفظ پیراهن باشگاهم و باعث ناراحتی من از این کارم. شما جمعا تابحال در چند بازی شرکت کرده اید؟

بیش از شصت مسابقه. بعقیده شما کار دروازه بان در حاضر به نسبت پانزده سال گذشته سخت تر است یا خیر؟ بله، چون شکل بازی فوتبال در حاضر طوری است که حالا در محوطه های دروازه حضور دارند و اوقات حتی دیدن توپ هم مشکل است. چه رسد به اینکه مراقب همه مهاجمان در عین حال متوجه کسی هم که قصد زدن دارد باشید.

بقیه در صفحه ۱۴

برای موفقیت

در ورزش باید

عاشق ورزش

باشید!!



آین «لئویشین» مرد بزرگ فوتبال شوروی در بازی های جهانی ۱۹۶۶ لندن است در دیدار با ایتالیا که شایستگی و استوار او سبب شد شوروی ۱-۰ بر ایتالیا پیروز شود.

سن پنجاه سالگی به فوتبال ادامه دهید ؟
- من هیچ علاقه ای برای شکستن رکوردی از هیچ جهت ندارم ، حقیقت امر هم این است که خرداد آینده آخرین مسابقه ام را در تیم ملی و در برابر تیم برگزیده دنیا بازی خواهم کرد ، بعد از آن هم ، خدا حافظ فوتبال .

* دوست دارید تیم برگزیده جهان البته بایک دروازه بان رزرو که در برابر شما و تیم ملی شوروی بازی خواهند کرد متشکل از چه کسانی باشد ؟

- گوردون بنکس از انگلستان ، دروازه بان . مازورکیه ویکز از اوگوسته را هم بعنوان رزرو او انتخاب میکنم . بعد ، شلینجر از آلمان غربی ، بابی مور از انگلستان ، بکن بائر از آلمان غربی ، بابی چارلتون از انگلستان ، ولفگانگ اورات از آلمان غربی ، اوزبیهو از پرتغال ، فاکتی از ایتالیا ، جاستیس از یوگسلاوی ، پله و جریزهو از برزیل و آمانسیو از اسپانیا .

* در این سن برای ادامه فوتبال ، آایه تمرین بیشتری محتاج نیستید ؟

- باوجودی که حالا کمتر بهترین می- پردازم ، اما هر جلسه از تمریناتم با شدت بیشتری همراه است .

* آیا هرگز از فوتبال احساس خستگی کرده اید ؟

- گاهی اوقات ، مثلا وقتی که در پائیز کار تمرین بسیار دشوار می شود ! بازندگی ، سرما و گل آلود بودن محوطه جلوی دروازه ، کار را واقعا مشکل میکند ! اغلب از خودم پرسیده ام ، چرا من مجبورم که در چنین شرایطی در دروازه باشم و چرا در خانه و در کنار خانواده ام نیستم ؟ اما اینها احساس های زودگذر من در آن لحظات هستند .

* کدامیک از این سه موقعیت برایتان بدتر است ، قبل از مسابقه ، ضمن مسابقه و بالاخره بعد از مسابقه ؟

- قبل از مسابقه . چه حتی گاهی اوقات قبل از مسابقه بزرگی که در پیش است خواب

هم بچشم هایم نمی آید .
* وقتی که یک پسر بچه بودید ، آرزوی چه شغلی را داشتید ؟

اینکه یک دریانورد باشم من واقعا دریا را دوست دارم .

* چطور شد دروازه بان شدید ؟

- من در «یوگورودزکوی» نزدیک مسکو بزرگ شدم و اوایل یک فرواردر بودم ، اما چون در میان همبازیانم همیشه کوچک ترین آنها بودم و قدرت بدنی ام اجازه درگیری با آنها را بمن نمیداد ، بالاچار بچه ها مرا در دروازه قرار دادند .

* تلخ ترین خاطره شما در کار دروازه بانی چیست ؟

- از دست دادن گلی که تقریبا بیست سال قبل در مسابقه ای وارد دروازه ام شد ، من تازه به دنیای مسکو رفته بودم و بعنوان دروازه بان تیم در یک مسابقه دوستانه بزمین رفته بودم . دروازه بان حریف در اواسط بازی توپی را بلند و بسوی محوطه پناثلی زمین ما شوت کرد . من از دروازه بیرون پریدم تا این توپ را مهار کنم . ولی با یکی از مدافعین خودی تصادم کردم و همین حادثه موجب شد توپ از بالای سر هردوی ما عبور کند و بداخل دروازه برود .

بازیکنان تیم از این حادثه سخت بخنده افتادند ، ولی بخاطر این گل در آن لحظه چشمان من پر از اشک شده بود .

* بهترین مسابقه ای را که بخاطر دارید کدام است ؟

- مسابقه تیم برگزیده جهان در برابر تیم ملی فوتبال انگلیس در ۲۳ اکتبر سال ۱۹۶۳ در استادیوم ویمبلی لندن .

* و بهترین جایزه ای که تابحال دریافت کرده اید کدام است ؟

- جایزه توپ طلایی مجله فرانسوی «فرانس فوتبال» در سال ۱۹۶۳ که بعنوان بهترین فوتبالیست سال انتخاب شدم .

* بعقیده شما در حال حاضر بهترین فوتبالیست دنیا و همچنین در کشورتان

بهترین فوتبالیست کیست ؟

- در دنیا پله و در کشورم آلبرت شستیر کاپیتن تیم ملی که بعنوان بهترین فوتبالیست سال ۱۹۷۰ شوروی نیز برگزیده شد .
* بهترین شگلی که از تیم ملی توپ کشورتان بیاد دارید ، در چه سالی شده بود ؟

- تیم فوتبال شوروی در بازی های جهانی سال ۱۹۶۶ در شیلی ، باوجودی که بعد از آن در بازی های جام جهانی ۱۹۶۶ در لندن تیم ما بمقام چهارم رسید ، لیکن هنوز تیمی به قدرت و هماهنگی تیم در بازی های ۱۹۶۶ بوجود نیامده است .

* در تمام سال های فوتبال خود شسته در یک تیم و آنچه دنیای مسکو بخاطر بانوجه به این مساله فلسفه شما را

باقی ماندن در یک تیم باشگاهی چیست ؟
- بنظر من اگر بازیکنی بخاطر مسائل مادی پیراهن باشگاهش را تغییر دهد بسیار ناپسندیده و شاید خیلی بدی باشد داده است و در مورد خودم دور از حد مادی من همیشه تابع حفظ پیراهن باشگاهم بودم و خوشبختانه هرگز مساله ای هم در نیامد که باعث ناراحتی من از این کارم شود .
* شما جمعا تابحال در چند بازی شرکت کرده اید ؟

- بیش از شصت مسابقه .
* بعقیده شما کار دروازه بانی در حال حاضر به نسبت پانزده سال گذشته شما

شده است یا خیر ؟
- بله ، چون شکل بازی فوتبال در حال حاضر طوری است که حالا در محوطه بازیکنان بیشتری حضور دارند و گاهی اوقات حتی دیدن توپ هم مشکل است .

چه رسد به اینکه مراقب همه مهاجمان در عین حال متوجه کسی هم که قصد زدن دارد باشید .
بقیه در صفحه ۲۱

بهترین دیدار ها را در سال ۱۹۶۳ لندن مقابل تیم برگزیده جهان انجام داد و بهترین جایزه من جایزه توپ طلایی مجله فرانس فوتبال در همین سال بود .



تلخ ترین خاطره من مربوط به یک گل است ، گلی که بیست سال پیش از دستم دادم و روی چهره ام اشک جاری شد ، ضمن آنکه همه بمن میخندیدند !!



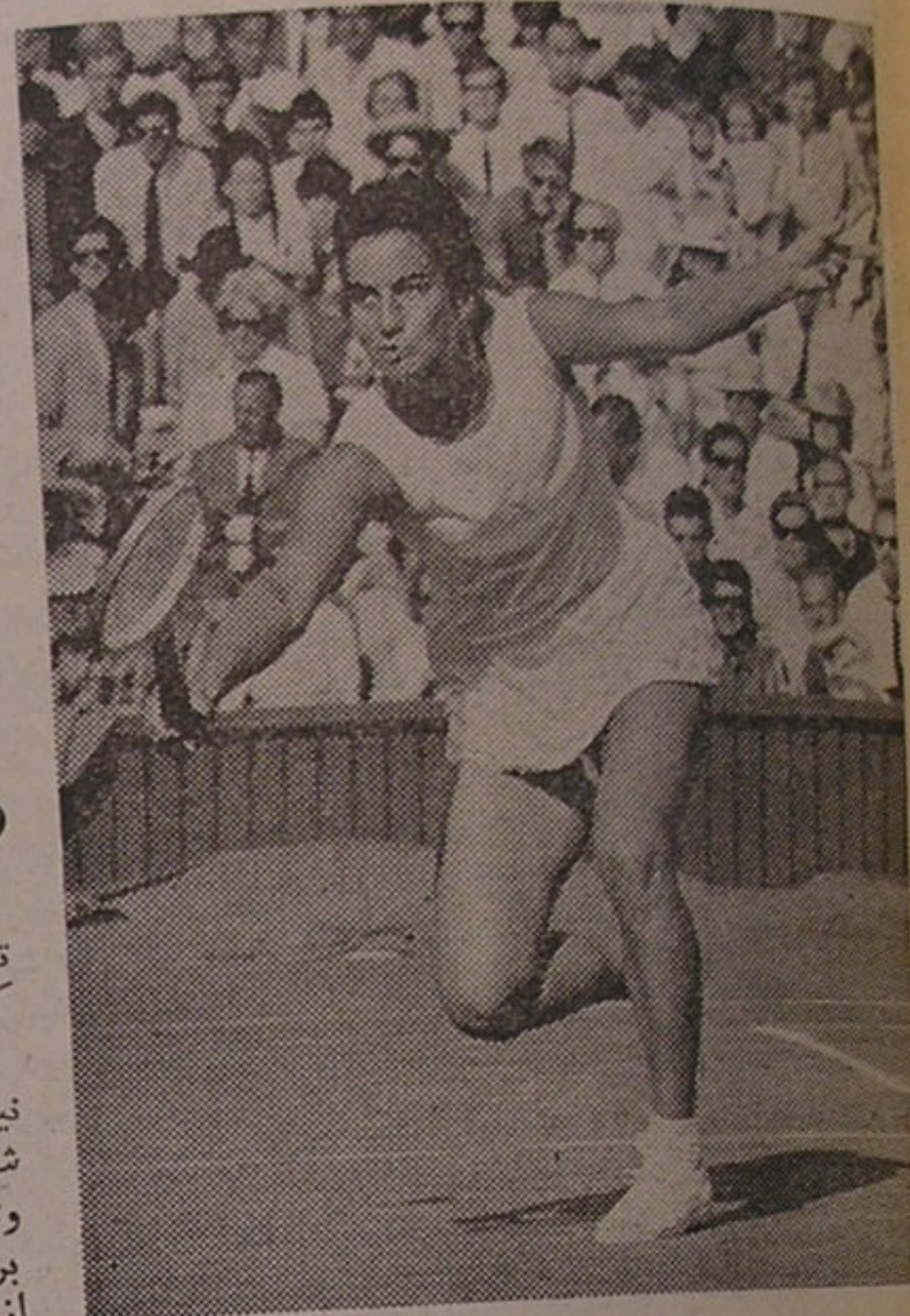
ور فوتبال در آلمان يك زن است !

غربي) - پيرترين داور فوتبال در كره م «ماريامايسنر» مي باشد، وي كه شصت و پنج سال گذشته در پيش از سصد مسابقه وري كرده است، امتياز جالب توجهي به او است كه او طي تمام اين مسابقات در اخراج نكرده است.



بازی در میدان فوتبال

نامهای جالب توجهی که فدراسیون فوتبال در لحظه قبل از دیدار بزرگ فوتبال بین فانت و سنت آنتین ترتیب داد، يك زن بود. یکی از بهترین چتر بازان فرانسه در چمن استادیوم «کلمب» پاریس در انتظار سنت آنتین و فانت دیده می شود، سنت آنتین و فانت فاتح این دیدار بود.



يك شكست ديگر برای وير جينيائويد !

پرت (استرالیا) - هفته گذشته مسابقات تنیس قهرمانی وین المللی «پرت» در استرالیاي غربي در هر دو دسته مردان و زنان پایان یافت و «مارگارت كورت» استراليايي در مسابقات زنان و آلکساندر متروولی قهرمان بزرگ شوروی در دسته مردان به مقام قهرمانی رسیدند. ناکام بزرگ این مسابقات «ویرجینیائويد» انگلیسی بود که امید بزرگ فتح مسابقات بانوان بشمار میرفت، ولی وی در دیدار فینال پس از ۳۷ دقیقه نبرد (۱-۶ و ۲-۶) مغلوب مارگارت كورت از استرالیا شد. در دیدار فینال مردان متروولی از شوروی با شکست ۶-۲ و ۳-۶ جان آلکساندر قهرمان جوان استراليايي به مقام اول رسید، چهره ناکام تنیس انگلیس ویرجینیائويد هنگام مسابقه در عکس دیده میشود.



قوانین جدید برای فوتبال زنان در آلمان

فدراسیون فوتبال آلمان غربي رسماً اعلام کرد از نظر قوانین اشکالی ندارد، سخنگوی این فدراسیون ضمن اعلام آمادگی برای پذیرش این فدراسیون ضمن قوانین تازمهای مربوط به مسابقات خانمها تعیین شده است از جمله شرایطی که مربوط به مسابقات خانمها است در سنین بین ۱۴ تا ۴۰ سالگی قرار میگیرد. در تیم فوتبال دختران در آلمان.

پایان ماه عسل «چی چنگ»

هاوائی - چی چنگ سریعترین دهنده زن جهان چهارشنبه گذشته همراه شوهر آمریکائی اش وینس ریل به ماه عسل کوتاه مدت خود در هاوائی پایان داد و به امریکابازگشت در فرودگاه لوس آنجلس بسیاری از دوستان این دهنده محبوب چینی و شوهر آمریکائی اش که مربی او نیز می باشد و هم چنین گروه بسیاری از علاقمندان وی به استقبال آمده بودند، چی چنگ تنها چیزی که در فرودگاه گفت این بود که هرچه زودتر تمرینات خود را آغاز خواهد کرد، چون قصد دارد تا قبل از اینکه سنی از او بگذرد رکورد های جهانی خود را هرچه بیشتر بهبود بخشد. چی چنگ دارنده پنج رکورد جهانی پنج رشته از مسابقات دوومیدانی بانوان است.

آلبرت شسترونوف بهترین فوتبالیست سال شوروی

مسکو (شوروی) - آلبرت شسترونوف کاپیتان ۲۹ ساله تیم ملی فوتبال شوروی بعنوان بهترین فوتبالیست سال این کشور برگزیده شد.

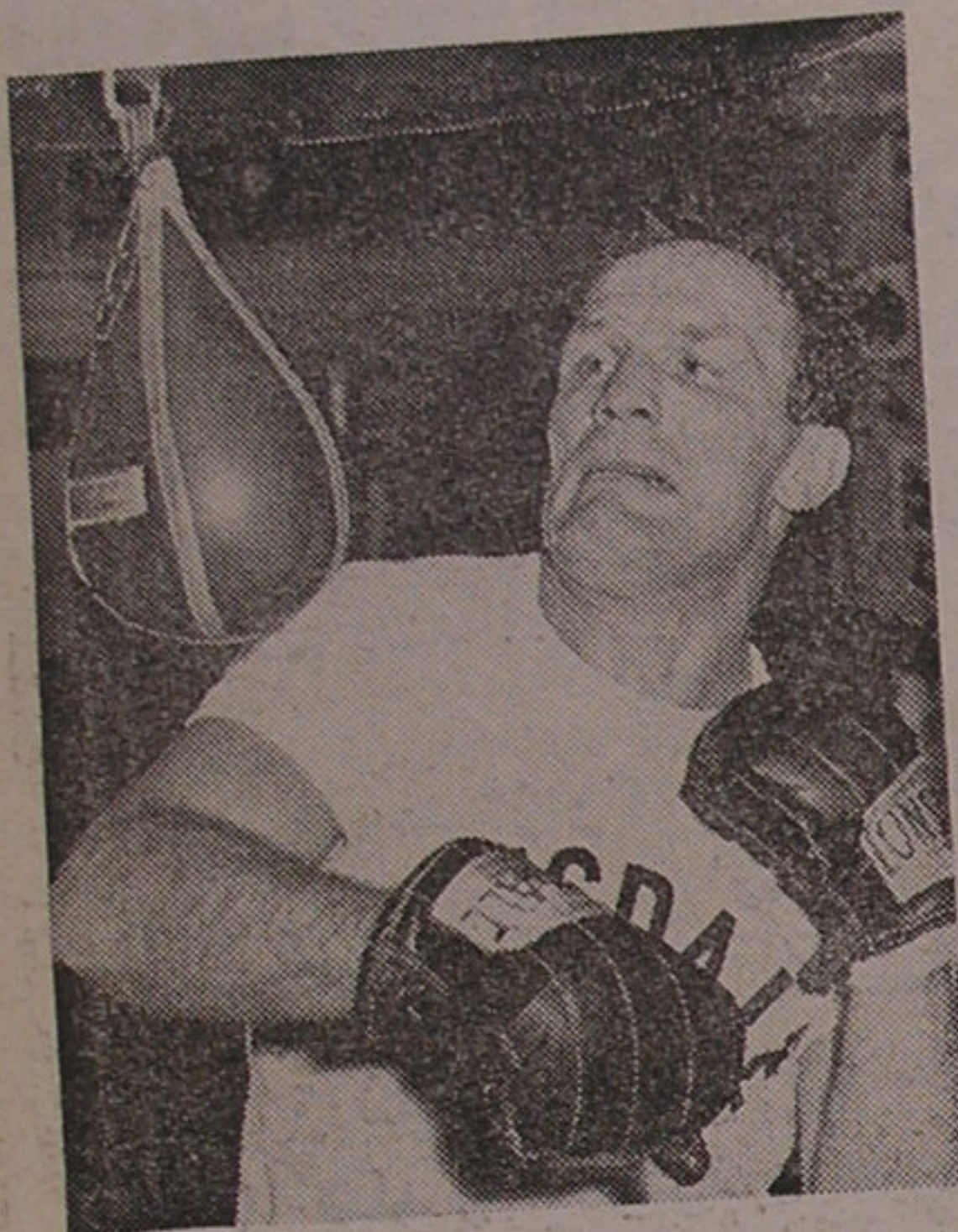
شسترونوف که عضو و کاپیتان تیم فوتبال ارتش مسکو نیز می باشد سال گذشته همراه تیم باشگاهی خود برای شرکت در مسابقات فوتبال جام دوستی به تهران آمده بود، وی از سال ۱۹۶۶ نیز بعنوان کاپیتان تیم ملی شوروی برگزیده شد و تاکنون ۸۱ مسابقه ملی انجام داده است، از ۱۰۴ رای ممکن برای انتخاب بهترین فوتبالیست سال شوروی، ۹۱ رای بسود شسترونوف داده شده است.

زیر محبوبترین ورزشکار سال آلمان غربی



آلمان - يك كارخانه مشهور شكلات سازی در آلمان که برای تبلیغ بیشتر اکثراً از نام ورزشکاران محبوب آلمان بعنوان نام اجناس خود استفاده میکند، در يك برنامه تلویزیونی از مردم آلمان خواست که محبوبترین ورزشکار این کشور را با آراء خود انتخاب کنند. بر طبق این رای گیری اووه زیلر کاپیتان موفق تیم فوتبال آلمان در بازیهای جام جهانی گذشته به عنوان محبوبترین ورزشکار انتخاب شد و او نیز در عوض از میان آراء رسیده برندگان ده تلویزیون رنگی جوایز مربوط به این فراندوم را تعیین کرد.

در کنار این انتخاب در پایان سال مسیحی ۱۹۷۰، بنا به آراء نویسندگان و سردبیران مطبوعات ورزشی آلمان، بهترین ورزشکاران سال گذشته این کشور نیز برگزیده شدند و «هانس فاسناخت» شناگر مشهور آلمانی با ۱۷۳۰ امتیاز به مقام اول رسید، بعد از او اووه زیلر با ۱۴۳۲ امتیاز دوم شد و در قسمت بانوان «هیدی روزندهال» با ۱۵۳۹ رای اول گردید. در رده بندی تیمها نیز، تیم ملی فوتبال این کشور با ۱۲۳۷ امتیاز به مقام نخست رسید. در عکس زیر در صحنه ای از برنامه تلویزیونی در حال قرعه کشی نامه های شرکت کنندگان در فراندوم برای تعیین برندگان تلویزیون دیده میشود.



هنری کوپر در اروپا بی حریف مانده است !

لندن (انگلستان) - سدر لندن اعلام شد که آخرین امید جیم ویکز مربی هنری کوپر قهرمان بوکس دسته سنگین وزن اروپا برای ترتیب يك مسابقه بر سر عنوان قهرمانی کوپر در اروپا به هدر رفت ! چون «مورگن پلین» قهرمان بوکس دسته سنگین وزن آلمان غربي که احتمال داده می شد نبردی با کوپر انجام دهد در فاصله چند روزه موعدها امضاء قرارداد این نبرد اعلام کرد، او حاضر به مسابقه با کوپر نیست !

حالا امید کوپر و مربی اش برای انجام مسابقه به نیمه دوم ماه مارس آینده است، چه فدراسیون بوکس حرفه ای آفریقای جنوبی اعلام کرده است در این زمان قهرمان بوکس حرفه ای دسته سنگین وزن آفریقای جنوبی حاضر به انجام مسابقه ای با کوپر هست. ولی هنوز قرارداد این مسابقه نیز امضاء نشده است.

کوپر مدتی قبل با شکست «خوزه اورتاین» اسپانیایی عنوان از دست رفته خود را مجدداً بدست آورد، عکس او را هنگام تمرین نشان میدهد.

يك پیروزی و يك مساوی برای تیم ملی فوتبال آرژانتین

بونیوس آیرس (آرژانتین) - تیم ملی فوتبال آرژانتین که از جمله غایبین بزرگ بازیهای جام جهانی گذشته بود، هفته قبل با دو تیم فوتبال باشگاهی آلمان، بایرن مونیخ و کلن دو مسابقه انجام داد که در دیدار با بایرن (۳-۲) پیروز شد و در برابر کلن (۱-۱) مساوی کرد.

در مسابقه با بایرن نتیجه وقت اول مسابقه (۱-۱) مساوی بود. «روت» در دقیقه ۳۴ گل بایرن را زد و «یازالد» در دقیقه ۴۰ گل مساوی را برای آرژانتین بدست آورد. در دقیقه ۴۸ «ورون» گل دیگری بسود آرژانتین زد، لیکن در دقیقه ۵۱ گردمولر آقای فوتبال اروپا در سال ۱۹۷۰ دو گل دیگر بسود بایرن مونیخ بشمار رسانید. بالینمه پیروزی (۳-۲) بایرن با دو گل «یازالد» در دقیقه ۶۴ و گراماجودر دقیقه ۷۵ در پایان بازی به باخت (۳-۲) تبدیل شد.

تیم ملی آرژانتین در دیدار با کلن نیز در وقت اول با گل دقیقه ۲۸ «نیکولو» بازیکن خود (۱-۰) پیروز بود، ولی «راپ» بازیکن آلمانی در دقیقه ۷۳ گل مساوی را بشمار رسانید و نتیجه مسابقه (۱-۱) مساوی پایان یافت. هفته گذشته تیم دیگر آلمان، هامبورگ که اووه زیلر کاپیتان سابق تیم ملی آلمان را در خدمت دارد به مکزیک سفر کرد و در تنها مسابقه خود با تیم «تولوکا» مکزیک ۴-۲ مساوی کرد.

خبرهای کوتاه

سفر تیمور غیاتی به مشهد

تیمور غیاتی قهرمان ارزنده ایران که در مسابقه پرش ارتفاع بازیهای آسیائی صاحب مدال طلا شد، هفته گذشته برای اهدای مدال طلای خود به موزه آستان قدس رضوی به مشهد سفر کرد، وی در بازگشت به تهران بمدت ششماه برای آموزش و تمرین تحت نظر یکی از مربیان بزرگ آلمان غربی به آن کشور سفر خواهد کرد و طی این مدت در کار خیری و تهیه ریزناژ به «مجله دنیای ورزش» محبت خواهد کرد.

مسابقات فوتبال بین المللی جام گورشی کبیر

هفته گذشته فدراسیون فوتبال ایران اعلام کرد همزمان با برگزاری جشنهای پرشکوه دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی ایران یکدوره مسابقه بین المللی فوتبال با شرکت تیمهای منتخب ویا باشگاههای کشورهای برزیل، انگلستان آلمان غربی، شوروی، یوگوسلاوی، اسپانیا، مراکش و ایران در تهران برگزار خواهد شد، از میان تیمهای نامبرده چنانچه تیمی موفق به شرکت در این مسابقات نگردد، فدراسیون فوتبال ایران تیمهایی از کشورهای ایتالیا و سوئیس دعوت خواهد کرد.

سرپرستی این مسابقات بعهده سراسنبدی روس رئیس فدراسیون بین المللی فوتبال خواهد بود. تاریخ آغاز این مسابقات بیستونهم خرداد پیشبینی شده است.



هنر سرگرم کننده، کلوپ ویلمهوف

«کلوپ ویلمهوف» بازیکن تیم ملی فوتبال آلمان یکی از محبوبترین فوتبالیست های کشورش بشمار میرود، شاید ندانید ولی ویلمهوف گذشته از کار فوتبال هنردیگری هم دارد و آنهم هنر اتومبیل سازی است! وی نه اتومبیل های بزرگ ویلمهوف اکثر اوقات بیکاری خود را همراه همسرش به ساختن اتومبیل های کوچک از نوع اسباب بازی صرف میکند.



ورق بازی بر روی برف

وال دیزر (فرانسه) در مسابقات اسکی قهرمانی جهان در شهر «والدیزر» فرانسه، تاکنون بیش از همه قهرمانان دختر و پسر فرانسه موفقیت داشته اند، ولی جالبتر از همه ورق بازی چهره های محبوب این ورزش فرانسه بر روی برف است!!

از چپ بر راست آنی فاموس، ایزابیل میر، فرانسواز، ماشی وفلورانس استودر. پس از پایان مسابقه فرودآزاد از تپه به شادی پیروزی بزرگ «ایزابیل میر» در این رشته بر روی برفها برای سرگرمی به ورق بازی نشسته اند!

ورزشکاران برگزیده سال ۱۹۷۰ آسیا

مانیل «فیلیپین» - ارنی بیتونگ سختگوی انجمن نویسندگان ورزشی فیلیپین اعلام کردند با آراء اعضا این انجمن «یوشیمی نیشی کاوا» شناگر ژاپنی، لوسین روزا دونه استقامت سیلان، چوه او یون شناگر تیم مردان کره جنوبی و محمد نصیری قهرمان خروس وزن تیم ملی وزنه برداری ایران بعنوان بهترین ورزشکاران سال ۱۹۷۰ فاره آسیا برگزیده شده اند.

انتخاب این چهار نفر باین عنوان بجهت موفقیت ها و پیروزی های درخشان آنها در بازیهای المپیک آسیائی گذشته در بانکوک بوده است.

بازگشت جلال طالبی به تیم تاج

جلال طالبی بازیکن ارزنده و سابق تیم ملی فوتبال ایران و تیم باشگاه تاج پس از دو فصل دوری از مسابقات بار دیگر هفته گذشته به تیم باشگاهی خود بازگشت. طالبی در بازگشت به تیم تاج تمرینات بسیار سختی را آغاز کرده است تا هرچه زودتر بار دیگر هم چون گذشته تیم خود را در مسابقات یاری کند.



دروازه بان یکپا!

شاید تعجب کنید ولی دروازه بان تیم فوتبال دانشگاه «ساوژن» ایالت ایلینویز آمریکا که اکنون در این دانشگاه در رشته مدیریت اداری دوره دکترای خود را می گذراند، یک پایبشتر ندارد و اتفاقا دروازه بان بسیار چالاک و هم هست!

وی «جودی لیلیو» نام دارد، ۳۷ ساله و اهل ایتالیا است. وی در زمان جنگ دوم جهانی هنگامی که گروهی از سربازان نازی آتش اسلحه خود را بر روی او و کودکان دیگر باز کردند، یک پای خود را از دست داد!



پیرترین داور فوتبال در آلمان زن است!

مونیک (آلمان غربی) - پیرترین داور فوتبال در آلمان غربی یک زن بنام «ماریا ماستر» می باشد، وی که نهم سال دارد در طول پنج سال گذشته در بیش از سیصد مسابقه مربوط به جوانان داوری کرده است، امتیاز جالب توجهی به این خانم داور این است که او طی تمام این مسابقات یک نفر رانیز از زمین اخراج نکرده است.



چتر بازی در میدان فوتبال

از جمله برنامه های جالب توجهی که فدراسیون فوتبال فرانسه برای چند لحظه قبل از دیدار بزرگ فوتبال کشور بین دو تیم نانت و سنت ایتین ترتیب داده، چتر بازی نمایشی بود.

گای پوئل یکی از بهترین چتر بازان فرانسه فرود به زمین چمن استادیوم «کلمب» پاریس در مسابقه از دیدار فوتبال سنت ایتین و نانت دیده می شود، قهرمان سال پیش فرانسه فاتح این دیدار بود.



یک شکست ویرجینی

پرت (استرالیا) - هفته گذشت بین المللی «پرت» در استرالیای و زنان پایان یافت و «مارگارت» مسابقات زنان و آلکساندر مترو در نهمین مردان بمقام قهرمانی ناکام بزرگ این مسابقات «او» که امید بزرگ فتح مسابقات با وی در دیدار فینال پس از ۳۷ مغلوب مارگارت کورت از استرالی در دیدار فینال مردان مترو ۳-۲ و ۶-۳ جان آلکساندر بمقام اول رسید، چهارم ناکام هشتم مسابقه در عکس دیده می شود.



قوانین جدید برای درالما

این فدراسیون فوتبال آلمان غربی بجهت جلوگیری از اشتباهات در مسابقات فوتبال در این کشور قوانین جدیدی وضع کرده است. این قوانین شامل تغییراتی در قوانین فوتبال خانمها است و از آن جمله اینست که در مسابقات فوتبال خانمها بازی فوتبال را خواهند.

د تاریخ و انسانی که از مرز ۶۰۰ کیلو گذشته است!!

قوی ترین مرد جهان

ن ترتیب پنجشنبه گذشته هفتم ژانویه ۱۹۷۱ برابر با هفدهم دی، الکسیف معدنی «شاختی» در کنار همسرش «آدا» و دو پسر کوچکش «سرگئی» و «دیمیتری» جشن بیست و نهمین سالگرد ازدواجش را در خانه خود در فاصله ای کمتر از یک کیلومتر از محل کارش در شهر «تفلیس» برگزار کرد. او حالا برای مردم این افتخار را نیز بوجود آورده که در بین مرد جهان در میان آنها زندگی می بردی بایک قدرت فوق تصور.

سبلی الکسیف که در هفتم ژانویه سال در دهکده «پوکروشینکین» بدنیا آمده اولین اوتل فروردین گذشته ضمن اقامت و تهنیت های قهرمانی شوروی بدنیای ورزش سلاطین پولاد سرد قدم گذارد و سه ساله و کهنه ۹۰ کیلوئی جهان از آن هموطن او «لئونید ژابوتینسکی» دوگانه بازیهای المپیک توکیو و مکزیکو در هم شکست.

موج افسانه ای ۶۰۰ کیلو

بر اینجا الکسیف پنج کیلو رکورد جدید را ترقی داد و گذشته از این رکورد حرکت پرس و دوزب را نیز کارهای بزرگش بود در دست گرفت.

پس ۲۱۰ کیلو دوزب ۲۱۰ کیلو رکوردشکی حیرت انگیز موقع بختیگران قول داد که در رکوردش زود پنج کیلوئی دیگر به رکورد جهان بد و به مجموع ششصد کیلو برسد. یف بدستی بقولش وفا کرد و در همان تاریخی چهارشنبه بیست و هفتم مسابقات وزنه برداری بین المللی «جاس» شوروی در «مینسک» سرانجام با روح افسانه ای ششصد کیلو دست یافت.

این روز جاودانی از صبح خیلی زود سنگینی شروع به ریزش کرده بود. ف سالن محل مسابقات طوری از پر شده بود که گوئی سالن در حال ویران و برافروخته شده بود. اما با اینکه ی بزرگ و نتون سرد سالن که پر از تماشاگران را تا حدی از آن همه هیجانی که در آغاز داشتند، بیرون برد. چه گردان اعلام نمود هیچک از شرکت کنندگان حرکت پرس خواستار وزنه ۲۱۰ کیلو نیستند. در حالیکه تماشاگران همه می- ۲۱۰ کیلوئی خود الکسیف رکورد می- ۲۱۰ کیلوئی را که مشترکا با «سرگئی و ژوزف دوب» بود تا مقدار ۲۱۰ کیلو ترقی داده است.

دینک حذف شد!!

بعد از الکسیف، باتیشف برای بلند کردن همین وزنه تلاش کرد، ولی وزنه درست لحظه ای که به بالای سر او رسید به پائین سقوط کرد و دینک تا روی شانه هایش بیشتر طاقت مقاومت در زیر آنرا نیاورد!!

نوبت به حرکت یکضرب میرسد، آسانترین حرکت از نظر کارداوران و مشقترین حرکت از نظر شرکت کنندگان، خصوصا برای آنهایی که بیش از ۱۳۰ کیلو وزن دارند. الکسیف با ۱۶۰ کیلو شروع میکند، باتیشف نیز هم چنین ولی سرزدینک بلژیکی که از ۱۴۷ کیلو شروع کرده بود سهار در همین وزنه خطا میکند و به این ترتیب از نظر رقابت صحنه را ترک میکند. مطمئنا او آن شب در یکی از بدترین شبهای مسابقاتش قرار داشت! لحظه ای که دینک دربار سوم حرکت یکضرب خود در ۱۴۷ کیلو با عدم موفقیت روبرو می شود از فرط ناراحتی دستهایش را به علامت معذرت در برابر تماشاگران بسینه اش برد و سرافکنده از صحنه بزیار آمد!

۲۱۷ کیلو برای آغاز دوزب!!

این بار الکسیف هم چون یک پر کاه میله وزنه ها را تا روی سرش بالا برد و بعدا آرامش خاصی زیر آن قیام کرد. او طوری در این حرکت توفیق یافت که همه این حقیقت را قبول کردند که او در وزنه بیشتری نیز در این حرکت می توانست توفیق داشته باشد، ولی الکسیف بعد از این وزنه در بار دوم خود در این حرکت دستهایش را به علامت پایان حرکات خود در یکضرب بهوا بلند کرد!

اما باتیشف برای جبران عقب افتادگی خود در حرکت پرس از الکسیف تقاضای

قبل از نبرد پراضطراب روی صحنه، در محل وزن کشی هیجانی خاص برپاست، در اتاق مخصوصی که در آن دو ترازوی بزرگ قرار گرفته داوران در انتظار وزن کشی یک یک غولهای بزرگ وزنه برداری دنیا هستند. برخلاف شبهای پیش که وزنه برداران دسته های دیگر وزن کشی میکردند، امشب کسی در هراس اضافی وزن نیست. قهرمانان بی خیال آب میوه و ساندویچ، هر قدر گسسه میشان میکشد میخورند اقبل از همه «باتیشف» وزنه بردار جوان روسی وزن کشی میکند، وزن او ۱۳۰ کیلو است! برخلاف قبل از ظهر که ریش انبوهش جلب توجه میکرد حالا سینه پهن و عضلات پرچین و شکن این وزنه بردار بیش از همه نظر را جلب میکند. باتیشف طوری از روی ترازو بالا و پائین رفت که گوئی از همه مصمم تر برای شکستن رکورد است.

لحظه آغاز نبرد!

«سرزدینک» غول بلژیکی دومین نفر است با ۱۲۷ کیلو وزن، او نیز صاحب شانه های قوی، سینه ای پر و قوی کوتاه است، ولی بازوهایش قدرتمند و پاهایش سنگین تر بنظر میرسند... او این غول بلژیکی واقعا یک غول است!!! مفاصل زانوهای او هشتاد سانتیمتر می باشند، این مساله ای بسیار مشکل برای بلژیکی با چنین بدنی، چابکی لازم را برای یک وزنه بردار ندارد.

و بالاخره الکسیف بروی ترازو می رود، از ۱۳۲ کیلو.

بالاخره در سالنی که از جمعیت موج میزند لحظه آغاز نبرد غولها فرا میرسد!! امیدی بزرگ مسابقه باتیشف، ردینک و الکسیف هستند. قهرمانان مسابقات دو دست آخر سنگین و فوق سنگین جمعا هشت نفرند. الکسیف بلند قد ترین آنها در پیشانی قدم بر میدارد.

مرد روی پارچه های سفید بارنگهای مختلف اکثرا چنین چیزی نوشته اند:

«ما برای ۶۰۰ کیلو به اینجا آمده ایم.»

بعد از آمد، الکسیف برای آغاز مسابقه گوینده سالن تماشاگران را تا حدی از آن همه هیجانی که در آغاز داشتند، بیرون برد. چه گردان اعلام نمود هیچک از شرکت کنندگان حرکت پرس خواستار وزنه ۲۱۰ کیلو نیستند. در حالیکه تماشاگران همه می- ۲۱۰ کیلوئی خود الکسیف رکورد می- ۲۱۰ کیلوئی را که مشترکا با «سرگئی و ژوزف دوب» بود تا مقدار ۲۱۰ کیلو ترقی داده است.

۲۱۷ کیلو برای آغاز دوزب!!

این بار الکسیف هم چون یک پر کاه میله وزنه ها را تا روی سرش بالا برد و بعدا آرامش خاصی زیر آن قیام کرد. او طوری در این حرکت توفیق یافت که همه این حقیقت را قبول کردند که او در وزنه بیشتری نیز در این حرکت می توانست توفیق داشته باشد، ولی الکسیف بعد از این وزنه در بار دوم خود در این حرکت دستهایش را به علامت پایان حرکات خود در یکضرب بهوا بلند کرد!

اما باتیشف برای جبران عقب افتادگی خود در حرکت پرس از الکسیف تقاضای

۲۱۷ کیلو برای آغاز دوزب!!

این بار الکسیف هم چون یک پر کاه میله وزنه ها را تا روی سرش بالا برد و بعدا آرامش خاصی زیر آن قیام کرد. او طوری در این حرکت توفیق یافت که همه این حقیقت را قبول کردند که او در وزنه بیشتری نیز در این حرکت می توانست توفیق داشته باشد، ولی الکسیف بعد از این وزنه در بار دوم خود در این حرکت دستهایش را به علامت پایان حرکات خود در یکضرب بهوا بلند کرد!

اما باتیشف برای جبران عقب افتادگی خود در حرکت پرس از الکسیف تقاضای

۱۷۶ کیلو را کرد و باناکامی روبرو شد! در دوزب قبل از اینکه غول های دسته فوق سنگین حرکات خود را شروع کنند قهرمان دسته سنگین وزن شوروی یان- تالتس با پایان دادن به ضربات خود در این حرکت فاتح مسابقات این وزن میگردد!! ولی فاصله مجموع رکورد او در این مسابقه با مجموع رکورد جهانی ۵۴۰ کیلویش بسیار است. بهین خاطر همه در انتظار غولها هستند.

باتیشف با ۲۱۰ کیلو شروع کرد، یعنی او در اولین حرکت به مجموع ۵۸۷ کیلو رسید. الکسیف تصمیم خود را برای آغاز با ۲۱۵ کیلو در آخرین لحظه تغییر داد. او ۲۱۷ کیلو را در حرکت اول میخواست، تا قبل از این مسابقه در طول تاریخ وزنه برداری تنها چهار نفر، ولایف، ژابوتینسکی، بدنارسکی و خود الکسیف قادر به بلند کردن این مقدار شده بودند، ولی هیچگاه، هیچک از آنها ضربات حرکت دو ضرب خود را با این مقدار شروع نکرده بودند!

لحظه ای که همه در انتظارش بودند کاری که الکسیف قصد انجامش را داشت خیلی بر اهمیت تر از حوادث بزرگ گذشته بود، حتی برتر و بالاتر از رکورد شکنی افسانه ای «ولایف» که مجموع ۵۱۲ کیلوئی پل آندرسون آمریکائی را تا مقدار ۵۸۰ کیلو ترقی داد!!!

تماشاگران هیجان زده و ملتعب لحظه ای آرام نداشتند، برایشان غیر قابل تصور بود که این غول نورسیده در اولین حرکت بخواهد به چیزی دست یابد که آرزوی آنها در آن شب بود.

این بار الکسیف اطمینان بخش تر قدم به صحنه گذاشت. روی تخته کفشهایش را یکی دو بار بزمین کوبید، سرعت دستهایش را به دور میله حلقه کرد، بسادگی بروی سینه کشید و آن لحظه ای را که همه در انتظارش بودند خلق کرد! او در بلند کردن ۲۱۷ کیلو در اولین حرکت دو ضرب خود توفیق یافت... موفقیت پرشکوه تر او دست یافتن به مجموع ششصد کیلو بود.

بله الکسیف به قولش وفا کرده بود و مجموع افسانه ای ۶۰۰ کیلو را خلق کرده بود و بقول روزنامه های آمریکائی باشگاه ۶۰۰ کیلوئی ها هم تاسیس شد.

الکسیف از نوزده سالگی از زمانی که در سال ۱۹۶۱ در دانشگاه فنی «آرفانگل» در رشته «احداث جنگل» ثبت نام کرد بطور اتفاقی ورزش وزنه برداری روی آورد و اقبال خودش اگر در آن موقع آن اتفاق روی نمیداد، او هرگز وزنه بردار نمیشد و مجموع ۶۰۰ کیلو و حالا ۶۲۵ کیلو خلق نمیشد.

چگونه به وزنه برداری کشیده شد؟ در آن موقع الکسیف جوان اکثر ساعات غیر از درس خود را به ورزش، خصوصا والیبال میگذراند، قدش ۱۸۲ متر بود و بخاطر قدرت بدنی خوب حتی در پرس ارتفاع رکورد ۱۸۰ متر را داشت و در دو صد متر حد نصاب در خور توجه یازده ثانیه را.

با این خصوصیات زود مورد توجه کارشناسان ورزش شوروی قرار گرفت و با

تشخیص معلمی بنام «سیمون میلیاکف» که قدرت و بنیه جسمانی دانشجویان را مورد آزمایش قرار میداد، الکسیف برای اولین بار و بدون مقدمه قبلی به ورزش وزنه برداری پرداخت.

در همان اولین بار او ۷۵ کیلو را در پرس، ۷۵ کیلو در یکضرب و ۹۵ کیلو در دو ضرب و مجموع ۲۵۵ کیلو را بدست می آورد.

میلیاکف که خود در گذشته قهرمان وزنه برداری بوده به الکسیف جدا توصیه میکند که به این ورزش روی کند و واسیلی جوان ناراحت کننده بود. نصیحت استاد خود را گوش کرد و به این ورزش روی آورد.

در مراحل نخستین پیشرفت وی خیلی بکندی صورت میگرفت ولی بالاخره صعود رکودی او آغاز شد و پس از اینکه در دسته ۹۰ کیلو (میان سنگین) به مجموع ۳۱۵ کیلو دست یافت در سال ۱۹۶۲ بخاطر پاره ای عوامل بکلی از تمرین در این ورزش بدور افتاد.

ولی در سال ۱۹۶۳ با شروع مجدد تمریناتش ضمن صعود به دسته سنگین وزن سابق (۹۰ کیلو به بالا) در مجموع سه حرکت به حد نصاب ۳۹۵ کیلو دست یافت، وزن بدنش در آن موقع صد کیلو بود.

صعود رکورد های از ۱۹۶۵

بعد از این تغییر وزن ضمن اینکه در سال ۱۹۶۴ باز هم، کاملا به تمرین پرداخت، در سال ۱۹۶۵ به مجموع ۴۱۰ کیلو رسید و صعود رکوردی او از این تاریخ به بعد اینطور بود.

سال ۱۹۶۶ مجموع ۴۷۰ کیلو، سال ۱۹۶۷ مجموع ۵۰۰ کیلو و در سال ۱۹۶۸ مجموع ۵۴۰ کیلو و پس از نزول در سال ۱۹۶۹ که بهترین رکوردش ۵۳۰ کیلو بود در سال ۱۹۷۰ قبل از رسیدن به ۶۰۰ کیلو به حد نصاب ۵۹۵ کیلو دست یافت و حالا که با ۶۲۵ کیلو (۲۲۲۵ در پرس + ۲۳۰ در یکضرب + ۲۳۰ کیلو در دو ضرب) رکورددار مجموع و هر سه تک حرکت دسته فوق سنگین جهان است.

شادیهای زندگی الکسیف

مری واسیلی الکسیف، یک مربی قدیمی روسی موسوم به «الکساندر شافین» است و تمرینات الکسیف تحت نظر او طوری است که همیشه تا وقتی که خسته نشود دست از تمرین بر نمی دارد، الکسیف کسی است که هرگز از هیچ وزنه ای هراس به دل راه نمیدهد و در رقابت هرگز تزلزلی در روحیه او بوجود نمی آید و این یکی از عوامل مهم قدرت و نیروی عظیم اوست، الکسیف در طول هفته پنج جلسه تمرین میکند که در این پنج روز تمرینات او باوزنه است و در دو روز دیگر هفته بدیگر ورزشها می پردازد که پرازش تر از همه برای او والیبال و دو و میدانی است.

واسیلی الکسیف در حال حاضر در کنار همسرش که فارغ التحصیل مدرسه فنی مسکو است در شهر معدنی «شاختی» زندگی میکند و گذشته از ورزش همه شادی های او دو پسرش سرگئی ۸ ساله و «دیمه» (دیمیتر) شش ساله هستند.

آقای «واسیلی آلکسیف» تولدت مبارک

شادیهای زندگی، قوی ترین مرد تاریخ انسانی

۵شنبه گذشته هفتم ژانویه ۱۹۷۱، سالروز تولد این معدنچی معجزه گر بود، مردی که برای مردم شهرش این افتخار را بوجود آورد که در تولد قوی ترین انسان روی زمین شرکت کنند !!

۱۵ سال بعد از رکورد حیرت انگیز پانصد کیلوئی پل آندرسون که آنرا مرز قدرت بشمر میدانستند، یک غول ۲۹ ساله از شوروی از مرز ششصد کیلو گذشت و حدنصاب ۶۲۵ کیلو را به یادگار گذارد !!



«واسیلی آلکسیف» در مسابقات جهانی «کلمبوس» ۱۹۷۰ با بدست آوردن ۶۱۲ کیلو اولین مدال را در دیدارهای جهانی تصاحب کرد، این محمد نصیری قهرمان بزرگ وزنه برداری ماست که با این غول دنیای وزنه برداری عکسی بیادگار گرفته مثل اینکه هیکل ایندو زیاد با هم فرقی نداره !!

چهارشنبه ۲۷ اسفند سال ۱۳۴۸ برابر با هجدهم ماه مارس سال ۱۹۷۰ بدون شک در تاریخ ورزش جهان بعنوان یک روز بزرگ و تاریخی و برای همیشه بیادگار خواهد ماند. چه در این روز در شهر «مینسک» شوروی و طی یک تورنمنت بزرگ و بین المللی وزنه برداری برای اولین بار بشر توانست در ورزش وزنه برداری به مرز طلایی و حیرت انگیز ششصد کیلو دست یابد و کسی که به این پیروزی باور نکردنی دست یافت، یک دانشجوی شهر معدنی «شاختی» موسوم به «واسیلی آلکسیف» بود. آلکسیف اعجوبه تازه تولد یافته ورزش وزنه برداری شوروی در این شب در حالی که در مسابقه دسته فوق سنگین توفیق یافت به رکورد ۶۰۰ کیلو دست یابد که از حداکثر نه ضربه ممکن در سه حرکت که قادر به استفاده از آن بود، بیش از پنج ضربه در طول سه حرکت سود نبرد!! دوبار در حرکت پرس، دوبار در حرکت یکضرب و یکبار در حرکت دوضرب !!

پل آندرسون و ۵۰۰ کیلو وزنه !!
زمانی که در سال ۱۹۵۵ «پل آندرسون» آمریکایی توفیق یافت حدنصاب ۵۰۰ کیلو را بدست آورد، آنقدر این مساله حیرت انگیز و باور نکردنی جلوه گر شد که حتی تصور تجدید این رکورد نیز بوسیله قهرمان دیگری هم بعید بنظر می آمد! ولی حالایی از پانزده سال یک روسی ۲۸ ساله به مرز ششصد کیلو قدم گذارده بود.

هنوز رکورد ششصد کیلوئی آلکسیف حیرت انگیزترین پدیده در دنیای ورزش بحساب می آمد که مدت کوتاهی بعد از آن روز برفی هجدهم مارس، غول دنیای وزنه برداری در حیرت انگیزترین پدیده در دنیای ورزش بحساب می آمد که مدت کوتاهی بعد از آن روز برفی هجدهم مارس، غول دنیای وزنه برداری در مسابقات دیگری در مسکو ۷۰ کیلو براین مجموع افزود!! و تا قبل از مسابقات وزنه برداری قهرمانی جهان در سال ۱۹۷۰ در شهر کلمبوس در آمریکا مجموع خود را به ۶۱۲ کیلو افزایش داد، رکوردی که با تجدید آن در کلمبوس، آلکسیف صاحب مدال طلای مسابقات جهانی شد.

۶۲۵ کیلو برای آلکسیف !!

در فاصله یکماه به پایان سال آلکسیف در یک رکوردگیری تازه در شهر معدنی «باسن» بازم رکورد مجموع جهان را که متعلق به خودش بود درهم شکست. مجموع جدید ۶۲۰ کیلو بود!

ولی این حدنصاب هنوز پایان قدرت این معجزه گر بزرگ در طول سال ۱۹۷۰ نبود!! در فاصله چند روز به پایان سال در مسابقات وزنه برداری قهرمانی شوروی در «رنی» پروپتروفسک، آلکسیف بازم دنیا را بحیرت کشید، مجموع تازه ای که برپا کرد پنج کیلو بیشتر از رکورد پیشین بود، ۶۲۵ کیلو در حالی که این بار او حاکم بی تردید تک حرکات دسته خود نیز شده بود.

حالا رکورد های جهانی آلکسیف در تک حرکات و مجموع دسته فوق سنگین از این قرار است:

- پرس- ۲۲۲ کیلو
- یکضرب- ۱۷۷ کیلو
- دوضرب- ۲۳۰ کیلو
- مجموع- ۶۲۵ کیلو

تولد قوی ترین مرد جهان

باین ترتیب پنجشنبه گذشته هفتم ژانویه سال ۱۹۷۱ برابر با هفدهم دی، آلکسیف شهر معدنی «شاختی» در کنار شهر «الیمپاد» و دو پسر کوچکش «سرگی» «دیما» در حالی جشن بیست و نهمین سال تولدش را برگزار کرد که در فاصله ای که از یکسال توفیق یافته است بیش از سی بررکوردش بیفزاید. او حالا برای مردم شهرش این افتخار را نیز بوجود آورده که قوی ترین مرد جهان در میان آنها زنگی می کند، مردی بایک قدرت فوق تصور.

مجموع افسانه ای ۶۰۰ کیلو

در اینجا آلکسیف پنج کیلو رکوردش جهان را ترقی داد و گذشته از این رکورد جهانی حرکات پرس و دوضرب را نیز که آن آمریکائیه بود در دست گرفت. پرس ۲۱۰ کیلو و دوضرب ۲۲۱ کیلو آلکسیف پس از این رکوردشکی حیرت انگیز همان موقع بخبرنگاران قول داد که در خیلی زود پنج کیلو دیگر به رکوردش بیفزاید و به مجموع ششصد کیلو برسد. آلکسیف بدستی بقولش وفا کرد و در روز تاریخی چهارشنبه بیست و هفتم در مسابقات وزنه برداری بین المللی «دوستی» شوروی در «مینسک» سرانجام مجموع افسانه ای ششصد کیلو دست یافت.

در این روز جاودانی از صبح خیلی زود برف سنگینی شروع به ریزش کرده بود. اطراف سالن محل مسابقات طوری از برف پوشیده شده بود که گوئی سالن در توده ای از برف محصور شده بود. اما با اینکه تابلوی بزرگ و شون سردر سالن که برف آن بدن یک وزنه بردار مرتب در حال ریزش و خاموش شدن بود، عامل خیره کننده خوبی برای برگزارای مسابقات بود.

مدتی قبل از شروع مسابقات دست نه سنگین، اکثر قهرمانان در هتل محل اقامت خود در مورد قول عجیب «واسیلی آلکسیف» می اندیشیدند. در حالیکه در کنار آلکسیف این شب کسان دیگری چون «پل آندرسون» و «سرژ ردینگ» بلژیکی و خودشان هر یک مایه امیدی بود و برای استی هیچیک از اینها نیز قدرت رجحان مرز ششصد کیلو را در خود احساس می کردند؟

باتیشف زیر تیغ سلمانی

در سالن انتظار هتل «سرژ ردینگ» بلژیکی از امیدهای بزرگ مسابقه باطلف خاص خودش با خانی که میهماندارش بود سخن گفتگو مشغول بود. «باتیشف» در زیر تیغ سلمانی هتل موهایش را آرایش می داد و بقول خودش باریش و موهای دور گوشش خدا حافظی میکرد و بالاخره آلکسیف برکنار همسرش «الیمپاد» در یکی از خیابانهای کنار هتل بقدمزدن مشغول بود.

قبل از نبرد پراضطراب روی محل وزن کشی هیجانی خاص بود. اتاق مخصوصی که در آن دو ترا قرار گرفته داوران در انتظار یک غولهای بزرگ وزنه برداری برخلاف شبهای پیش که وزن دسته های دیگر وزن کشی میکرد کسی درهراس اضافی وزن نیست بی خیال آب میوه و ساندویچ، هر میلان میکشد میخورند! قبل از هر وزنه بردار جوان روسی وزن کشی او ۱۲۰ کیلو است! برخلاف که ریش انبوهش جلب توجه م سینه پهن و عضلات پرچین و وزنه بردار بیش از همه نظرها میکشد. باتیشف طوری از روی ت و پاشن رفت که گوئی از همه مح شکن رکورد است.

لحظه آغاز نبرد!

«سرژ ردینگ» غول بلژیکی دو یا ۱۲۷ کیلو وزن، او نیز صا هائی قوی، سینه ای پر و قوی و بی بازوهایش قدرتمند و پاهایش بنظر میرسد... او این غول ب یک غول است!!! مفاصل زانوهای سانیتر می باشند، این مساله ای جالب برای خبرنگاران است، ولی بیکند این بلژیکی با چنین بدنی را برای یک وزنه بردار ندارد. و بالاخره آلکسیف بروی ترا همه سنگین تر است، ۱۲۳ کیلو بالاخره در سالتی که از میزند. لحظه آغاز نبرد غولها هر ایده ای بزرگ مسابقه باتیشف و آلکسیف هستند. قهرمانان دست آخر سنگین و فوق سنگین نبرد. آلکسیف بلند قد ترین پشایش قدم بر میدارد. مردم روی پارچه های سفید مختلف اکثرا چنین چیزی نوشته اند: - ما برای ۶۰۰ کیلو به اینجا بالاخره برای آغاز مسابقه گ بعد از آمد، ولی آنچه که او تماشاکران را تا حدی از آن ه که در آغاز داشتند، بیرون گوینده اعلام نمود هیچیک از شرک در حرکت پرس خواستار وزنه نیستند. در حالیکه تماشاگران دانستند دو ماه قبل خود آلکسیف ۲۰۰ کیلو حرکت پرس را متعلق به سه آمریکائی جورج پیو و «نارسی» و ژوزف دوب بود. ۲۱۰ کیلو ترقی داده است اولین رکورد تازه جهان

داوران مسابقه نیز از این به راحت شدند و آنها که مشتاقان رکورد شکنی غول های حاضر بودند یک یک حتی عینکهایشان چشم برداشتند؟! باتیشف از ۱۹۷ کیلو شروع کرد هر دو با دوست کلب کردند!! ناگهان بلندگوی سالن رکورد وزنه بردار تقاضای مردم

یاد در سال ۱۹۷۰!!

استان، شوروی
شدند!!

کستی در مقابل ایرلند دارد که
ست در انتخابش برای دور بعد گران

۶ - اسپانیا

بد تعجب کنید که اسپانیا بعد از
نفسه ساله اخیر اکنون در مقام ششم
رفته است، مخصوص اینکه قبل از
پنج تیم بزرگ مسابقات جام جهانی
رند.

پایان در سال ۱۹۷۰ پنج مسابقه
است که ۴ مسابقه را در اسپانیا
اده است و در ۴ مسابقه پیروز بوده
تنها یک نتیجه مساوی در برابر
داشته است و اسپانیا در سال ۱۹۷۰
را شکست داد و در جام ملت های اروپا
از تیم های پایدار بشمار میرود.

۷ - آلمان شرقی

مان شرقی اگر در ۲۵ نوامبر در
لندن (۳-۱) مغلوب انگلستان میشد
نایدیر باقی میماند. این تیم در
تیم های حریف هر بار دو تاسه گل
هاند را در جام اروپا مغلوب نموده
پیشرفت های کاملاً روشن بنظر

شکاتلند، فرانسه، مجارستان
سلاوی مشترکاً در این مکان
ند.

سیت و کیفیت مسابقات این چهار

نگاه های کشورهای اروپا

هلینوهر ریلان آ.ث در صدر باشگاه های ایتالیا قرار گرفت!!

ات کند و سی هزار طرفدار این تیم
به رم مسافرت کرده بودند. تعداد
ماگران این مسابقه نود هزار نفر بود
ایم اول بانیجه «۲-۰» بسود نایل

نایلیها که کاملاً به پیروزی خود
شن بودند در نیمه دوم چندان قایل
شدند و خیلی زود رومیها حاکم زمین
ی شدند.

هلینوهر را که در این نیمه بازیکی
اره دوازده خود «دل سول» اسپانیایی
ان بک آزاد وارد زمین کرده بود
برتری تیم خود، دستور آزادی او
و او گل اول رم را وارد دروازه
دو گل شادی رانین به ولیگوری، سیر
او نتیجه را «۲-۰» کرده گل مساوی
بقه ۸۵ زده شدو باین ترتیب تیم
را در مقابل تماشاچیان سر بلند شد
مین یک امتیاز از دست رفته نایل، آ
لان را در صدر قرار داد.

مساوی بدون گل برای کالیاری
بعد از آ.ث. میلان و نابل

کنور در سال پیش طوری است که در
شرایط مساوی بر سر می برد، ولی شما
خود متوانید در باره آنها قضاوت کنید.
اسکاتلند سال ۷۰ شکست نداشت، ولی
۴ مسابقه انجام داده که سه مسابقه در
اسکاتلند بوده است، پیروزی برابرلند و
دانمارک و مساوی باولز و انگلستان.

مجارستان از سال ۱۹۶۹ کمی سرخود
را بلند کرده است (سال ۶۹ مقام سیزدهم
را داشت)، ولی نتایج سال پیش این تیم
تقریباً متعادل است. بدون هیچ شکست
بزرگ و هیچ پیروزی بزرگی! در بوداپست
از سوئد شکست خورد و در عوض در
سوئیس این کشور را مغلوب کرد.

یوگوسلاوی در سال ۶۹ مقام دوازدهم
را داشت و سال پیش بطور نسبی پیشرفت
داشته، مثل پیروزی در وین و پیروزی بر
آلمان غربی، ولی در عوض در مسکو ۴-۰
شکست خورد.

در مورد فرانسه باید گفت که نتایجی
کمی پیش مثبت داشته و به همین علت حالت
آرامی یافته است، ۴ پیروزی، ۲ شکست
۱۲ گل زده و ۶ گل خورده.

۱۲ - هلند، رومانی و سوئیس

این سه ملت نیز در یک ردیف قرار
دارند. هلند عملاً از سال قبل که در رده
سیزدهم قرار داشت تکان نخورده است ولی
سال پیش بطف پیروزیهای باشگاهیش در
حل پیشرفت بود.



تیم ملی فوتبال ایتالیا، بهترین تیم اروپا در سال ۱۹۷۰، از راست بچپ، ایستاده: لویجی ریوا، روبرتو بونین سنا، آنجلو دومنگینی، روبرتو روزا، جیاسینتو فاکتی (کاپیتان)، ارنیکو آلبرتوسی. نشسته: تارسیسکو بورکنیچ، جیانکارلو دوزیستی، ساندرو ماتزولا، پیرو لویجی سورا، ماریو برتینی.

بررسی کشورهای رده های پایین تر را
طی هفته های آینده در سری مطالبی که در
مورد فوتبال قاره اروپا و فوتبال کشورهای
این قاره خواهیم داشت، بترتیب و بطور
کامل انجام خواهیم داد.

و ۱۰ مقابل انگلستان.
برعکس سوئیس از مقام ۲۲ سال ۶۹
خود به این مقام رسیده و این یک صعود
سریع است، هر چند که در سال ۷۰ از ۶
مسابقه سوئیس سه پیروزی داشته است.

رومانی در سال ۱۹۷۰ در حال رکود
بود، چه سال قبل در رده پنجم جای داشت.
سال ۷۰ رومانی بیلانی ناامید کننده دارد
(۲ پیروزی مقابل ۴ شکست)، ولی در عین
حال دوشکست خوب، ۳-۲ مقابل برزیل

۱۰ امتیاز ۱۶ - الش ۹ امتیاز.

* انگلستان

نتایج دور سوم مسابقات جام حذفی:
پلاکول ۴ - وستهام صفر، کاردیف
۱ - برایتون صفر، چستر ۱ - دربی ۳،
کریستال پالاس ۳ - چلسی ۲، اورتون ۳ -
پلاکول صفر، هادرزفیلد ۱ - بیرمنگهام
۱، هول سیتی ۳ - چارلتون صفر، لستر ۱ -
نوتینگهام کونتری صفر، لیورپول ۱ - آلدرشوت
صفر، منچستر سیتی ۱ - ویگان صفر.

منچستر یونایتد صفر، میلدرز پرو صفر
(در بازی دوم منچستر یونایتد ۲-۱ شکست
خورد و حذف شد).
نوتینگهام فارست ۱ - لوتون ۱،
پورتسموت ۳ - شفیلد یونایتد صفر، کوئینز
پارک ۱ - سواندون ۲، استوک سیتی ۴ -
میلوال ۱، سوانسی ۶ - رهل ۱، تورکوا
۴ - لینکلن ۳، تونهام ۴ - شفیلد ونزدی ۴،
وست برومویچ صفر - اسکوتورپ صفر،
وولورهامپتون ۵ - نورویچ ۱، ورکینگتون
صفر - برنثفورد ۱، یورک سیتی ۲ - بولتون
صفر.

رده بندی: ۱ - اسپورتینگ ۴۵ امتیاز
۲ - ستوبال ۴۴ امتیاز ۳ - بنفیکا، آکادمیکا
۴۴ امتیاز ۵ - اف. سی. پورتو ۲۱ امتیاز
۶ - فارنس ۱۶ امتیاز ۷ - واورزیم، بلناس ۱۴
امتیاز ۹ - سی. یو. اف، تیرسنس، بوآویستا،
لیکسوز ۱۱ امتیاز ۱۳ - گیمارز، باریرنس
۱۱ امتیاز.

* اسپانیا

نتایج شانزدهمین روز:
مالاگا ۱ - ساراگوز صفر، رئال
سوسیداد ۲ - سابادل صفر، سویل ۱ -
اسپانول صفر، والنسیا ۱ - رئال مادرید
صفر، بارسلون صفر، بیلباو ۱، جرناد
۳ - الش ۱، جیون ۴ - سلتاویگو صفر،
آلتیکو ۲ - لاس پالماس ۱.

رده بندی: ۱ - آلتیکو، والنسیا ۲۳
امتیاز ۳ - بارسلون ۲۲ امتیاز ۴ - رئال
مادرید، بیلباو، سویل، سلتا ویگو ۱۹
امتیاز ۸ - رئال سوسیداد ۱۷ امتیاز ۹ -
جرناد ۱۶ امتیاز ۱۰ - جیون ۱۴ امتیاز ۱۱ -
مالاگا ۱۳ امتیاز ۱۲ - لاس پالماس،
اسپانول، سابادل ۱۱ امتیاز ۱۵ - ساراگوز
صفر.

آ.ث. رم ۲ - نابل ۲، سامپدوریا صفر -
انتر میلان ۲، وارز صفر - فلورانس صفر.
رده بندی: ۱ - آ.ث. میلان ۱۹ امتیاز
۲ - نابل ۱۸ امتیاز ۳ - کالیاری و انتر -
میلان ۱۶ امتیاز ۵ - بولونی ۱۵ امتیاز ۶ -
آ.ث. رم، جونتوس ۱۳ امتیاز ۸ - فوجیا
۱۲ امتیاز ۹ - تورینو ۱۱ امتیاز ۱۰ - فلورانس
۱۰ امتیاز ۱۱ - سامپدوریا ۹ امتیاز ۱۲ -
وارز ۹ امتیاز ۱۳ - ورون ۸ امتیاز ۱۴ -
لازیو ۸ امتیاز ۱۵ - ویستزا ۷ امتیاز ۱۶ -
کانان ۱۶ امتیاز.

«ساوالدی» از بولونی با ۱۱ گل در
صدر جدول گلزن ها است. بونین سنا از
انتر با ده گل و پراتی از میلان آ.ث. با
۹ گل دوم وسوم می باشند.

* پرتقال

نتایج شانزدهمین روز:
بوآویستا صفر - بنفیکا ۳، آکادمیکا
۴ - وارزیم صفر، سی. یو. اف. صفر -
ستوبال ۳، اسپورتینگ ۴ - لیکسوز صفر،
اف. سی. پورتو ۳ - ترسنس صفر، بلناس
۱ - فارنس صفر.

ایتالیا تیم شماره یک فوتبال اروپا در سال ۱۹۷۰!!

آلمان غربی مقام دوم و انگلستان، شوروی مشترکاً جای سوم را گرفتند!!

بعد از جنگ دوم بین الملل، این نخستین پیروزی ایتالیا در رده ملی فوتبال اروپا است!

نیمه شکستی در مقابل ایرلند دارد که ممکن است در انتخاب برای دور بعدی تمام شود.

۶ - اسپانیا

شاید تعجب کنید که اسپانیا بعد از افول چندساله اخیر اکنون در مقام ششم جای گرفته است، بخصوص اینکه قبلاً اسپانیا پنج تیم بزرگ مسابقات جام جهانی قرار دارند.

اسپانیا در سال ۱۹۷۰ پنج مسابقه داشته است که ۴ مسابقه را در اسپانیا انجام داده است و در ۴ مسابقه پیروز بوده است، تنها یک نتیجه مساوی در برابر ایتالیا داشته است و اسپانیا در سال ۱۹۷۰ آلمان را شکست داد و در جام ملت های اروپا اکنون از تیم های پادشاه بشمار میرود.

۷ - آلمان شرقی

آلمان شرقی اگر در ۲۵ نوامبر در ویمبلی لندن (۳-۱) مغلوب انگلستان نشد شکست ناپذیر باقی میماند، این تیم در مقابل تیم های حریف هر بار دو گل زده و هلد را در جام اروپا مغلوب نموده است و پیشرفت های کاملاً روشن بنظر میرسد.

۸ - اسکاتلند، فرانسه، مجارستان و یوگسلاوی مشترکاً در این مکان هستند

خصوصیت و کیفیت مسابقات این چهار

نیز قرار میگيرد.

۳ - انگلستان و شوروی

در این مکان شوروی و انگلستان جای مشترک را دارا هستند، هر چند که در جام جهانی شاید بتوان انگلیس را همای آلمان دانست، بخصوص در مقابله با برزیل، گذشته از این انگلستان در خارج از جام جهانی هیچگونه شکستی نداشته ولی تیم رمزی نتوانست آنطور که انتظار میرفت پیروزی های سال ۱۹۶۶ را تکرار کند.

در مورد شوروی باید گفت که این تیم نیز نتایج درخشانی در مکزیک داشت، ولی یکبار دیگر در مقابل آخرین مانع خود اردو گوتس سر تعظیم فرود آورد و از خود نوعی ضعف نشان داد. اما بهر حال تیم شوروی یکی از تیم های مطمئن قاره اروپا محسوب میشود.

۵ - سوئد

سوئد تیم پنجم نیز در سال ۱۹۷۰ تنها یکبار شکست خورده است و آن در برابر ایتالیا در جام جهانی بود، ضمن اینکه سوئد به مکزیکو برای مکزیک، در بوداپست برابر مجارستان و در جام جهانی در اردو گوتس پیروزی داشته اند. ولی با این وجود تیم برتر اسکاتلند یوای که در سال ۱۹۶۹ مقام دوم رده بندی را داشت نتوانست آنطور که انتظار میرفت نتایج درخشانی به دست آورد و در جام جهانی مقابل اسرائیل ضعیف بود و در مسابقات ملل اروپا تقریباً

بدون شک همه بیاد دارند که چگونه این تیم بر آلمان پیروز گردید و به صورت هیجان انگیز ترین مسابقه تاریخ فوتبال بین ایتالیا و آلمان انجام شد، شاید بگوئید ایتالیا در مقابل برزیل درخششی نداشت و تیم های دیگر اروپا چون آلمان و انگلستان بهتر می توانستند نماینده تیم برتر این قاره در طول سال باشند، ولی این تنها یک حدس است و مقام نخست اروپا به تیمی داده شد که: جام جهانی را پیروز مندانه پشت سر گذاشته و تمام موانع را از سر راه برداشته مثل حذف مکزیک که در خانه خود بازی میکرد.

... خارج از جام جهانی تقریباً همه جا ایتالیا قانون خود را حکم فرما کرده بود و تیم هایی چون اتریش را در وین «جام ملت ها» و بریتانیا را در لیسن شکست داد و با اسپانیا و سوئیس در زمین این کشور ها مساوی نمود.

لیکن ممکن است گروهی شیوه بازی ایتالیا را نپسندند، ولی نمی توان منکر موثر بودن این تیم شد چه نتایج ایتالیا در سال ۱۹۷۰ نشان دهنده پیشرفت این کشور از سال ۱۹۶۲ به بعد است. ایتالیا از این سال مقام های دوم، دوم، پنجم، چهارم، پنجم، دوم، سوم و سوم را بدست آورده بود، این تیم طی ده سال گذشته مرتب ترین تیم اروپایی بوده است، ولی امسال اولین بار است که بعد از جنگ، ایتالیا این مقام را بدست آورد!

نتایج بازی های تیم ملی فوتبال ایتالیا طی سال پیش از این قرار است:

- اسپانیا ۲ - ایتالیا ۲
- پرتغال ۱ - ایتالیا ۲
- ایتالیا ۱ - سوئد صفر
- ایتالیا صفر - اردو گوتس صفر
- ایتالیا صفر - اسرائیل صفر
- ایتالیا ۲ - مکزیک ۱
- ایتالیا ۲ - آلمان غربی ۳
- ایتالیا ۱ - برزیل ۲
- سوئیس ۱ - ایتالیا ۱
- اتریش ۱ - ایتالیا ۲
- ایتالیا ۳ - ایرلند شمالی صفر

۲ - آلمان غربی

بعد از ایتالیا تقریباً شش کشور در حالتی مساوی قرار دارند، اما اگر آلمان غربی در مقام دوم قرار گرفته، باین جهت است که بچه های هلموت شونر نه تنها در جام جهانی مدال برنز را بدست آوردند بلکه از خود شجاعتها و مقاومت های اعجاب آوری نشان دادند.

کرده ولر گلزن شماره یک جام جهانی و اورات وینک بوئر در مقام های پنجم و چهارم مسابقه توپ طلا قرار دارند، آلمان حتی می توانست در برابر ایتالیا قرار گیرد، ولی نمیتوان فراموش کرد در جام جهانی آلمان یک شکست داشت و در اروپا در مسابقه با اسپانیا و یوگسلاوی نیز مغلوب شد و در بازی های مقدماتی جام ملل اروپا در کلن برابر ترکیه نتیجه مساوی را بدست آورد. اما باید در نظر گرفت که آلمان رکورد گل زده را در دست دارد، ۴۸ گل زده با ۱۹ گل خورده که در ردیف دفاع های ضعیف

در سال ۱۹۵۹ برای مجله فرانسوی «فرانس فوتبال» این کار بصورت نوبسی این در آمده است که در آخر هر سال نتایج بدست آمده تیم های ملی فوتبال کشور های اروپایی را منتشر کند و ضمن بررسی این نتایج بهترین تیم سال اروپا را انتخاب نماید. در سال ۱۹۷۰ تعداد ۱۶۷ نتیجه رسمی برای تیم های ملی فوتبال کشورهای اروپایی بدست آمده است که در این میان سالیانه مسابقاتی چون شوروی - لهستان (۴-۱) و یونان - قبرس (۹-۰) در نظر گرفته نشده است، زیرا رسمی نوده اند.

با توجه به تعداد مسابقات سال ۱۹۷۰، باید پذیرفت که ۱۶۷ مسابقه با در نظر گرفتن این مساله که در سال پیش مسابقات جام جهانی نیز انجام شده است نتیجه خوبی نیست زیرا در سال ۱۹۶۹ تعداد ۱۴۰ مسابقه انجام شده بود، البته بدون جام جهانی! ولی در سال ۱۹۶۶ که جام جهانی لندن انجام گرفت تعداد ۱۵۱ مسابقه بود.

بهر حال این ۱۶۷ مسابقه با این ترتیب تقسیم بندی می شود:

۳۲ - مسابقه در جام جهانی مکزیک «دوره فینال».

۲۴ - مسابقه جام ملت های اروپا «دوره مقدماتی ۱۹۷۰-۷۲»

۷۱ - مسابقه دوستانه ولی رسمی.

تیم هایی که بیشتر از همه مسابقه داشته اند

ترتیب از این قرارند:

آلمان غربی (۱۶)، انگلستان و شوروی (۱۲)، بلغارستان، ایتالیا و سوئد (۱۱)، البته بعضی از کشور ها مثل پرتغال و ترکیه در سال گذشته تنها دو مسابقه داشته اند. بهر حال با توجه به نتایج مسابقات کشور ها و در نظر گرفتن مکان مسابقه، کیفیت حریف و سایر شرایط رده بندی کشورهای اروپا از نظر فوتبال در سال ۱۹۷۰ از این قرار است. جالب توجه است که پنج کشور اول این جدول در مسابقات جام جهانی مکزیک حضور داشتند و اسپانیا در رده ششم است:

- ۱ - ایتالیا ۲ - آلمان غربی ۳ - انگلستان و شوروی ۵ - سوئد ۶ - اسپانیا ۷ - آلمان شرقی ۸ - اسکاتلند، فرانسه، مجارستان، و یوگسلاوی ۱۲ - هلند، رومانی و سوئیس ۱۵ - ولز و لهستان ۱۷ - چکسلواکی ۱۸ - بلغارستان ۱۹ - اتریش و بلژیک ۲۱ - نروژ ۲۲ - دانمارک ۲۳ - فنلاند ۲۴ - ایرلند شمالی ۲۵ - یونان و مالت ۲۷ - لوکزامبورگ ۲۸ - ایرلند جنوبی.

* البانی، قبرس، ایسلند، پرتغال و ترکیه از نظر مسابقه تعداد بسیار کمی داشته اند که قابل دسته بندی نبوده است.

بررسی کیفیت تیم ها:

۱ - ایتالیا

انتخاب ایتالیا بعنوان تیم شماره یک اروپا در سال ۱۹۷۰ جای کوچکترین بحثی را بوجود نمی آورد، تیم ملی ایتالیا در طول سال گذشته یازده مسابقه انجام داد و تنها یک شکست داشت، آن هم در فینال جام جهانی در برابر برزیل!

فوتبال قهرمانی باشگاه های کشورهای اروپا

به لطف هلینوهر میلان آ.ث.

ملاقات کند و سی هزار طرفدار این تیم نیز به رم مسافرت کرده بودند. تماشاگران این مسابقه نود هزار نفر بودند. هفتایم اول با نتیجه «۲-۰» بسود ناپل پایان یافت.

نایلیا که کاملاً به پیروزی مطمئن بودند در نیمه دوم چندان فعالیت نداشتند و خیلی زود رومیا حاکم زمین بازی شدند. هلینوهرها که در این نیمه بازی شماره دوازده خود «دل سول» اسپانیایی عنوان یک آزاد وارد زمین کرده بودند، از برتری تیم خود، دستور آزادی را داد و او گل اول رم را وارد دروازه اتر کرد و گل شادی رانین به «لیگوری» سپرد و او نتیجه را «۲-۰» کرد، گل مساوی در دقیقه ۸۵ زده شد و باین ترتیب تیم هلینوهرها در مقابل تماشاچانش سر بلند شد و همین یک امتیاز از دست رفته ناپل، میلان را در صدر قرار داد.

* مساوی بدون گل برای کالیاری

بعد از آ.ث. میلان و ناپل

* ایتالیا

سال جدید برای میلان آ.ث. که پیروزی درخشان «۴-۰» را بر کاتان بدست آورد بخوبی آغاز شد و این تیم اکنون در صدر جدول قرار دارد.

این مسابقه فستیوالی از بازی پراستی بود که سه بار گل زد. این گل چپ محبوب میلان بعد از اولین گل تیم خود که بوسیله «بوتی» زده شد تنها در طول بیست دقیقه سه بار دروازه کاتان را به آتش کشید و باین ترتیب مقام سوم گلزنی های ایتالیا را بعد از ساوودی و بونین سنا را بدست آورد.

در این بازی همه چیز برای میلانیا که هر ۴ گل خود را در نیمه اول زدند بسیار ساده بود و سپس آنها سعی کردند بازی را آرام و سرد نمایند تا قدرت خود را برای بازی در مقابل «بولونی» که هفته آینده بر گزار میشود حفظ نمایند.

اگر میلانیا سال را بخوبی آغاز کرده و در صدر جدول قرار گرفته اند باید از هلینوهرها تشکر نمایند چه ناپل که هم چون میلان در رده نخست قرار داشت به پایتخت رفته بود تا تیم آ.ث. رم، هلینوهرها را

شیراز ۱-۲ پیروزشد

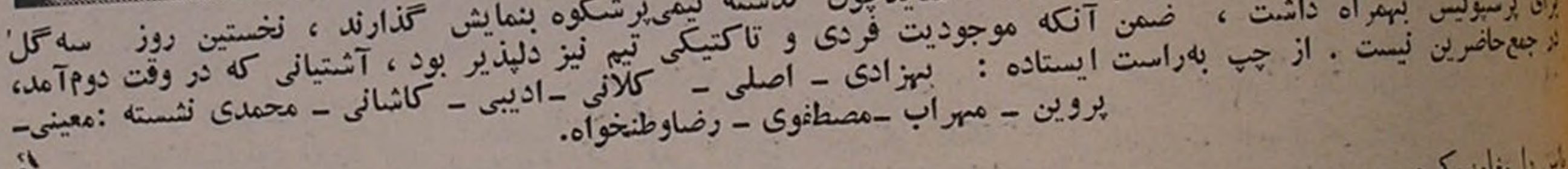
* دروازه بان تاج شیراز در
يك روز پر فروغ

باس را مغلوب کرد .

بایان نیمه اول که نتیجه (۱-۱) می بود، قوای تیم جوان شیرازی نیز که در دست بیک بازی قند در این نیمه دوم به پایان رسید و در حملات بی دریغی داشتند، ولم نکردند.

بازی دوم

مهری (دروازه بان)،
 ابراهیم (گشای)،
 رضا و طغیخواه،
 علی پروین،
 همایون بهزادی (کاپیتان)،
 عربی - حسین قمری،
 ابوالفضل مشیری (دروازه بان)،
 قاسم طلیعی،
 ناصر ابراهیمی (کاپیتان)،
 امیر



کلائی وگل اول پرسپولیس

برنامہ

(هر روز دوبازی، بازی اول ساعت ۳ و بازی دوم ساعت ۵ خواهد بود).

* وقت اول ۱-۰ برای پرسپولیس

۴۳ و ۴۴ که هر دو بار با درختش اصلی دروازه
رسپولیس نجات پیدا کرد وقت اول «۱-۰»
شود پرسپولیس پشت سر گذاشته شد.

نیمه دوم مسابقه پرسپولیس و برق
باید نیمه درخشش بسیار هادیون بهزادی
کاپیتان پرسپولیس دانست. چه وی در این
گذشته از این که خود بر فروغترین چهره
نروم مهاجمین پرسپولیس بود، چندین شوت
سنگین روی دروازه برق زد و بنیافتگر ار هر دو
گل دیگر تیم خود بود.

دقایق ۱۱، ۵۹ و ۶۶ و چهار بار
نزد برق دچار خطر جدی شد که به‌زودی
اصولی حملات پرسپولیس در این دقایق
لیکن نتیجه مسابقه هنوز همان «۰-۱»
نموده بود.

در دقیقه ۷۵ ادیبی زندانه يك كرنی
دروازه برق بود. بهزادی با آرامش
این قوس را اندكی دورتر از خود
كلانی پاشی كرد و كلانی يكباردیگر
ی سریع دروازه برق را فرو ریخت.
قایق از گل سوم پرسپولیس ، در
بهزادی يكبار دیگر از فاصله دور
سنگین دروازه بان برق را به خط
ت ، لیكن ۳ دقیقه بعد «مهمتری»
بان برق باز هم تسلیم شد.

بهرادی در جناح راست و میانه زمین
توپ شد. خود او قانزدیک خط ۱۸
رازه برق بابتوپ پیش آمد و درازین
توپش را با استادی تمام به مصطفوی
جناح چپ دروازه ایستاده بود پاس
مصطفوی باشلیکی سریع گل سوم
مس قرا به ثمر رسانید، بهزادی درازین
مشتاقان تمر مبره در دو بازی بود که
ت وجود او پرسپولیسی صاحب سه
گل بازی متعادل شد، بعد ازاین گل
ریف هر یک یکبار شانس گل داشتند
و نای به باریامد و باسوت داور
۳۰* بسود پرسپولیسی پایان یافت.

فوتبال قهرمانی باشگاههای ایران

پرسپولیس پر ثمر ترین تیم نخستین روز

پاس در مقابل تیم درخشان تاج شیراز ۱-۲ پیروز شد

در اولین روز بازی هابمزادی درخشان ترین چهره میدان بود و به لطف او پرسپولیس با گلانی و مصطفوی صاحب سه گل شد

دو بازی روز نخست با ۶ گل به پایان رسید، ۳ گل خط حمله پرسپولیس، ۲ گل مهاجمین پاس و یک گل برای تاج شیراز



مسابقه را آغاز کرد، پاس که عنوان قهرمانی مسابقات جام حذفی تهران است و یکی از موفق ترین تیمهای قهرمانی مسابقات فوتبال این بازیها بود دیروز در نخستین دیدار خود در برابر یک تیم شهرستانی آفتاب گستر پرفروغ و درخشان ظاهر نشد و در نیمه اول بازی با وجودی که بایک ضربه پناثی به گل رسید، در دقیقه ۲۳ بدست آردا شیرازی به گل رسید. گلی که بدینا یک شوت دوزخ با شوت تحسین انگیز گوش تاج شیراز غلامعلی اسدی از جناح چپ وارد دروازه پاس گردید.

دروازه بان تاج شیراز یک روز پر فروغ

دربازی دیروز پاس همچون حریف ۴-۲ بازی میکرد، ولی سرعت حریف شیرازیها خصوصا در نیمه اول این بازی خود بخود دریاس بوجود آورده بود که حسن اکثرا از پشت خود بغل راست به خط هافبک عقب می آمد.

تاقیل از دقیقه نوزده بازی خط پاس متشکل از شیدائی، میرزاحسن، فتاحی و شرفی بود، لیکن عدم موفقیت این تیم در توفیهای بسیاری که طی این بازی زمین حریف بدست آوردند موجب این شد که مناجاتی هافبک چپ تیم به غلظت و میرزاحسن به گوش راست رفت، غلظت اینک که یآوری بجای شیدائی به بازی وارد و در کنار شاهرخی در خط میانی قرار گرفت.

تاقیل از این تغییر و تاقیل از دقیقه بازی، پاسیها سه بار زوی دروازه حریف صاحب شانس گل بودند که دیوار است

میرزا حسن و یکبار شهابت تحسین نورافکن دروازه بان تاج، پاس را در شانس کرد، لیکن در دقیقه ۲۳ خطی بیژن بیداری بدینا یک ضربه کرد و محوطه پناثی روی پرویز میرزاحسن داد موجب پناثی گردید.

محمود یآوری زنده این ضربه به پاس بود و با وجودیکه در شلیک نخست دروازه بان حریف با عکس العمل خود تاقیل این پناثی را شتر رسانید، در دقیقه ۳۸ دروازه بان شیرازی در یک روز پر فروغ شد. خشونت دفاع پاس و عدم حمله این تیم همراه با تلاش سنگین شیرازیها برای بدست آوردن گل شیراز در این نیمه آرزویش را میسر نکرد و در دقیقه ۳۸ در فاصله ۲۵ متر دروازه پاس، تاج شیراز یک شلیک به ضرب بدست آورد و بیژن بیداری به پاس کار این تیم شلیک کننده نخست این بازی بود، در یک لحظه بدینا یک ضربه به مهاجمین شیراز دفاع پاس کنترل حمله و سرانجام غلامعلی اسدی با شوت تحسین انگیز، نیک نفس دروازه

که جانشین تیم پیکان تیم دوم مسابقات منطقه چهارم در کرمان شده است، موفق ترین تیم روز نخست بازیها بود و ضمن ارائه یک بازی خوب موفق شد سه بار دروازه تیم دیگر تهرانی، برق را بکشد. تیم پاس مدعی بزرگ و دیگر گروه نخست با وجودیکه دیروز در دیدار با تیم تاج شیراز که در منطقه اصفهان پس از تیم برق به مقام دوم رسیده است، با نتیجه ۱-۲ به پیروزی رسید، لیکن آن چهره واقعی خود را نشان داد و نتیجه بدست آمده، نتیجه ای نیست که از این تیم انتظار میرفت. اما بهرحال با دو پیروزی که دیروز پاس و پرسپولیس بدست آوردند، حداقل حاکی از شانس بیشتر این دو بعنوان تیمهای برگزیده گروه نخست است و فردا دیدار این دو تیم، مسابقه سرنوشت این گروه خواهد بود.

بازی اول

جمعه ۱۸ دی، استادیوم امجدیه، دیدار کنندگان تیم های پاس تهران و تاج شیراز، تماشاگر پانزده هزارتن. داوآرشد براننده، نتیجه وقت اول ۱-۱، نتیجه پایان وقت ۲-۱، پاس تهران، گلها دقایق ۲۳ محمود یآوری از نقطه پناثی و ۵۵ همایون شاهرخی برای پاس، دقیقه ۳۸ غلامعلی اسدی برای تاج شیراز. بازیکنان دو تیم:

پاس: کیوان نیک نفس «دروازه بان»، محسن هوشنگی، حسن حبیبی «کاپیتان»، مجید حلوانی، حسین کازرانی، همایون شاهرخی، مهدی مناجاتی، امیرشیدائی، «محمود یآوری» پرویز میرزاحسن، جهانگیر فتاحی (داوآر احمدزاده)، اصغر شرفی.

مربی - حسن حبیبی
تاج شیراز: غلامعلی نورافکن (دروازه بان)، مجید شکاری، ابراهیم عباسی (منصورش)، بلوکی، محمدتوتونچی، یدالله میرحسینی، شیرزاد شول (مجید پیمان)، احمد میرحسینی (کاپیتان)، ناصر آذریان، بیژن بیداری، غلامعلی اسدی، منوچهر دوام.

در زیر آفتاب دوست داشتی که آخرین باقیمانده هوای دلپذیر یک هفته گذشته تهران بود منوچهر دوام بازیکن شیرازی

شکل این قرعه کشی بدین ترتیب بود که پاس قهرمان جام حذفی سردهسته یک گروه و تاج قهرمان باشگاههای آسیا در گروه دیگر سردهسته قرار گرفت. دو تیم برق تهران و تاج ابادان که در مسابقات منطقه ای در دو گروه خود به مقام اول رسیده بودند بنابر قرعه هریک دریکی از این دو گروه قرار گرفتند و چهار تیم بقیه نیز یکم قرعه در بین این دو گروه تقسیم شدند.

مسابقات در دور مقدماتی بطور دورهای و در مرحله بعد بطور ضربدر انجام خواهد شد، البته در همان جلسه چهارشنبه گذشته رئیس فدراسیون فوتبال کشور اعلام کرد که مسابقات فوتبال قهرمانی باشگاههای کشور در سال ۱۳۵۰ هم چون کشور هائی که در فوتبال پیشرفته هستند!! بصورت رفت و برگشت انجام خواهد شد.

دور مقدماتی ایندوره از مسابقات همه روزه در استادیوم امجدیه، یک بازی در ساعت سه و یک بازی در ساعت پنج انجام خواهد شد.

پرسپولیس موفق ترین تیم روز نخست

دیروز در نخستین روز این بازیها که چهار تیم گروه اول نخستین مسابقات خود را برگزار کردند، بدون تردید تیم پرسپولیس

بعد از ظهر دیروز طی مراسم خاصی بنام فامی شاهنشاه اریامهر مرحله نهائی مسابقات فوتبال قهرمانی باشگاه های ایران با شرکت هشت تیم برگزیده مسابقات مقدماتی در استادیوم امجدیه آغاز شد، در مسابقه اول تیم پاس تهران ۲-۱ بر تیم تاج شیراز پیروز شد و در دومین دیدار تیم پرسپولیس تهران ۳-۰ تیم برق تهران را مغلوب کرد.

تیمهای دور نهائی

مرحله نهائی مسابقات فوتبال قهرمانی باشگاههای ایران با شرکت هشت تیم، پاس، پرسپولیس، برق و تاج از تهران، کارکر و تاج ابادان، اریا از مشهد و تاج شیراز که منتخبین ۲۳ تیم شرکت کننده در مسابقات مقدماتی مناطق چهار گانه می باشند برگزار میشود.

چهارشنبه هفته گذشته در محل فدراسیون فوتبال ایران و با شرکت سرپرستان تیم ها برای مرحله اول و مقدماتی مسابقات قرعه کشی شد و گروه بندی این هشت تیم در دور مقدماتی به این شرح اعلام گردید.

گروه الف - پاس، برق، پرسپولیس و تاج شیراز.
گروه ب - تاج تهران، تاج ابادان، کارکر ابادان، اریامشهد.



غلامعلی نورافکن دروازه بان تاج شیراز دیروز در دیدار با پاس چهره ای یس درخشان داشت و بارها تاجی دروازه تیم خود برابر حملات پاسیها بود. او در حال مهار یک توپ جهانگیر فتاحی مهاجم پاس دیده می شود.

سفید پوشها باردیگر گرد برای پرسپولیس به همراه داشت در جمع حاضرین نیست. از چپ

گل پیروزی پاس

بایان نیمه اول که نتیجه مساوی بود، قوای تیم جوان شیرازیها در برابر پاس دست بیک بازی نیمه دوم به پایان رسید و در تلاش کاری بجز گزین از حمله پاس نداشتند، ولی تکریمیهای پاس، گذشته از شرفی که در یک ضربه هرگز بجز یکبار شانس دروازه حریف را در نیمه دوم به چالیکه یک پاس هماهنگ در آن بازی دروازه حریف می توانست حداد در دقیقه ۵۵ وقت دوم توفی دست داد، همایون شاهرخی ها یک شوت سنگین و حساب ش رسانید و با این گل تاحدی به حمله تیم خود تا این لحظه پایان داد. این گل بازم حاصل تلاش ها این بازی همچنان بی نتیجه باقی

بازی دوم

جمعه ۱۸ دی، استادیوم امجدیه، دیدار کنندگان دو تیم برق و پرسپولیس، تماشاگر بیست هزار تن. داوآر جعفر نامدار، نتیجه وقت اول ۱-۱، نتیجه پایان وقت ۲-۱، پرسپولیس، گلها دقایق ۲۳ و ۸۲ داروش مصطفوی. بازیکنان دو تیم: پرسپولیس: عزیز اصلی (دروازه بان)، جعفر کاشانی، رضا آذینی، فریدون معینی، برق: ابوالفضل میرزایی (دروازه بان)، قاسم طبعی (گاردینر)، ناصر ابراهیمی (گاردینر)

گبار بود!!

فوتبال پس از اطلاع از وقوع این حادثه طی مصاحبه‌ای اظهار داشت: ز چنین حادثه‌های دردناکی واقعه است و حاکی از این امر است که مسئول به وضع اسنادیومها، خصوصاً و نرده‌های جلوی آنها که حفاظت این بالکنها بشمار می‌روند و حتی اسنادیومها آنطور که لازم است رسیدگی می‌شود.

از وقوع این حادثه بسیاری از نجات این واقعه، لحظه وقوع آن را برای آن روزنامه‌ها تشریح کردند، یک بیس که خود معجزه آسا جان سالم به است اظهار داشت:

مدت‌ها استادیوم را داشتیم که بدنیا آمد چند فریاد و شیون ناگهانی بعقب! آنچه که در مقابل چشماتم قرار بود باورم نمیشد. چون در همانجایی لحظه‌پیش از آنجا عبور کرده بودم، خونین و تکان دهنده می‌دیدم. و، اجساد بسیاری روی هم افتاده کوهی از سرها و صورت‌ها و بدن‌ها، تکه شده درست شده بود! هیچ زدم بر نمی‌آمد چون لحظه به لحظه قوط کنندگان بیشتر و بیشتر می‌آمد این بزرگترین و تلخ‌ترین واقعه من است، واقعه‌ای که کابوسی در فکر من باقی خواهد گذاشت. که هرگز از یاد نخواهد رفت.

یوم، «ایروکس پارک» گلاسکو حادثه در آن رخ داده، استادیوم باشگاه گلاسکو است و چهارشنبه گذشته ی این باشگاه اعلام کرد بخاطر باوردمی که عزیزان خود را در سینه پیش این استادیوم از دست داد، مسابقه باشگاهی رنجرز در بازی هفته باشگاه‌های اسکاتلند که تا بایم کردن بیج انجام می‌شد انجام شد.

فرمان شاهنشاه آریامهر ویشنهاد سپید خسروانی معاون نخست‌وزیر ست سازمان تربیت بدنی تیمسار رحیمی لاریجانی رئیس فدراسیون دی ایران، هفت‌گشته بعنوان رئیس ن کشتی فرنگی ایران مشغول به نتد.

صفحه کشتی آموزشی

«کشتی آموزشی» جای ستونهای ضمن پوشش برای آنکه اشتباه که مطلب از ستون دوم شروع شده بیان می‌رسد.

ش، شیرین - چهارم آبان برنده - نوربخش بسود نوربخش، قوام - خسرو - تریا بنفع تریا.

قهرمان فوتبال بخش ۱۴

مسابقات فوتبال آموزشگاه‌های ناحیه شته در استادیوم امجدیه برگزار شد پیروزی ۲۰ بر کاظم‌زاده ایران‌شهر شگاه‌های ناحیه ۱۴ را بدست آوردند براسم: سیروس دروی رئیس تربیت رودی رئیس دبیرستان و بیژن قربانی - نی - گالوستیان - فاطمیان - آواکم - اهانیان - عود مژدهی - کاپیتان تیم - زاده - یحیائی و آذریان دیده‌مشوند.

انجمن - پاس - آرارات - برق تیمهای برگزیده دور نهائی بسکتبال بانوان تهران



انجمن موفق‌ترین تیم دور مقدماتی طول چهار دیدار صاحب ۴ پیروزی با ۴۰ گل زده شد، عکس زیبا افلاطون - سهلا روحانی را در جمع بازیکنان دیپیم نشان میدهد.

نکرده بود، تاج حداقل با عنوان چهارم در هر گروه که برای مسابقات امسال قرار میگرفت، انجمن یا پاس را سر راه داشت نه دو تیم پرتوان چون انجمن و آرارات را، با اینهمه این سوال پیش می‌آید که چرا باوجود انحلال تیم پیکان شانس که برای برق در نظر گرفته شده برای تاج محفوظ نمانده است؟

شانس بزرگ برای برق!

تیم برق همان تیم گذشته پیکان است که درست به برق منتقل شده است، تیمی است شاید نه بقدرت آریا و خیلی کمتر از تاج ولی شانس قرعه سبب شده این تیم با همین موجودیت به دور نهائی راه یابد، ضمن آنکه در گروه اول اگر دیپیم در حد این تیم نباشد، آریا و تاج بیشتر و به مراتب پرقدرت‌تر از آن می‌باشند که حضور دو تیم صدر جدول آرارات و انجمن شانس آنها را از میان برده.

در این دوره بازیها ۱۱ تیم شرکت دارند. تاج - آرارات - انجمن - آریا (تیم دوم انجمن) - واحد - دیپیم در گروه اول و پاس - برق - عقاب - شاه‌عزیز - دخانیات در گروه دوم بطور دورهای بازیهای مقدماتی را آغاز کرده‌اند که هشتبه این هفته به پایان میرسد ضمن آنکه از هم اکنون میتوان - انجمن - آرارات و پاس - برق را بعنوان تیمهای اول و دوم هر دسته معرفی کرد در دیدارهای اوج انجمن با برق روبروست که در پیروزی آن تردیدی نیست و اگر پاس که موجودیتی بهتر از گذشته دارد، آرارات را مغلوب کند، برای سرانوست باید در انتظار دیدار پاس - انجمن باشیم.

بازیهای انجام شده طول هشت روز گذشته به این شرح است:

نتایج کلی بازیها

پاس ۷۱ - شاه‌عزیز ۴۰، تاج ۵۱ - آرارات ۵۹، دیپیم ۱۹ - آریا ۴۲، انجمن ۱۱۵ - واحد ۳۵، برق ۵۰ - عقاب ۴۲، تاج ۵۴ - آریا ۳۲، عقاب ۳۵ - دخانیات ۴۵، واحد ۴۰ - آرارات ۹۱، پاس ۷۸ - برق ۴۵، دیپیم ۸ - انجمن ۱۳۲، تاج ۶۱ - واحد ۱۷، انجمن ۸۸ - آریا ۳۹، پاس ۴۰ - دخانیات ۴۲، تاج ۳۰ - انجمن ۴۰، به این ترتیب انجمن طول چهار مسابقه ۴۰ گل زده و ۱۱۳ گل خورده بدست آورد که این یک رکورد استثنائی است.

بازی تاج - انجمن در وقت اول ۱۴-۱۷ و در پایان ۳۰-۴۰ بسود انجمن اعلام گردید ولی با شناخت موجودیت این دو تیم باید پذیرفت که تاج بیش از انتظار کوشیده است و بهر شکل سزاوار نیست تیمی با این موجودیت به فینال راه نیابد و در عوض تیم های دیگر این شانس را داشته باشند. ناگامی تاج در این دوره گذشته از مخالفت بعضی از سرپرستهای تیم های شرکت کننده برای حذف تاج حضور سه تیم را در دور نهائی نپذیرفتند، اشتباه مری تیم در سال قبل نیز می‌باشد چه اگر تیم را یکی از بازیها به ترک میدان دعوت

سرانجام پیروزی برق بر عقاب در شرایطی که عقاب، دخانیات را مغلوب کرده است میتوان برق را بعنوان تیم چهارم برای دور نهائی شناخت.

بازی درخشان تاج

تاجیها باوجود آنکه چهارشنبه شب گذشته بازی درخشان و دلپذیری مقابل انجمن ارائه کردند، در پایان به دومین شکست در دور مقدماتی تن در دادند و چون پیشنها حضور سه تیم از هر گروه در دور نهائی پذیرفته نشد طبیعتاً در دور فینال راهی نخواهند داشت.

توپ طلای «دنیای ورزش» برای فوتبالیست سال ۱۳۴۹ ایران

برای آنها فرستاده میشود پر کرده به دفتر مجله ارسال دارند یا اطلاع بدهند که نماینده مادر محل کار ایشان آنها را تحویل بگیرد، آرای فرستاده شده ناام انتخاب کنندگان ودلائل آنها عیناً در مجله درج خواهد شد تا هیچگونه نقطه تاریکی باقی نماند.

حسین مشر - دکتر اکرامی - احمد اسمیهانی - عطا بهمنش - کاظم گیلانپور - اسماعیل یگانگی - صدرالدین الهی - اسداللهی - روشن‌زاده - فراگزلو - صفوت - زاهدی - علی عبده - فریدون صادقی - حسین فکری - مسعود برومند - پرویز شیخان - داود نصیری - کاظم رهبری - پرویز کوزه‌کنانی - محمد بیاتی - پرویز دهداری - امیر آصفی - محمد رنجبر - حشمت مهاجرانی - پرویز ابوطالب - مددوئی - امیر عراقی - بیوک جدیکار - حاج نصرالله - نوریان - ناصر سلطانی - نامدار - مؤذن - اصغر تهرانی - بهروز سرشار - مهیندس شاهرخی - جعفر دهقان - حسین حساری و بیژن رفیعی.

هفته آینده ۱۰ انتخاب کننده دیگر به این گروه اضافه خواهند شد که نفر از جمع تماشاگران امجدیه خواهند بود زن و مرد و ماکوشش خواهیم کرد، شاید آرای هیئت انتخاب کننده رادریک جلسه عمومی همزمان دریافت داریم تا اگر علاقمند باشند با دانستی های خود ما رادراین راه بیشتر راهنمایی کنند تا از آن بهره‌مند گردیم.

اولین قدم برای همکاری

شاید در این گروه چهره‌هایی باشند که ما را نپسندند و اصولاً ما را در این راه قبول نداشته باشند، با اینکه خود را در حدی بالاتر از سایر انتخاب کنندگان بدانند، با اینهمه ما بازمی‌انتظار داریم در این راه که شاید اولین قدم برای يك کار همگانی بین طیفه نویسندگان و مفسرین، مربیان و تماشاگران و صاحبان باشگاه‌ها می‌باشد و میتوان با تولد آن به همکاری بیشتر در آینده چشم دوخت، این اجتماع را تقویت کنند.

نفرات برگزیده برای انتخاب بهترین فوتبالیست سال به بازیکن به ترتیب نمره های ۱ تا ۱۵ خواهند داد و به اختصار دلایل انتخاب نفرات اول تا پنجم خود را شرح خواهند داد و ما با درج آرای هیئت انتخاب کننده بهترین فوتبالیست سال ایران و چهره های شماره ۲ تا ۵ را معرفی خواهیم کرد ضمن آنکه در يك جلسه عمومی «توپ طلای» مجله دنیای ورزشی بوسیله رئیس سازمان تربیت بدنی ایران به چهره برگزیده فوتبال سال ۱۳۴۹ ایران به یادگار داده خواهد شد.

هیئت انتخاب کننده

نامزد های انتخاب کننده ما به این شرح می‌باشند که بقیه آنها را در هفته آینده معرفی خواهیم کرد و امید داریم تاده اسفند ماه ۱۳۴۹ ورقه های مخصوصی که

برای تصمیم هیئت تحریریه مجله دنیای ورزش امسال فوتبالست سال ایران توپ طلای «دنیای ورزش» هدیه خواهد شد. طبیعی است که این کار تازه‌ای نیست که ما بوجود آورده باشیم، تمام مجلات دنیا طول سال انتخابی فوتبال با انتخاب بهترین فوتبالیست اروپا انجام میدهد.

انتخاب بهترین فوتبالیست آسیا

شاید روزی برسد که باتماس های بیشتر و گسترش مسابقات آسیائی مانیز قادر باشیم بهترین فوتبالیست سال آسیا انتخاب کنیم.

ولی بهر حال مهم اینست که در این نخستین قدم نویسنده، مفسر، مربی و چهره های آشنا به فوتبال از تماشاگر و رئیس باشگاه تلاش می‌کنیم دور از منته‌اندی ها در يك محیط صمیمانه بهترین فوتبالیست سال و برنده توپ طلای دنیای ورزش را معرفی کنیم و در کم با احترام فراوان تمام نویسندگان و سایر چهره های که با احترام فراوان دست دوستی بسوی آنها دراز می‌دارد، دور از اختلاف سلیقه ها در سایر موارد، در این راه ما را یاری کنند و آغازگر این باشند برای اصالت ایران.

دیدار سلطنتیک - رنجرز برای تماشاگران مرگبار بود!!

بعد از ظهر شنبه گذشته در دومین روز سال نو مسیحی در حالیکه بیش از هشتاد هزار تماشاگر فوتبال دوست اسکاتلندی در استادیوم قدیمی «ایبروکس پارک» کلاسکو پایتخت این کشور، برای تماشای مسابقه سالیانه دو تیم بزرگ و محبوب خود، سلطنتیک و رنجرز کلاسکو گرد آمده بودند، بعد از دیدار پرشکوه این دو تیم که با نتیجه مساوی (۱-۱) پایان یافت، در لحظه خروج تماشاگران از استادیوم، بزرگترین فاجعه ممکن روی داد و بر اثر شکسته شدن نرده های جلوی یکی از بالکن های استادیوم و فر ریختن دیواره زیر آن حادثه ای بوقوع پیوست که طی آن ۶۶ تماشاگر جان خود را از دست دادند!

۱۹۲۰ نخستین حادثه

این دومین باری بود که طی پنجاه سال اخیر چنین حادثه مرگباری در این استادیوم قدیمی فوتبال در کلاسکو پایتخت اسکاتلند روی میداد! لیکن در سال ۱۹۲۰ که نخستین حادثه وحشتناک در استادیوم «ایبروکس پارک» روی داد، بعثت فرو ریختن مدخل استادیوم، ۲۵ نفر کشته و پانصد نفر مجروح شده بودند، در آن سال قبل از یک دیدار بین المللی تیم های ملی فوتبال انگلستان و اسکاتلند این حادثه روی داده بود.

در حادثه شنبه گذشته استادیوم «ایبروکس پارک» بقدری کیفیت حادثه وحشتناک و غیر قابل تصور بود که در طول چند دقیقه بمجروح مردم بسوی درهای خروجی پس از شکسته شدن نرده ها و فرو ریختن آن دیواره زیر بالکن، تماشاگرانی که در آن بالادور آن قسمت قرار داشتند بسرعت به پائین و بروی هم می ریختند! در حالیکه در یک آن بمجروحان حادثه صدای هولناکی همزمان با فرو ریختن نرده ها و دیواره زیر بالکن بلند شد و بدنبال گردو غبار عجیبی که سربه آسمان برداشت، صدای فریادها و ضجه های صدها تن استادیوم را که تا

چند لحظه قبل در اوج شادی بود، به ماتم است. گاهی بزرگ تبدیل کرد! آنبوه آدمیانی که در زیر آن قسمت از استادیوم بر اثر این حادثه به روی هم انباشته شدند، آنچنان صحنه ای ناراحت کننده و دلخراش بوجود آورده بود که گویی صحنه ای از یک میدان جنگ بود.

۶۶ نفر کشته و ۱۰۸ نفر زخمی

به مجرد وقوع حادثه گذشته از گروه معذود مأمورینی که از آغاز بازی در استادیوم حضور داشتند، بسرعت گروه های یی در پی از مأمورین نجات خود را به محل مزبور رسانیدند، لیکن غم انگیزترین صحنه ها وقتی بوجود آمد که مأمورین برای نجات تماشاگران حادثه دیده اقدام به بیرون کشیدن آنها از آنبوه جسد های بی حرکت کردند!

زخمی شدگان بسرعت به نزدیکترین بیمارستان انتقال یافتند و اجساد قربانیان حادثه در جلوی یکی از دروازه های استادیوم در کنار هم قرار داده شدند.

حادثه آنقدر سریع و بی مقدمه روی داد که امکان کم به هیچیک از اولین کسانی که به زیر بالکن خراب شده استادیوم پرت شدند، برای هیچیک از تماشاگران و یا مأمورین نجات بوجود نیامد و بلاستثناء همگی آنها جان خود را از دست دادند.

کشیشی که جنب استادیوم ایبروکس زندگی میکند و در لحظه وقوع حادثه از جمله تماشاگران مسابقه بود گفت، بیشتر قربانیان حادثه جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله بودند، همان کسانی که همیشه شور و شوق جوانی در آنها باعث میشود در هر کاری عجله و سرعت بخرج دهند.

طبق گزارش دقیق پلیس کلاسکو در این حادثه غم انگیز آغاز سال نو ۶۶ نفر جان خود را از دست دادند و ۱۰۸ نفر زخمی شدند که حال بسیاری از آنها بسیار وخیم

بین المللی فوتبال پس از اطلاع از وقوع این حادثه دردناک طی مصاحبه ای اظهار داشت: - بروز چنین حادثه های دردناکی واقعا غیرمنتظره است و حاکی از این امر است که مقامات مسئول به وضع استادیومها، خصوصا بالکنها و نرده های جلوی آنها که حفاظ ایمنی این بالکنها بشمار میروند و حتی سقف استادیومها آنطور که لازم است رسیدگی نمی کنند!

پس از وقوع این حادثه بسیاری از زمین یافتگان این واقعه، لحظه وقوع آن را برای خبرنگاران روزنامه ها تشریح کردند، بان مأمور پلیس که خود معجزه آسا جان سالم بدر برده است اظهار داشت:

«قصدمتروک استادیوم را داشتیم که بدنبال صدای چند فریاد و شیون ناگهانی بعضی برگشتم! آنچه که در مقابل چشمم قرار گرفته بود باورم نمیشد. چون در همانجایی که چند لحظه پیش از آنجا عبور کرده بودم صحنه ای خونین و تکان دهنده می دیدم. اووه... اجساد بسیاری روی هم افتاده بودند! کوهی از سرها و صورت ها بود! هیچ های تکه تکه شده درست شده بود! هیچ کاری از دستم بر نمی آمد چون لحظه به لحظه تعداد سقوط کنندگان بیشتر و بیشتری شد... این بزرگترین و تلخ ترین واقعه زندگی من است، واقعه ای که کابوسی وحشتناک در فکر من باقی خواهد گذاشت. کابوسی که هرگز از یاد نخواهد رفت.

استادیوم، «ایبروکس پارک» کلاسکو که این حادثه در آن رخ داد، استادیوم باشگاه رنجرز کلاسکو است و چهارشنبه گذشته سخنگوی این باشگاه اعلام کرد بخاطر همدردی بامردمی که عزیزان خود را در حادثه شنبه پیش این استادیوم از دست داده اند، مسابقه باشگاهی رنجرز در بازی های این هفته باشگاه های اسکاتلند که می بایست بایتم کردن بیج انجام می شد انجام نخواهد شد.

بهار ۱۹۶۶ در «لیما»

حادثه ای که باین ترتیب روی داد ناگوارترین حادثه در تاریخ مسابقات فوتبال در سراسر جهان است، تا قبل از این، بدترین و غم انگیز ترین حادثه مربوط به سال ۱۹۴۶ بود که حین مسابقه دو تیم «بولتون و استوک سیتی» در کادر مسابقات جام حذفی باشگاه های انگلستان در اثر وقوع حادثه ای نظیر همین حادثه ۳۳ نفر کشته و پانصد نفر زخمی شده بودند!

البته صرف نظر از ویران شدن و خرابی های ناگهانی در استادیوم های فوتبال جهان که تاکنون دهها حوادث ناگوار دیگری از این قبیل بوجود آورده است، زود خورد طرفداران و مخالفان تیمها در میدان های مسابقات قربانیان بسیاری داده است که آنها نیز از جمله تلخ ترین حوادث زمین فوتبال طی سالها می باشند.

شاید بزرگترین آنها در بهار سال ۱۹۶۶ در «لیما» پایتخت پرو و آرژانتین، بدنبال مسابقه ای بین دو تیم پرو و آرژانتین، بعثت اشتباهی که داور در کار خود کرد، زود خورد شدیدی بین تماشاگران در گرفت که در نتیجه ۳۴۰ نفر کشته و بیش از یک هزار نفر زخمی شدند!

پس از حادثه دردناک شنبه گذشته در استادیوم ایبروکس پارک کلاسکو ملکه الیزابت پادشاه انگلستان تلگرام تسلیتی برای شهردار کلاسکو مخابره کرد و به بازماندگان قربانیان حادثه تسلیت گفت.

بزرگترین و تلخ ترین حادثه

ادوارد هیت نخست وزیر انگلستان نیز بدنبال این حادثه دستور داد علت بروز این حادثه دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد.

سراستانی روسی رئیس فدراسیون



بازیهای قهرمانی مدارس تهران

رئیس فدراسیون کشتی فرنگی

به فرمان شاهنشاه آریامهر و پیشنهاد تیمسار سپهبد خسروانی معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی تیمسار سرلشکر رحیمی لاریجانی رئیس فدراسیون کوهنوردی ایران هت ه گزیده بعنوان رئیس فدراسیون کشتی فرنگی ایران مشغول به کار شدند.

توضیح در باره صفحه کشتی آموزشی

در صفحه بندی «کشتی آموزشی» جای ستونهای مطلب عوض شده است ضمن پوشش برای آنکه اشتباه نشود یاد آور می شویم که مطلب از ستون دوم شروع شده و در ستون اول به پایان میرسد.

قهرمان فوتبال بخش ۱۴

همچنین فینال مسابقات فوتبال آموزشگاه های ناحیه ۱۴ تهران هفته گذشته در استادیوم امجدیه برگزار شد که تیم فرخ منشی با پیروزی ۲-۰ بر کاظم زاده این شهر عنوان قهرمانی آموزشگاههای ناحیه ۱۴ را بدست آوردند. عکس ایستاده از چپ براس: سیروس دروی رئیس تربیت بدنی بخش ۱۴، کرموردی رئیس دبیرستان و بزرگترین قهرمان فارسی منفرد - ضیایی - گالوستیان - فاطمیان - اداکی - بزرین و شسته مسعود مژدهی - کاپیتان تیم - امانیان - جاندربیان - مومن زاده - یحیایی و آذریان دیده میشوند.

در دوره دوم کاظم زاده ایران شهر - مزین راشکست داد، ذوقی مغلوب محمد طاهر بهادری شد، داریوش به ایران شهر باخت، شهر آرا مغلوب داریوش شد، انوشیروان به محمد طاهر باخت، مروی برامین الدوله پیروز شد و الهی مغلوب مزین شد.

نتایج دختران

در قسمت دختران نیز این بازیها انجام شد: ره آورد - شمس آوری برنده ره آورد، نوربخش - ثریا بنفع نوربخش، ارمان - چهارم آبان بسود چهارم آبان، بهمنیار - رضاشاه کبیر برنده رضاشاه کبیر، آگاهی - مهستی برنده آگاهی، آزادی - زنان - ثریا بسود ثریا، قوام - بهجت برنده قوام، آصف - پوراندخت بسود پوراندخت، مهرباختر - ره آورد برنده ره آورد، آزادی زنان - عبرت برنده عبرت، خسرو -

دومین هفته مسابقات والیبال قهرمانی آموزشگاه های تهران بعلطف استقبال فراوان دانش آموزان، مسئولین دبیرستان و بعضی اوقات مدیران مدارس در يك شرایط دلپذیر و پر هیجان به پایان رسید در حالیکه دبیرستان مروی نماینده این هیجان دلپذیر با پیروزی طول دو هفته گذشته یکی از شانسهای مسلم بازیهای دور نهایی خواهد بود.

نتایج پسران

در دوره اول پسران ایران شهر بر هنربخش پیروز شد، ماکو مغلوب نظام مافی شد، دکتر هوشیار - محمد طاهر بهادری را مغلوب کرد، رودکی به نظام مافی باخت امیر کبیر مغلوب دکتر هوشیار شد، شاه عباس مغلوب محمد طاهر بهادری شد، حرفه ای - خامنه ای پور را شکست داد و راه بهتر به هنربخش باخت.



انجمن موفق ترین تیم دور

هشتمه شب گذشته بانه دیدارهای برق - شاه عزیز و طول ۱۶ مسابقه انجام شده تیمهای دور نهایی روشن شد این درست که بابر آرازات - تاج و شکست تاج آرازات و پاس نامزد های بسکتبال قهرمانی باتوان تیم این از نخستین شب روشن شناخت تیم، دوم گروه دوم به بازیهای اوج راه باید بود، برق - عقاب - دخانی چهار تیم دیگر گروه دوم

توپ طلا

به تصمیم هیئت تحریر برای نخستین بار در تاریخ فوتبالست سال ایران توپ طلا شد. طبعی است که این کار آورده باشیم، تمام مجلات دارند که معروفترین آنها را فوتبال با انتخاب بهترین فوتبالیست روزی برسد که با آسیا انتخاب کنیم.

ولی بهرحال مهم اینست توپ طلا و سالهای پیش برو از تماشاگر و مربی و حاشیه بندی ها در يك محیط سال و برنده توپ طلای دنیای که ما با امید داریم تمام توپ طلا به احترام فراوان دست راه مارا بازی کنند و آغاز

دنیای ورزش در مشهد



بمنظور پیشرفت والیبال در مشهد از مجله دنیای ورزش یکدوره مسابقات والیبال بنام «جام دنیای ورزش» با همکاری ت والیبال خراسان از ماه گذشته آغاز که پس از پشت سر گذاردن دور پایانی، مسابقات بمرحله نیمه نهائی رسیده

وراه آهن از گروه ۲ دانشگاه و آریا از گروه اول بدور نیمه نهائی راه یافتند. با آغاز مسابقات والیبال کاپ دنیای ورزشی بار دیگر سالن ورزشی والیبال حضرت رضایعلوی مشهد شاهد تلاشی بی گیر جوانان ورزشکار والیبال این استان بود.

تلاشی شکوهند و با افتخار ، پیکار
بازیکنان جوان که با ظرافت خاصی در
میدان مسابقه خالق شگفتی بودند ، صد ها
مهر مشتاق و علاقمند بر سکوها ، بی آرام
انتظار پیروزی جابجا میشدند ، هوای
سرد و خشک سالن بافریاد شادی مردم
روزش دوست مشهد از خاطره ها محو شده
بود و همه چشمها بر صحنه نمایش جوانان
مرومند دوخته شده بود.

جوانانی که در يك پیکار مقدس برای
کسب افتخار و عنوان نخست سخت در
لاشد تاهر چه زودتر از سد حریف بگذرند
بر سکو افتخار قرار گیرد و آن زمان

در این دوره مسابقات بیش از ۱۰۰ تیم از تیم های دانشگاه مشهد - لشکر ۷۷، تبادگان مشهد، راه - لکوموتو، جهان تربیت، ملکی و لشکرک تاراند که در دو گروه ۵ تیمی مسابقات دور مقدماتی را آغاز کردند. در گروه اول تیم های ملکی، لکوموتو، راهی دوره راهنمایی، آریا و دانشگاه راه داشتند و تیم های جهان تربیت، راه آهن، تبادگان و نیروی هوایی گروه دوم قرار داشتند. مسابقات دور مقدماتی بطور دورهای گردید که در نتیجه تیم های لشکر

۵۷ کیلو : بیدار بخت از شوشتر با
 وستانی از مسجد سلیمان برنده بیدار بخت.
 ۶۲ کیلو : قصاب نژاد از شوشتر با
 گرجیان از مسجد سلیمان برنده قصاب نژاد.
 ۶۸ کیلو : شکر خدائی از شوشتر با
 یوپ از مسجد سلیمان برنده شکر خدائی .
 ۷۴ کیلو : بختیاروند از مسجد سلیمان
 برنم رقیب برنده اعلام شد و باین ترتیب
 نیم کشتی تاج شوشتر با سه پیروزی و دو
 شکست و یک مساوی تاج مسجد سلیمان
 مغلوب کرد .

۸۱ کیلو : صفری از شوشتر با
۵۴ کیلو : بنیانپور از مسجد سلیمان نتیجه مسای .
۵۴ کیلو : بنیانپور از شوشتر با
۵۴ کیلو : مسجد سلیمان برنده بنیانپور .

عش شد گل مساوی در اواخر نیمه دوم
ثبت برسد . ضعف داوری باعث خشوئت
اوان بازی در اواخر وقت بود و همین
سئله باعث شد بازیکنان اصفهان بعنوان
تراض به نحوه قضاوت در فاصله ۵ دقیقه
پایان وقت زمین را ترک گویند .
بازیکنان یاس عبارت بودند از : عطاء
ند ، مهدی ایمانی نژاد ، سعید غفازاده ،
وزیر تجلی ، بهروز صحابه ، داریوش ایزد-
ه ، حمید مدنی ، بیژن اصلانی ، اصغر
نیمنی ، جعفر اسلامی ، اکبر عسگری ،
اهم افخمی ، ابوالفضل صفوی

تیم فوتبال باشگاه آریامهر اصفهان
به شرکت ملی فوتبال ایران جهت
دو مسابقه وارد مشهد شد.
این تیم در اولین دیدار مقابل تیم
شهران شاهکاه های مشهد قرار
گرفت و با نتیجه ۴-۱ مغلوب شد. گل
و محمدرضا یحیوی و میر فتحی هوشیار
از بازیکنان تیم آریامهر بودند.
دومین بازی تیم آریامهر با تیم
شهران شاهکاه مشهد بود. دیدار
این تیم در نیمه نخست ۱-۰ بسودایس
از بازیکنان اصفهان

طی یکدیدار دوستانه که بین دو تیم
بازیکان راه آهن و بابک شهرستان میانه
جام شد، تیم بابک با نتیجه ۲-۰ صاحب
روزی شد.

بازیکنان تیم بیروز عبارت بودند از :
میراحمد حسینی، میرزا فراتی،

خبرنگار دنیای ورزش - اکبر علیزاده



بیشتر ممنون میشویم
★ غلامرضا تختی قهرمان فقید کشتی جهان چند مدال طلا و نقره و برنز بدست آورده و عزیز اصلی عضو کدام تیم است.

محمد رضا شاه محمدیان
دو طایفه جهانی، یک طایفه المپیک، ه نفره جهانی و المپیک و یک طایفه آسیائی، عزیز اصلی هم بنظر میرسد فصل تازه در پرسپولیس باشد.

★ آقای رحیم معین الدین از راهنمایی شماسرا گزینم درباره ورزشی که اظهار فرموده‌اید در تدارک هستیم که برنامه آموزشی داشته باشیم اگر قادر هستید ما را کمک کنید متشکر خواهیم شد.

★ آقای اصغر رودانی حتما انجام خواهیم داد.

★ آقای غلامعباس بدری شهرستانی، من سید عباسی دوست شما از نامه رسیده سپاسگزارم، خیلی لطف دارید.

★ چرا عزیز اصلی که در سایه لطف شهبانوی عزیز مابخشیده شده است در تیم ملی فوتبال انتخاب نشده است.

تقریر - حسین شریفی عدم

اصلی بخشوده شده است. ولی باید در تیم باشگاهی بازی کند اگر خوب بود در تیم ملی جا گیرد و در این فصل با پرسپولیس او را خواهیم دید.

★ آقای علیرضا خسروی دوست محترم گذشته از این نامه که تاریخ ۴۹۹۰۷۷ دادید نامه دیگری به ما فرستاده و با وجود اینکه نوبت پاسخ به این نامه نرسیده لازم دانستیم شما را مطلع کنیم با اینهمه شماره های ۵-۴ را برای شما فرستادیم که در دوستی ما شک نکنید.

★ آقای هوشنگ پورمویسی - شما مثل پدر های روحانی میمانید ولی متأسفانه ما اینطور نیستیم ما روزنامه نگاریم وظیفه اجتماعی حکم میکند که گاهی علیرغم خواسته خود عمل کنیم.

★ آقای اسماعیل امیری خیمهای آماتور در اصل نباید حق بگیرند ولی... تیمهای ملی را هم معمولا یک هیئت یا یک مربی نام الاختیار انتخاب میکند.

★ چرا در کانادا «کوشی آبه» در وزن ۶۲ کیلو شرکت داشت؟ آیا «مورتا» را شکست داده و عضو تیم ملی ژاپن شده است؟ ضمنا آدرس محمد فرهنگدوست را برایم بنویسید.

در کشتی ژاپن مسئله برد و باخت برای تیم ملی کمتر مطرح است ولی بهرحال آبه را بهتر از «مورتا» تشخیص داده‌اند، برای فرهنگدوست به آدرس دنیای ورزش نامه بنویسید.

★ آقای رضی تقوی در همین شماره مدالهای مرحوم غلامرضا تختی را برای یکی از دوستان شما شرح داده‌ایم.

★ آقای رضا کولیوند - شماره های ۱۱-۱۲ هست ولی بقیه را نداریم میبخشید.

★ آقای حسین عنقا، باشگاههای فوتبال در تهران زیاد است به هر کدام علاقمندید شما را معرفی خواهیم کرد برایمان بنویسید یا یک بعد از ظهر بدقت مجله تشریف بیاورید.

★ آقای محمد فارغان اگر شما هم تیم وزنه برداری را انتخاب میکردید گروهی اعتراض داشتند ما نیاز داریم در هر وزن چند چهره امید داشته باشیم تا یکدیگر را تهدید کنند و این پشتوانه سبب شود که تیم در یک حد متعادل انتخاب شود.

★ آقای احمد اشرفی وایری - قلیچخانی در بازی ایران و کره حضور داشت و عکس مورد توجه شما نیز در پایان همان دیدار است.

★ آقای کیومرث هدایتی - مظلومی در تهران است و این فصل او را در تاج خواهیم دید، فرامرز ظلی هم پیراهن باشگاهش را عوض کرده و فعلا عضو تاج است تا آینده چه باشد!

★ آقای مصطفی اکبری یوسفوند - دوست محترم فدراسیون فوتبال اگر عادت داشت به پیشنهاد ها توجه کند، غم ما در بازگشت از بانکوک اینقدر زیاد نبود.

★ آقای سعید پناه آبادی - شوروی در بازیهای مقدماتی فوتبال ۱۹۷۰ ایرلند شمالی را در خانه خود ۲-۰ شکست داد و در بلغاست نتیجه صفر - صفر شد، در کیف ترکیه از شوروی ۲-۰ شکست خورد و در استانبول ۲-۱ شوروی پیروز شد.

★ آقای احمد پور ابراهیمی - دوست خوب ما متأسفیم که بنویسیم به همانطور است و اگر برایتان دشوار است یادآور میشویم ممکن است بایک جفت قالی ابریشمی داور بین المللی شد ولی مهم اینست که آدم را بازی بگیرند، اگر آدم باشد!!

★ آبادان آقای عبدالحسین جابری - دهنوی در آبادان است شما سلام ما را به ایشان برسانید درباره سایر خواسته های شما حتما تدارک خواهیم دید.

خانم افخم، به گمان ما با فوتبال نباید قهر کرد، چون اگر چنین کنیم، آنچه نیز وجود دارد از دست خواهد رفت، بهرحال این پیش آمده درحالی که واقعا سزاوار نبوده، امیدواریم تکرار نشود و شما هم کمک کنید با تشویق بیشتر و با دلگیری فراوان به قهرمانان، مسئولین فدراسیون هم بدون تردید، دیگر قادر نخواهند بود اینطور رفتار کنند.

★ چطور میشد، سپید خسروانی که طول دوسال نمیدانم شاید هم بیشتر اینطور قاطع در ورزش تلاش میکند، فدراسیون فوتبال را بعد از بانکوک عوض میکرد؟ رسیدگی یعنی چی؟

نصرت الله پوروزیان
از نامه ده صفحه‌ای شما این جملات را انتخاب کردیم، می بخشید صد ها نامه داریم که فقط نام فرستادگان آنها را مینویسیم، ولی جواب شما اینست که در کار ورزش ثبات لازم است، فدراسیون فوتبال اگر بپذیرد اشتباه کرده و درصدد باشد این تکرار نشود، کار حل شده است، زیرا از کجا که نفر بعدی بعد از مدتها تازه به این تجربه برسد؟ مهم اینست که واقعا درس بگیریم.

★ سپاسگزارم از همه شما، از صداقت شما و از روش سالم شما، امیدواریم این مجله همینطور پایدار بماند، راجع به کشتی تنها شما درست نوشتید و دیگران هم بعد از صد پس کوجه به شما رو کردند و از انتقادات فوتبال هم سپاسگزاریم ولی از بکس هم بیشتر بنویسید، دوچرخه سواری و بسکتبال هم برای ما مورد توجه است.

اصغر باباخانی
ما هم متشکریم در سلسله یادداشت های بانکوک شما راضی خواهید شد، چون کارنامه ورزش ایران در آسیاست.

★ مطالب ژیمناستیک را دنبال کنید، جودو و کشتی آموزشی و بعضی از مطالب شما که ادامه دارد و کوهنوردی گاهی هست گاهی نیست چرا؟

الیه رضوی
رسیدن خبر های مهم از ورزش جهان و رویداد های داخلی گاهی سبب میشود بعثت کمی صفحات بعضی اوقات مطالب را عوض کنیم، کشتی، ژیمناستیک و کوهنوردی مرتب خواهد شد ولی بعثت سفر آقایان سرشار - صنعتکاران و مهدیزاده به ژاپن برای دیدن دوره های تازه جودو، صفحه جودو مدتی نخواهیم داشت، صنعتکاران آمادگی داشت و برای ۶ ماه مطالب کشتی را تهیه کرد ولی سرشار خیلی گرفتار بود در بازگشت و شاید هم با فرستادن مطلب از ژاپن این صفحه رونق بگیرد.

★ خانم ها: فاطمه رهبری - شمسی مظلومی - مینا تلیانی - زینوس و ژایلا فرمند - پری صداقت پور - اقدس گردیچه - میمنت قوام - فاطمه صمدزاده - سودابه بهبهانی - منیر حق دار و فاطمه حسینزاده تبریزی نامه های شما رسید، سپاسگزاریم و اقدام خواهیم کرد.

★ دوشیزه جنت ذوالفقاری نوشته هایتان را بفرستید ممنون میشویم.

★ آقای کیوان عجمزاده - فقط چشم گفتن اگر شما را راضی کند، ما میگوئیم چشم، ولی رفیق ما بیشتر دوست داشتیم، دوستان ما منطقی باشند، دعا و زرد و خورد دردی را دوا نمیکند سلیقه‌ها مختلف است، شما اگر این را بپذیرید و به عقیده دوستانان احترام بگذارید ما

★ آقای حسین کاظمی دوست محترم سیاسی ما را بپذیرند برای پاسخ به نامه شما ما کم کاری نکرده‌ایم، هر روز نزدیک به ۷۰ تا ۷۵ نامه برای ما میرسد که در هفته بیش از ۳۰۰ نامه میشود و ما تنها قادریم به ۲۰ تا ۳۰ نامه جواب بدهیم، در تدارک هستیم شاید دو صفحه به پاسخ نامه ها اختصاص داده شود، اگر نشد، بوسیله پست به نامه ها جواب خواهیم گفت، می بخشید.

★ آقایان: سید کمال الدین حسینی، کورش بهپور حاجبانی، محمد رضا عاملی، غلام نبی شیخ، فیروز اصغری، رضا فریدونی، عباس نجومی، ناصر حاجی زاده، جکان، مجتبی کرپاسی، محمود صاحب، احمد هاشمیان، چنگیز عزیززاده، کیوان عجمزاده، غفار دردی اوتق، حسین ایلاتی، بهروز آمانی، مرتضی وفاخواه، برات علی سالاری، قاسم محبوب، خسرو خاکی، محمد جعفری، مهدی دلیریاد، بهرام صادقی، سیدحسن مصصومی اشکوری، بهرام زرین طرازیان، سید حسن موسوی، بهنام زرکش، حبیب الله نصیرزاده، عبدالله برونی، غلامعلی اسدیور، کیومرث تیموری، علیداد بیگلری، کاظم احمدی، حمید کیارشی نژاد، حسین عزیزی، سیدرضا حسینی، حسین شیروانی زاد و محمد سعادت زاد، سید محمد عمرانی، یوسف میر گلوی بیات، محمد پرهون، ناصر رحیمی، علی اکبر جعفری، اسماعیل حسینی پور، حبیب کیارشی نژاد، نواب شاه نظریان، نادر عطار، امیر صفا، عباس منفردزاده، صمد حقیقت، جواد دستوری، فریدون نجاتی، بهزاد نصرالهی، ایرج بخدانی، حسین کاظمی، حمید کریمی، منوچهر فریور، محمدباقر طاهری، عباس جناب، امیر مومن، علی کیهان فر، شهریار شش، کیان صادقی، هوشنگ نسیمی، نصرالله غلخانی، خسرو مرادخانی، شاهپور بهرامپوران، هوشنگ ماسوری، فیروز اصغری، عباس تشکری، رحمت خالدران، یاک ضمیر، ناصر رحیمی، شیراز عبدالحمید، مهدی اسدی، سردار اکبری، سید محمود شجاع الدین فرخی، مجید جنیدیان، محمود هزیران، منوچهر نیک نام، احمد آخه، جواد بارسینا، سید یدالله میری، اکبر حساسی، فرهاد شجاعی، محمد قنبری، حسین فلاح، ناصر برزینیا، قلیچ موحّد، محمد سلمان، سعید لطیفی، حسن مجیری تهرانی، جمشید حیدری، علی عدنانی، عبدالرسول نواج، محمد باقر میرزائی و محمود فرجی، حمید فرجی، حمید رضا پوربهرامی، احمد شیرآقائی، ناصر شاد کام، عباس منفرد، محمدعلی عطار، سید علی شریعتداری، سید محمد حسینی، اسدالله فنی کارپور، محمدرضا شیرانی پور، البرز موسوی، خسرو سلطانی، گوهرز شهنی، غلامرضا شهنی، ناصر شهلا، غفوری، روستای باغش.

نماینده‌ایم که برای هر شوال شما پاسخی جداگانه داده‌ایم، نامه های شما رسید، سپاسگزاریم و از راهنمایی هایی که فرموده‌اید بهره‌مند خواهیم شد، ضمنا آنچه خواسته‌اید بهرور انجام خواهد شد، یکبار دیگر بررسی می‌خواهیم در برنامه کارمان هست که صفحه پاسخ، را اضافه کنیم انشاءالله بیشتر گفتگو خواهیم داشت. متشکریم.

★ دلم دیگه مثل سابق برای فوتبال بیقرار نیست، آخه چطور میتوان به فوتبالی دل بست که بعد از آنهمه تلاش و عشق و افتخار با این چهره از بانکوک باز گردد، شما يك كاری بکنید، این که نشد زنگی.

مهری افخم

داخلی و خارجی بیشتر از او

اندازه گیری کنید نقطه روشن کار

ن ما در کادر فوتبال ملی بعد از جام چه بوده است؟

سفر به شوروی داشتیم با کادر جدید

ن در این سفر سه شکست با ۷ گل

۲ گل زده مقابل دینامو تفلیس

۱-۰ مساوی و ۱-۰ پیروزی

بدست آمد ولی بعد از اعزام تیم

ان به بازیهای جام عمران رسیدولی

ن یک تیم ماتور از آلمان بنام بایرن

میسلمان مابود چهره های برگزیده

ام عمران ۲ دیدار با این تیم قبل از

مشتند، ۱-۱ مساوی و ۱-۰ پیروزی

بدست آمد ولی بعد از اعزام تیم

ان به بازیهای جام عمران در ترکیه،

مهره هایی که بجا مانده بودند ۳-۱

یرن مونیخ در تهران پیروز شدند!!

گزیدگان در ترکیه به بزرگترین

ران مقابل ترکیه طول سال های

زدیک تن در دادند و با نتیجه ۴-۰

شدند.

دقیقه و چهار گل!!

دار در استادیوم ملی ترکیه در آنکارا

شدواین در حالی بدست آمد که

دقیقه ایران چهار گل از دست داد

ول ۴-۰ به پایان رسید و این قاپایان

اقی ماندو آنها که در ترکیه بودند

تیم و چگونگی شکست را بهتر

مجدد به شوروی نیز برای ما با

ت توام بود و در اولین سال جام دوستی

برگزیده فدراسیون در بازیهای حاضر

همین نتیجه را داشت شکست ۲-۰

اسپارتاک مسکو پیروزی های ۲-۱

ابل «مرسین یوردو» از ترکیه و تیم

اک کرد.

ای جام عمران سال گذشته نیز برای

طه روشنی نداشت با ترکیه ۱-۱ مساوی

و در سایه گل های بیشتری که به

تان زدیم درصدد قرار گرفتیم درجالی

تیم ترکیه در حد ملی نبود و گذشته از

بازی در سطحی انجام شد که همه شاهد

مسابقات جوانان آسیا را در حالی

رساندیم که یکبار سوم و یکبار حذف

م و بالاخره در سومین سفر تیم ملی ایران

وروی نیز کارنامه کار ما در همین حد

ناتمام

دنیای ورزش

صاحب امتیاز

مصطفی فرزانه

زیر نظر بیژن رفیعی

سر دبیر هادی علی مسعودی

جای اداره - خیابان خیام

موسسه اطلاعات

تلفن مستقیم - ۳۱۲۴۱۲

تلفنهای موسسه اطلاعات ۸۹-۱۱۰۷۱

پاپ: ایران چاپ (چاپخانه اطلاعات)

یادداشتهای بانکوک

او مربیان داخلی و خارجی بیشتر از او نبودند.

حالا اندازه گیری کنید

حالا اندازه گیری کنید نقطه روشن کار فدراسیون ما در کادر فوتبال ملی بعد از جام آسیایی چه بوده است؟

یک سفر به شوروی داشتیم با کادر جدید فدراسیون در این سفر سه شکست با ۷-۰ خورده و ۲-۰ گل زده مقابل دینامو تفلیس ۳-۱، آزارات ۲-۰ و نفتیانیک ۲-۱ مغلوب شدیم!!

بعدتوبت به بازیهای جام عمران رسیدولی قبل از آن یک تیم آماتور از آلمان بنام بایرن مونیخ میهمان ما بود چهره های برگزیده برای جام عمران ۲ دیدار با این تیم قبل از سفر داشتند، ۱-۱ مساوی و ۱-۰ پیروزی برای ما بدست آمد ولی بعد از اعلام تیم ملی ایران به بازیهای جام عمران در ترکیه، سایر چهرههایی که بجا مانده بودند ۱-۱ برتیم بایرن مونیخ در تهران پیروز شدند!!

برگزیدگان در ترکیه به بزرگترین باخت ایران مقابل ترکیه طول سال های دور نزدیک قن در دادند و با نتیجه ۵-۰ مغلوب شدند.

۱۶ دقیقه و چهار گل!!

دیدار در استادیوم ملی ترکیه در آنکارا انجام شد و این در حالی بدست آمد که طول ۱۶ دقیقه ایران چهار گل از دست داد وقت اول ۴-۰ به پایان رسید و این قاپان بازی باقی ماندو آنها که در ترکیه بودند آرایش تیم و چگونگی شکست را بهتر میدانند.

سفر مجدد به شوروی نیز برای ما با شکست تمام بود و در اولین سال جام روسی که تیم برگزیده فدراسیون در بازیهای حاضر شد نیز همین نتیجه را داشت شکست ۱-۲ مقابل اسپارتاک مسکو پیروزی های ۱-۱ را مقابل «مرسین یوردو» از ترکیه و نیم عراق پاک کرد.

بازیهای جام عمران سال گذشته نیز برای ما نقطه روشنی نداشت با ترکیه ۱-۱ مساوی شدیم و در سایه گلپای بیشتری که به پاکستان زدیم در صدر قرار گرفتیم در حالی که تیم ترکیه در حد ملی نبود و گذشتار آن بازی در سطحی انجام شد که همه شاهد بودیم.

مسابقات جوانان آسیا را در حالی که پایان رساندیم که یکبار سوم و یکبار دومی شدیم و بالاخره در سومین سفر تیم ملی ایران به شوروی نیز کارنامه کار ما در همین حد بود.

مسابقات جوانان آسیا را در حالی که پایان رساندیم که یکبار سوم و یکبار دومی شدیم و بالاخره در سومین سفر تیم ملی ایران به شوروی نیز کارنامه کار ما در همین حد بود.

افتخارات فدراسیون فوتبال

لااقل به مطبوعات دنیا نگاه کنید، امروز قهرمانان بزرگترین نشانه و مدال برای جوان ها هستند، پیش از هر سیاستمداری پیش از هر قهرمان جنگی و پیش از هر دانشمندی در جامعه دوستدار دارند، روی هر مجله و درون هر نشریه ای عکس های رنگی، زندگی آنها، خاطرات روزانه و هفتگی آنها شکل گرفته است.

آدمهایی در فوتبال هستند که با اندازه وزن همه نویسندگان ورزشی مجله مایول، دستمزد، سرقلمی و یادداشت دریافت میکنند!! وقتی بعد از یک شکست بازمی - گردند، جریمه و توبیخ نمیشوند، تیم انگلیس را در بازیهای ۱۹۷۰ و تیم برزیل را در بازیهای ۱۹۶۶ لندن به یاد آورید و بولی که قیمت تمام افراد تیم استاندازه گیری کنید، آنوقت برای «چندرقاز» حق ایاب و ذهاب فوتبالیست ها صحبت کنید و از باشگاه ها تقاضای جریمه آنها را داشته باشید.

درباره افتخارات فدراسیون فوتبال و دوران طلایی جام ها باید اعتراف کنیم که اشتباه شده است این فدراسیون فوتبال به وجود آورنده دوران طلایی فوتبال نبوده بلکه در حقیقت آنچه گذشته از پیروزی باشگاه ها بدست آمده و عموما با ناکامی همراه بوده است.

بیان نمایشگر واقعیت!!

بیان بهترین نمایشگر واقعیت است از بازیهای جام ملت های آسیا شروع می - کنیم سال ۱۳۴۷ در تهران، این دیدارها زمانی آغاز شد که رئیس فدراسیون فوتبال چند هفته ای بود به ریاست فدراسیون رسیده بودند مسابقات خوب انجام شد، شایسته است که از آن تجلیل کنیم، تبلیغات، نظم، استقبال مردم، همه و همه دلپذیر بود ولی بنگمان ما این دستگاه ورزشی مملکت بود که در آغاز کار برای اثبات لیاقت خود بیدریغ تلاش میکرد و باید آنرا به حساب سازمان گذارد.

ولی پیروزی چگونه بود؟ موجودیت گذشته مناسب آن شد یا اقدامات فدراسیون تازه؟ محمود بیاتی مربی آن زمان تیم که روی علی گلنار رفت، پایه های امیدبخشی که از گذشته بنا نهاده شده بود با قدرت، قاطعیت و انضباط در حالیکه مسائل روحی را سخت احترام میگذاشت به خدمت گرفت، آماده کرد و بهره برداری به آن شکل شد که دیدیم، قبل از او دیگران نیز سخت کوشیده بودند و در این پیروزی سهمی داشتند که حالا برای آنکه ما را متهم نکنند که میخواهیم از آنها تجلیل کنیم نامشان را زبان نمی آوریم. شاید هم ترس است؟! یا برای آنکه اصل مطلب در این میان فراموش نشود و بحث ما تغییرمسیر

بهر حال اشتباه در کار همه هست، کم و زیاد ما شما و همه افرادی که کار های کوچک و بزرگ دارند، بعضی اوقات کارهایی میکنند که بعدا راه بهتری را یا از دیگران و یا از «زمان» میاموزند.

بیاتی هم شاید چنین بود ولی بهر حال به آنچه امید داشت و برای همه آرزو بود بدست آمد.

دریچه تازه ای برای ورزش ایران گشود، و همه زیر لب گفتند پس از سال ها، حسابی و کتابی برای ورزش بوجود آمده است.

شما که با فوتبال دنیا آشنا هستید

خواننده ای تلفن کرده و می گفت: آقا چطور یک بستجی را برای ۲ ساعت دیر رساندن یک نامه مجزات می کنند ولی آدم هایی که با احساسات یک ملت با غرور جوانان ما و... بازی می کنند بدون حساب و کتاب دنبال کار خود میروند؟! و این چیز است که باید سخت به آن تکیه کرد.

آقای رئیس فدراسیون فوتبال شما که در انتخاب چهره ها دتارک آنها، استخدام مربی خارجی در فاصله ۲ ماهه بازی ها مختار و آزاد بودید! شما که سرطانی ها و باطلاتی های مطبوعات را انتخاب نکردید، شما که چهره های چون بهزادی، طالبی، وفاخواه، مهراب، مصطفوی، افتخاری، لواسانی، مظلومی و... را با کمال قدرت کنار گذاردید و به فریاد هیچکس گوش ندادید.

و اگر راجع به کلانی سخن گفته اید او انتخاب شده ای بود که خودتان در امجدیه اعلام کردید، آقای «توتو» تشخیص داده کلانی نیازی به آزمایش ندارد و او اولین انتخاب شده شما بود. با چنین خصوصیاتی چرا برایان دشوار است یکبار اشتباه و کم کاری فدراسیون را بپذیرید و مطبوعات، سرطانی ها، مسمومیت، دستبندی و... را برای تیره خود محکوم نکنید شما که با فوتبال دنیا آشنا هستید، شما که اظهار میکنید بهترین فوتبال شناس ایران هستید، چگونه میخواهید، مطبوعات آقای گل،

گفته است و سرانجام در پایان جریمه بازی کتان را از باشگاه خواسته و اینکه سر طلالی ها و باطلاتی ها تیم فوتبال ایران را «اوت» کرده اند، چرا که را مقصر شمرده که با انتخاب بهترین بازیکن، آقای گل و یاسر طلالی و باطلاتی در مورد آنها سروصدا راه انداخته اند و همین عنوان سرطانی و باطلاتی تیم ما را به نابودی میکشاند.

مصحح طلالی بود ولی آنچه ما به آن نیاز داریم همین است باضافه آنکه رئیس فدراسیون افتخار کرده است که دوران طلایی فدراسیونشان را فتح جامها لقب داده است و این دوران طلایی فوتبال ایران است.

دریچه ای تازه برای ورزش

برای پاسخگویی به هر کدام از این مطالب بحث های طولانی وجود دارد و در این ج چون یادداشت های بانکوک نقاشی می - شود زمانی برای این کار نیست ولی از آنجا که فوتبال اساسی ترین مطلب این یادداشت ها برای ورزش ایران خواهد بود تا چار کلیه رویدادها و آنچه را که در حاشیه می گذرد باید در نظر داشت.

در حاشیه همین مطالب سرپرست سازمان تربیت بدنی ایران در یک اجتماع همگانی شنبه گذشته ضمن گفتگو درباره بازیهای آسیایی بانکوک اظهار داشتند: ما باید اشتباهات خود را خوب بشناسیم شکست مادر فوتبال، شناور نه برداری قابل اطمینان نیست، بایستی علل و موجب آن هر چه هست روشن شود، بایستی علاقمندان به ورزش و بطور کلی همه مردم ایران در جریان حقایق امر قرار گیرند.

گفته های تیمسار سپید خسروانی

کلی-فریزر

چهل میلیون دلار درآمد این مسابقه بزرگ قرن خواهد بود، یعنی مبلغی معادل سیصد و بیست میلیون تومان! در حالی که محل مسابقه، استادیوم مادیسون اسکوئر کاردن نیویورک گنجایش بیش از بیست هزار تماشاگر را ندارد و درآمد بلیط فروشی استادیوم بیش از یک میلیون و ۲۵۰ هزار دلار نخواهد بود و بقیه درآمد مسابقه از راه فروش امتیاز بخش تلویزیونی مسابقه در سراسر جهان بدست خواهد آمد.

بر طبق تصمیم کمیسیون ورزشی نیویورک در شب این نبرد بزرگ همه کانال های مختلف تلویزیونی آمریکا حق خرید امتیاز بخش جریان مسابقه را دارند، تاکنون بیش از سی کشور از سراسر جهان نیز امتیاز بخش مستقیم جریان مسابقه را از راه تلویزیون خریداری کرده اند.

محمدعلی را برخورد دارد. واقع جنگ لفظی عجیبی بین این دو در این جلسه بظاهر مصاحبه در گرفته بود و مطابق معمول باز هم محمدعلی کلی با امتیاز فراوان فاتح این نبرد حرفی بود، چه هر چه باشد فریزر در این گونه جنگ ها تازه کار و مبتدی است!!

بهر حال بعد از این جنگ قبل از مسابقه باید در انتظار نبرد بزرگتر این دو در رینگ مسابقه در روز دوشنبه هفدهم اسفند ماه باشیم، نردی که بدون شک پردرآمد ترین مسابقه تاریخ مسابقات بوکس حرفه ای تا حال حاضر خواهد بود.

بخش مستقیم از تلویزیون!!

طبق محاسبه مسئولان مسابقه حداقل

برای موفقیت در ورزش...

پس از ترک فوتبال قصد دارید به چه کاری بپردازید؟ - الان نمیدانم، ولی فکرش را که میکنم می بینم واقعا دور از فوتبال بودن برایم جقدر سخت و طاقت فرسا است، چه تمام زندگی من تابحال در فوتبال خلاصه شده است.

چرا یک مدرسه دروازه بانی مثلا بنام خودتان باز نمی کنید؟

مدرسه امکان ندارد، چه مدرسه هر دروازه بان برای آموزش کار دروازه بانی همان مسابقات سال های اول کارش میباشد، این مساله را من از وقتی درک کردم که «آرکادی چرنیشوف» مرا به دینامو مسکو برد و مطمئن باشید بدون دینامو مسکو من هرگز یاشین نمی شدم.



صاحب امتیاز
مصطفی فرزانه
زیر نظر بیژن رفیعی

سر دبیر هدی-علی مسعودی

جای اداره - خیابان خیام

موسسه اطلاعات

تلفن مستقیم - ۳۱۲۴۱۲

تلفنهای موسسه اطلاعات ۸۹-۳۱۱۰۷۱

چاپ: ایران چاپ (چاپخانه اطلاعات)

سنگ

ن عنوان قهرمانی مورد بی‌مهری بسیار
کایان قرار گرفت ، لیکن در بازگشت
ن استقبال در خوریک قهرمان بزرگ
انجام شد ! استقبالی که به ترتیب
جای آلمان که «شملینک» قدم میگذارد
بعمل می‌آمد در هامبورگ ، در درسدن
برلن .

طنین عشق

نزدیک به یکسال «شملینک» در نقش
ان بی‌آنکه مسابقه‌ای در کار باشد
ی هنرمائی کرد تا اینکه سرانجام زن
ده قلب او طنین گرفت و با ستاره‌زیا
جیوب سینمای آلمان «آنی اوندرا»
اج کرد ، زنی که در اوج زیبایی و
بیت ، دوست‌داشتنی‌ترین ستاره زن
ای این کشور محسوب می‌شد .
ماه عسل را در اروپا گذراند و بعد
زندگی به «باواریا» بازگشت ، لیکن
بازگشت آغاز شروع مجدد کار
سنگ بود .

آلمان ، باواریا و درکنار همسری
ت‌داشتنی چون «آنی اوندرا» بهترین
ن برای گذراندن زندگی بود ، ولی
کار شملینک آلمان نبود ، او می‌بایست
امریکا باز می‌گشت ، چه تنها در
ریمین دلارها یک قهرمان رینگ می‌توانست
ن مسابقه هزاران هزار دلار درآمد
ب کند !

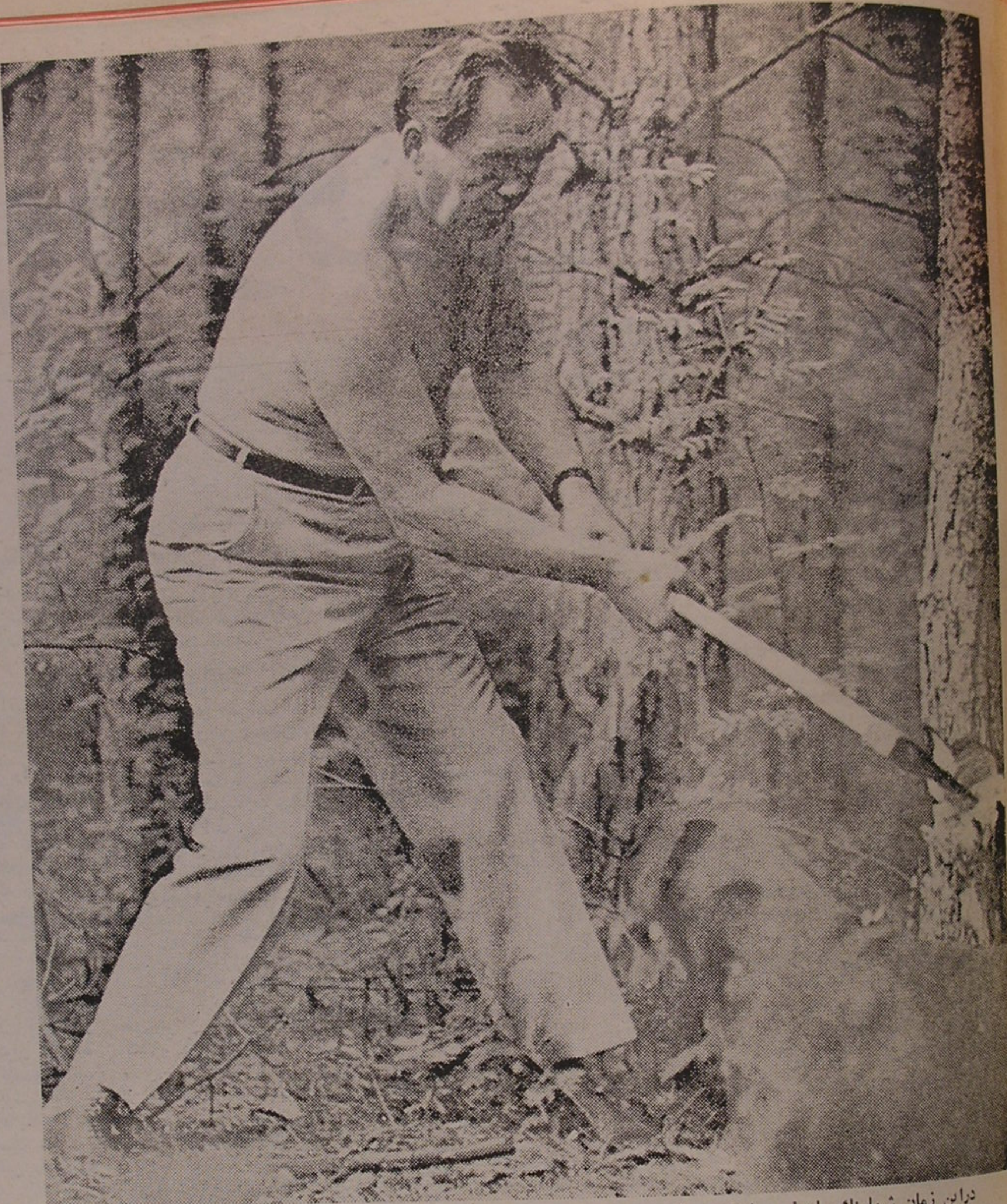
مقارن با بازگشت او به امریکا ،
عه دیدار مجدد او با جک‌شارکی خیلی
قوت گرفت ، چه این نبرد مجدد ،
بقه‌ای بود که عموم مایل به دیدن آن
ند تا میدانستند ، براستی مرد برتر بود
دو چه کسی است ، جک‌شارکی یا
کس شملینک ؟!

باوجود همه هیجانی که جامعه امریکائی
بخطرات نزدیک شدن نبرد مجدد جک-
رکی و ماکس شملینک دربر گرفته بود ،
جاکوبز مربی شملینک با این نبرد
تالفت برگزید ، او مطمئن بود که در
نین شرایطی رقت ماکس شملینک با
جته نبرد مجدد با شارکی یعنی مرد
نمی‌او در رینگ و ایمان داشت که جک
کی به حکومت شملینک پایان خواهد
د !

کم طاقتی پدرها !!

درعین حال جاکوبز میدانست حفظ
چه بیشتر عنوان قهرمانی ضامن درآمدی
لان برای او و شملینک خواهد بود ،
باین برخلای انتظار همگانی شملینک
ای نخستین دفاع خود از عنوان قهرمانی
ن دیدار با شارکی تن درنداد و بوکس
یوان دیگری موسوم به «ویلی استریلینک»
عنوان اولین حریف او در این دیدار برزید
د .

«استریلینک» در عین اینکه بوکس
جوانی بود عنوان سنگینی را بنوش می‌داد
توان قهرمانی مسابقات جوانان قلم
ریکا ! او بوکسوری بود خوش قامت ،
برزیده ، پرو خور و . ولی کسی
بهر کم تجربگی مشتبه‌ای از جانب
سراجمان و شکستی بنظر میرسید و
امریکائی که از ناکاوت شدن میگریخت ،



در این زمان شملینک میلیونر سرشناس و قهرمان سالخورده آلمان برای آنکه از دنیای ورزش خارج نباشد سرگرمیهائی این
چنین دارد ، همزمان شگنی ، کوهنوردی ، راه‌پیمائی و دیدار مسابقات بوکس و فوتبال .

از فرط خشم و عصیانیت حتی حاضر به
سربه‌نیمت کردن بوکسور آلمانی بودند !
گوینده نتیجه مسابقه پس از چند لحظه
که از پایان مسابقه گذشت اودان سه داور
مسابقه را بدقت بررسی کرد و در یک
لحظه سرعت میگردان را که در نزدیکی‌اش
قرارداشت پیش کشید و با ندادن نتیجه مسابقه
را طبق نظرداوران اینطور اعلام کرد :
- برنده مسابقه و نایب جدید عنوان
قهرمانی بوکس دسته سنگین وزن جهان
«جک‌شارکی»

بمجرد اعلام این نتیجه مسابقه ، تماشاگران
به حیرت افتادند ! دهان شملینک همانطور که
خنده بر لب داشت از تعجب باز ماند ! او بی
اختیار به «جوجاکوبز» مربی‌اش که در
کنار رینگ ایستاده بود خیره شد ! جاکوبز
نیز خود از این نتیجه به شکلی عجیب شوکه
شده بود ، بقدری که قدرت حرف زدن از او
سلب شده و ماکس شملینک نیز بحال گریه
افتاده بود !

سرانجام جاکوبز به فریاد آمد و همچون
حیوانی وحشی بداخل رینگ پرید و باتمام
قدرش داد زد :

این یک توطئه است !

قهرمان مظلوم

خبرنگاران نیز عین این گفته «جاکوبز»
را به عنوان تیتراول روزنامه‌های خود در این
مورد درج کردند و این خبر براسر دنیا
مخابره شد تا اینکه بالاخره کمیسیون
مسابقات بوکس حرفه‌ای مجبور به رسیدگی
به نتیجه این مسابقه گردید ! و افعا توطئه‌ای
انجام شده بود و حالا عنوان ماکس شملینک ،
قهرمان بوکس دسته سنگین وزن جهان
شده بود ! درست بهمان کیفیت و صورتی که
مرد محبوب شملینک یعنی جک‌دمپسی نیز با
آن مواجه شده بود .

در این حادثه با وجود توطئه‌ای که
علیه ماکس شملینک صورت گرفته بود ، او
سودی برد که شاید دهها پیروزی اینطور و
این چنین موجب تغییر موقعیتش نمیشدند .
چه در این حادثه او یک قهرمان مظلوم تلقی
شد و همین مساله موجب تغییر نظر مردم نسبت
به او و درجهت عکس کسب محبوبیت برای
او بود .

این بار نیز وقت‌سوار شدن به کشتی که
مطابق معمول از بندر نیویورک اورابه آلمان
می‌برد ، باز هم دلارهای امریکائی وزنه‌های
سنگین داخل جمدانهای او بودند ، ضمن
آنکه با بدرقه‌ای گرم مردم امریکا او را به
آلمان فرستادند و در کشورش ، استقبالی

برشکوهرتر از همیشه از او انجام شد .
شملینک نازیسم !!

شهرت و محبوبیت ماکس شملینک پس از

شکست غیرقانونی‌اش در برابر جک‌شارکی
که همه‌اورا قربانی یک توطئه می‌دانستند به
قدری زیاد وزیادتر شد که در آلمان آن
زمان ، سرانجام حتی هتلر مجبور به تجلیل
از قهرمان بزرگ و ملی کشور شد و از او
برای صرف شام در کاخ اختصاصی خود
دعوت کرد .

ولی صرف شام مشترک با آدولف هتلر
رهبر آلمان نازی ، قهرمان بزرگ رینگ را
درخطر نازده‌ای قرار داد . هتلر در این دیدار
از ماکس شملینک خواست که او نیز به
جرگه یاران او بپیوندد و از آن روز به بعد
او نیز یک نازیسم باشد !! چیزی که خیلی
زود شملینک نسبت به آن احساس تنفر و
انزجار کرد !

این بار اقامت شملینک در خانه سه ماه
بیشتر بطول انجامید و او خیلی زود باردیگر
به امریکا بازگشت ، اولین نبرداو در نیویورک
وبایک امریکائی میکی والکر بود «ماکس
شملینک» ازخشم شکست اجباری در برابر
«جک‌شارکی» آنطور حریف خود را این‌بار
زیر باران مشتبه‌ایش فرار داد که اگر در
روند هشتم داور مسابقه به نبرداو خانه نمی
داد ، چه بسا میکی والکر جان خود را در
این مسابقه از دست می‌داد ! ادامه دارد

ماکس شملینک بود ، شملینک با مهارت
خاصی در اندیشه ذخیره قدرت خود بود و این
شیوه نبرد دوگانه‌ای او از اواسط مسابقه
بعد صحنه مبارزه را در رینگ عوض کرد ،
حالا دیگر مهاجم شملینک بود و مدافع
جک‌شارکی !

جک‌شارکی با توطئه !!

زمانیکه کیفیت مسابقه از این جهت تغییر
کرد ، جک‌شارکی برتری بسیاری از نظیر
امتیاز بر ماکس شملینک داشت ، لیکن تلاش
شملینک زمانی با پایان روند پانزدهم مسابقه
پایان یافت که او مطمئن بود ضربات پی‌در
پی او در روند های آخر بر شارکی ، امتیازات
لازم را برای کسب پیروزی ، بسود اوجمع
کرده‌اند !

ماکس شملینک تا قبل از این دیدار
همیشه در آرزوی کسب این پیروزی بود .
اومی خواست بهر شکلی شده با شکست
فانونی جک‌شارکی نشان دهد که او واقعا مرد
برتر رینگ در آن زمان است .
لحظه‌ای که مسابقه پایان یافت ، ماکس
شملینک باطمینان بخاطر پیروزی لیختندی
رضایت بخش بر چهره داشت ، در حالیکه در
آن لحظه تماشاگران نیز با اطمینان به برد او

در آخرین لحظات روند پانزدهم داور مسابقه
جوج بلیک ، مسابقه را قطع کرد و پانزدهم
دست ماکس شملینک بعلامت پیروزی بالا
رفت . در شب ۲۱ ژوئن سال ۱۹۳۳
سرانجام جک‌شارکی و ماکس شملینک برای
انجام دیدار انتقامی خود از پله های رینگ
بزرگ استادیوم مادیسون اسکوائر گاردن باول
«لانک آیلند سیتی» بالا رفتند . از روز ها قبل

از این مسابقه بازار شرط‌بندیها داغ شده بود
و در این میان شارکی هنوز با نسبت شش به
پنج امید اکثریت برای کسب پیروزی بودو
در میان همه تماشاگران ، خیلی اندک بودند
کسانیکه بفع «ماکس شملینک» شرط‌بندی
کرده بودند .

در حالیکه روزنامه‌های عصر همان روز
ضمن قلمفرسائی در مورد این نبرد بزرگ ،
بهترین قوت قلب ممکن را به شملینک داده
بودند و آن این بود :

«شملینک ، جک‌دمپسی آلمان امشب بار
دیگر به رینگ می‌رود !

از لحظه آغاز مسابقه بازهم نیویورکیها فقط
یک آرزو داشتند پیروزی جک‌شارکی
در حالیکه جک‌شارکی از همان لحظات نخست
با تلاش سنگینی در پی ناکاوت کردن

«استریلینک» ، ۱۸ پیروزی با ناکاوت
در ۱۸ مسابقه گذشته‌اش بود ! اما
«جوجاکوبز» میدانست ، شارگداو سنگین‌تر
از آنست که جوجه از راه رسیده‌ای چون
استریلینک حتی قادر به ناراحت کردن او
باشد ، خصوصا اینکه میدانست مربی «ویلی
استریلینک» پدرش می‌باشد و بازهم میدانست
پدرها خیلی کم طاقت فرزند خود را
نارند !

آرزوی سقوط بت بیگانه !!

سرانجام شب مسابقه شملینک و استریلینک
سوم جولای سال ۱۹۳۱ فرارید و در
استادیوم «مونیسیپال» کلیولند ، این دو
در برابر هم قرار گرفتند .

فقط در آرزوی یک چیز بودند ... سقوط
آغاز مسابقه ! بت آلمانها ! ... ولی از همان
تماشاگران روند به روند ناراحتی و خشم
برابر قدرت بیشتر و بیشتر میشد ، چه در
پنجاه تازده مشتبه‌ای سنگین ماکس شملینک
خیلی نجف و شکستی بنظر میرسید و
سرانجام باوجود همه تلاش بوکسور جوان
امریکائی که از ناکاوت شدن میگریخت ،

افسانه سلاطین رینگ

۱۹

قبلا خواندید که ...

در همان زمان که لوئی پانزدهم در فرانسه بدرود حیات گفت در انگلستان اولین قهرمان سنگین وزن بوکس جهان بنام جیم فیکر تاجگذاری کرد. پس از او و قهرمانان دیگری چون جک بروتون، جک اسلاک و گوسی در ۲۱ ژوئن سال ۱۸۸۰ برای نخستین بار عنوان پرشکوه قهرمان بوکس سنگین وزن دنیا از اروپا به آمریکا برده شد و در آمریکا بزودی مردی بنام جان سولیوان سلطان بدون رقیب رینگ لقب گرفت.

پس از او این عنوان به جو کوریت، باب فیت سیمونز، جیم جفریز، تومی پرز، جک جانسون، جسی ویلارد، جک دمپسی و جین تونی رسید. جین تونی در عین حکومت بر رینگ عرصه مبارزات را ترک گفت و در ۱۳ ژوئن سال ۱۹۳۰ این عنوان بیک آلمانی موسوم به ماکس شملینک رسید و این داستان زندگی اوست.

طی این مدت بکارهای زیادی پرداخت. کار در مینرک، باربری، زراعت، کارگری معدن و بسیاری کارهای دشوار دیگر، ولی ماکس شملینک کسی نبود که زیر بار سنگین این کارهای سخت از پای درآید.

۱۸ ساله بود که به شهر مولهایم رفت و در اینجا برحسب اتفاق در یک باشگاه ورزشی اسم نوشت و همین جا بود که برای اولین بار از او خواستند برای انجام یک مسابقه بوکس برینگ برود.

در این مسابقه بجهت بی تجربگی شکست سختی خورد. ولی همین شکست موجب شد که برای آموختن بوکس تلاش بی‌گیری را آغاز کند.

۹ پیروزی از ده دیدار

او آنقدر در این راه با تلاش بسیار تمرین کرد تا زمانیکه خود اندیشید برای انجام اولین مسابقه آمادگی لازم را کسب کرده است این زمان سال ۱۹۲۴ بود.

در اندک مدتی او موفق به کسب عنوان قهرمانی باشگاهش در «کولونیا» گردید و در این زمان واقعا هیچ حریفی برای خود نمی شناخت.

در اولین سال آغاز مسابقات، او از ده مسابقه ای که انجام داد صاحب نه پیروزی شد و تنها باختش در برابر جک دمپسی بود که تنها یک روند در برابر او تاب مقاومت آورد!

لیکن بعد از مسابقه با دمپسی که در کلن انجام شد، جک دمپسی ماکس شملینک را به هلش برد و با صمیمیتی خاص به او گفت:

«پسر تو روزی بوکسوری پرارزش خواهی شد! تنها بیاد داشته باشی ترتیب تمرینات را از دست ندهی».

البته این نصیحت «جک دمپسی» برای ماکس شملینک چیزی نبود که برای اولین بار به شملینک گفته شده باشد ولی شملینک جوان نصیحت مرد بزرگ رینگ را هرگز از یاد نبرد و برای او گفته های جک دمپسی پرازشترین رمز برای رسیدن به روزهای پرافتخار آینده بود.

بدنبال تلاشهای خستگی ناپذیر ماکس شملینک در راه رسیدن به آنچه که در راه قهرمان شدن در رویا برای خود می‌پوراند،

سال بعد او عنوان قهرمانی بوکس دسته سنگین وزن آلمان را نیز بجمع عنوان های خود افزود و حالا زمانی بود که او به افتخارات بزرگتر می‌اندیشید و آن عنوان قهرمانی بوکس دسته سنگین وزن جهان بود. باین

در پایان دومین دیدار شملینک - جک شارکی در حالیکه شملینک پیروز بود، توطئه ای شکل گرفت و جک شارکی پیروز اعلام گردید!!

سرانجام هیتلر به تجلیل از قهرمان ملی آلمان برخاست، او را برای صرف شام به کاخ اختصاصی خود دعوت کرد و از ماکس خواست بجرگه یاران او بپیوندد!!

خاطر او می‌بایست به آمریکا میرفت، سرزمین مردان بزرگ رینگ، چه از سال ۱۸۸۰ که عنوان پرشکوه قهرمانی بوکس دسته سنگین وزن جهان از اروپا به آمریکا رفته بود، هنوز هیچ بوکسور اروپایی موفق به بازگرفتن این عنوان نشده بود.

سرانجام در سال ۱۹۲۸ ماکس شملینک با کسب ۳۹ پیروزی از ۴۰ مسابقه حرفه ای اش در اروپا، بارویای طلایی که در سر داشت آلمان و اروپا را ترک کرد و به آمریکا رفت. ماکس شملینک در ورود به آمریکا با انجام اولین مسابقه اش انتظار زیادی کشید، چه در ۴۳ نوامبر سال ۱۹۲۸ در نیویورک اولین مسابقه خود را برگزار کرد و جمعیت نخستین فریانی او در آمریکا بود. ماکس شملینک پس از این پیروزی و

چهار پیروزی آسان دیگر هنوز بدون مربی بمیدان مسابقات قدم می‌گذاشت، لیکن سرانجام کسی با این عنوان در سر راه او قرار گرفت.

جوجاکوبز مربی شملینک خیلی زود با عادات و خصوصیات شاگرد آلمانی خود خو گرفت و پیروزیهای پی در پی ماکس شملینک بر جوجاکوبز، پیترو کوری، جانی-ریسکو و راتولینوا و زکودون او را بر این داشت که اولین نبرد پراهمیت شملینک را در آمریکا ترتیب دهد.

نبرد حیاتی شملینک

روزی که «جاکوبز» نام حریف بعدی شملینک را به او گفت، بوکسور قدرتمند آلمانی باورش نمیشد، باین زودی اعتبار او آنقدر بالا رفته باشد که حریفی چون جک شارکی حاضر به نبرد با او باشد!

«جاکوبز» این مساله را خیلی خوب برای شملینک روشن کرد که پیروزی پرشارکی یعنی فتح تاج قهرمانی مسابقات بوکس دسته سنگین وزن، تاجی که با رفتن جین تونی عملا تا آن موقع بی صاحب مانده بود!! اما بهر حال برای شملینک برد یا باخت در این مسابقه، نبردی بس حیاتی در پیش

داشتن عنوان قهرمانی مورد بی‌مهری سایر آمریکاییان قرار گرفت، لیکن در بار دیگر به برلن استقبالی در خور یک قهرمان بزرگ از او انجام شد! استقبالی که به نرس بمهر کجای آلمان که «شملینک» قدم می‌گذاشت از او بعمل می‌آمد در هامبورگ، در برلین و در برلن.

طین عشق

نزدیک به یکسال «شملینک» در قهرمان بی‌آنکه مسابقه ای در کار باشد یخوبی هنرنمایی کرد تا اینکه سرانجام عشق در قلب او طنین گرفت و باستازینا و محبوب سینمای آلمان «آنی اودرا» ازدواج کرد، زنی که در اوج زیبایی و محبوبیت، دوست داشتنی ترین ستاره زن سینمای این کشور محسوب می‌شد.

ماه عسل را در اروپا گذراند و برای زندگی به «باواریا» بازگشت، لیکن این بازگشت آغاز شروع مجدد در شملینک بود.

آلمان، باواریا و درکنار همسر دوست داشتنی چون «آنی اودرا» بهترین مکان برای گذراندن زندگی بود، ولی محل کار شملینک آلمان نبود، او می‌بایست به آمریکا باز می‌گشت، چه تنها در سرزمین دلارها یک قهرمان رینگ می‌توانست بایک مسابقه هزاران هزار دلار درآمد کسب کند!

مقارن با بازگشت او به آمریکا، شایعه دیدار مجدد او با جک شارکی خیلی زود قوت گرفت، چه این نبرد مجدد، مسابقه ای بود که عموم مایل به دیدن آن بودند تا میدانستند، براستی مرد برتر این دو چه کسی است، جک شارکی یا ماکس شملینک!!

باوجود همه هیجانی که جامعه آمریکایی را بخاطر نزدیک شدن نبرد مجدد جک شارکی و ماکس شملینک دربر گرفته بود جوجاکوبز مربی شملینک با این نبرد مخالفت برگزید، او مطمئن بود که در چنین شرایطی رفتن ماکس شملینک به صحنه نبرد مجدد با شارکی یعنی مرد حتمی او در رینگ و ایمان داشت که جک شارکی به حکومت شملینک پایان خواهد داد!

کم طاقتی پدرها!!

در عین حال جاکوبز میدانست حفظ هرچه بیشتر عنوان قهرمانی ضامن درآمدی کلان برای او و شملینک خواهد بود، بنابراین برخلاف انتظار همگانی شملینک برای نخستین دفاع خود از عنوان قهرمانی اش به دیدار با شارکی تن درداد و بوکسور جوان دیگری موسوم به «ویلی استریلینک» بعنوان اولین حریف او در این دیدار برگزیده شد.

«استریلینک» در عین اینکه بوکسور جوانی بود عنوان سنگینی را بدوش می‌گذاشت عنوان قهرمانی مسابقات جوانان را بر سر آمریکا! او بوکسوری بود خوش قامت، ورزشکار، پرخور و ولی کمی تجربه یا بهتر کم تجربگی مشتبه اش بهترین خصوصیت او برای انتخابش از جانب جاکوبز بعنوان اولین حریف شملینک بود!

در عین حال یک امتیاز پرهیاهوی دیگر

پاریس سبب شد که
یونانیان حمله کنند و
شماره را برانگیخت!!

تن، نیزه منلائوس
را درید، پولاد جامه
سافت و پهلوش را

شوند، بگرمی استقبال خواهد کرد
برای بازگو کردنش آمده اند تا
با تاملی چون مهمانان عزیز در تروی

پس شرمگین شده بود!

پس خاموش ماند گوئی از گفتن
ن براند شرمگین و آزرده خاطر
پس و سریع ادامه داد:

روایت شبانه به قصر پرایم بروی دور
ستادگان یونانی حمله کنند و آنها
میتان یافتند که دیگر نفس برمی

گوشه شهر رفته و در بین مردم خبر
فید و سپس شرح آنچه انجام داده اند
ای تیر بندید و از بالای برج تیر

پ کنند تا آنها نیز از خبر کشته
شگاه شوند.

ظهاری خاموش بفکر فرو رفت و بعد
ایش بشدت با رتعاش افتاده بود گفت:
ان از شومی و قبح آنچه میخواهند

گاهند؟
ناراحت پارا بزمین کوفت و غریب:
رمای نیست، باید آنچه را که بانو

بازگو کردنش حتی نزد نزدیکترین
ئی، میخواهم تنها من و تو و چندتن
برای کشتن فرستادگان آگاممنون

راز آگاه باشیم، و سپس برای رفع
های دیگر آزر را از روی میز
پرتاب کرد.

سرعت برداشت و زیر لب گفت:
سته ای انجام خواهم داد امیر جوان
که برایت انجام میدهم هرگز از یاد

زده را بگشایید.

مافت کسی در آن حوالی نیست، بدون
پس باشد، بدون صدا از میان در
سریست.

پس و پهلوان دیگر یونانی که
پیا و زریقت خود و بدون شمشیر و
بیرون آمدند و هر یک به همراه یکی

که شلاق دراز و زیبایی بدست گرفته
از پناه بزرگ و درخشانی که هر کدام
روسته شده بود راه افتادند و لحظه ای

هوا گردش کرد و گرده اسبان را
پیر سم اسبان کوبیده شد و خیمه ها
از نظر پنهان گشت، و تروی نزدیک

استادانی که بر بالای برج گام
اراد پانک رسا و پرتوانشان برخاست:
از یونانیان بطرف ما می آیند، گمانها

سلح نیستند، آنها از فرستادگان
پهلوانان به جلوی در بزرگ و پولادین
منلائوس بدون آنکه نام خود را دیگر

و کند، نکبانان را مخاطب ساخت
پاکشاید، برای دیدن پرایم دلیر

آمده ایم، ما از آگاممنون فرمانده کل سپاه یونان
پایم داریم که باید به شخص سلطان بازگو کنیم.

در قصر پرایم

در بزرگ و آهنگین آهسته بالا رفت تاباندازه گذر
چهار ارباب سوار زیر آن جایی گشوده شود و در این
هنگام باردیگر شلاقها صفیر زدند و اربابها به حرکت
درآمدند و از زیر در گذشتند، و باردیگر در بسته گشت و

دوسوار که آماده براسپ ایستاده بودند، چهار فرستاده
آگاممنون را درود گفتند و آنها را بطرف قصر پرایم
راهنمایی کردند.

آن روز وقتی چهار مرد به قصر پرایم وارد شدند
همانطور که پاریس پیش بینی کرده بود، «پرایم» پیر
با گرمی و مهربانی از آنها استقبال کرد و بلا درنگ
نورای سلطنتی را تشکیل داد، در این شورا تمام

پهلوانان و سرداران تروی برگرد پرایم جمع آمدند و
سخنان اولیس و منلائوس و دوتن دیگر پهلوان یونانی
را شنیدند.

منلائوس و اولیس خود را معرفی نکردند و تنها خود
را فرستادگان آگاممنون خواندند آنها آنچه راکه
مشاور آگاممنون شب پیش در گوش اوزمه کرده بود

باز گفتند و افزودند که اگر پرایم هلن و فرزندش را به
آنها بازگرداند، آنها در عوض مقدار زیادی طلا و
جواهر به آنها خواهند بخشید و بدون هیچ جنگ و

خونریزی باز خواهند گشت.

در تمام مدت پاریس چنان ببرخزم خورده ای به سخنان
یونانیان گوش میکرد و بخود میپیچید، پس از پایان
گرفتن پیام، همه ای گنگ تالار را فرا گرفت و باز

گروهی از سواران و دلیران بطرف داری با یونانیان و گروهی
دیگر به مخالفت با آنها برخاستند.

پرایم که این دودستگی را نشان ضعف و زبونی
سرکردگان لشکری و کشوری خود میدانست تاب نشستن
راز دست داد و پانهایی همه را فرمان به سکوت داد و

سپس از فرستادگان آگاممنون خواست تا در کاخ او
استراحت نمایند تا او پس از اندیشه ای کامل و مشورت
با یاران خود، جواب پیامشان را بازگوید.

اولیس مرد نقاب دار را کشت

ساعتی بعد اولیس و منلائوس و دومرد دیگر، هر یک
به تنهایی به اطفاهایی راهنمایی شدند و در انتظار شنیدن
پاسخ پرایم ماندند و جامهای شراب گوارای تروی را بالا

کشیدند و چون شب فرا رسید خسته به بستر رفتند.
در این هنگام سه مرد نقاب زده که تمام بدن خود
را در زره آهنی تیره پوشانده بودند، چالاک و سریع خود

را به راهرو بزرگ قصر رساندند و دور از چشم نکبانی
که طول راهرو را میپیمود، در لحظه ای مناسب از پناه
مجموعه های بزرگ سنگی بیرون جستند و در اتاقهای

منلائوس، اولیس و دومرد دیگر را گشودند و چنان
نمایی بوسه بدرون خزیدند و تیغهای تیز و زهر آگین
خود را در دست فشردند.

اولین کسی که توانست به تخت خواب فرستادگان
نزدیک شود همان مردی بود که بملاقات پاریس رفته بود
او تن را با دوست بالابرد و باتمام نیرو برآمدگی که

زیر دیووش تخت قرار داشت و او آنها هیکل اولیس
گرفته بود فرود آورد. تیغ با صدای خشکی در نرمی
بالش فرو برد و تخت فرود آمد و درست در همان لحظه

پیش از آنکه مرد بخود آید و بداند بواقع چه شده است
برق خنجر زیر نور ضعیف ماه که از پنجره بدرون
منیاید درخشید و مرد نقاب دار فاله ضعیفی کرد و روی

میرهای راهرو فرو افتاد.

تیمی لبهای اولیس را پوشاند، خنجر خونین خویش
را با لباسهایش پاک کرد و بعد بالش را که در اثر ضربه
مرد سوراخ شده بود برداشت، بوسه ای بر آن زد و گفت:

اگر ترا بجای خود نمیکذاشتم حالا خون تخت مرا
پوشانده بود.

بازگشت بسوی اردو !!

سپس سریع و چالاک از اتاق بیرون دوید و با لکه
چپید. با سوارانی که در راهرو بودند با دیدن اولیس
نشانهای بطرف اتاق منلائوس دویدند و با صدای بلند از

هنگامی که اولیس وارد اتاق منلائوس شد، مرد
یونانی دومی خود را بکنار تخت خواب پهلوان خفته
رازد، ولی از شنیدن باز شدن در و صدای گامهای

پهلوانان فوراً خنجر را بکنای انداخت و بکنار پنجره اتاق
میان در فریاد او بهوا برخاست و او با شدت بروی سنگفرش

کوچه باریک کنار قصر کوبیده شد و ناله اش بگوش
رسید.

منلائوس خواب آلوده در میان بستر خویش نشسته
و هنوز نمیدانست چه شده است، که صدای ضجه درد -
آلودی در قصر پیچید. منلائوس و اولیس به همراه نکبانیان
بسوی اتاق دیگر دویدند و وقتی در را گشودند، پیکره

خونین سردار یونانی را دیدند و همچنین سومین مرد
نقاب پوش با استفاده از فرصتی مناسب از پنجره گشوده
قصر گریخت.

در یکدم خون در رگهای منلائوس و اولیس بجوش
آمد و آنها با گامهای تند و سریع سردار دیگر یونانی
را بیدار کردند و پیش از اینکه توضیحی باو بدهند از او

خواستند جامه بر تن کنند و هر سه در مقابل دیدگان
حیرت زده نکبانیان از قصر خارج شدند، سوار بر ارباب
های خود گشته و همان شبانه با دلی لریز از کینه و خشم

بسرعت راه بازگشت به اردوی یونانیان را در پیش
گرفتند.

نبرد تن به تن !!

صبحدم، در تروی و در اردوی یونانیان سخن از
ماجرای خونین شب پیش بود، تروئیها همراه با تاسف
و یونانیها همه با خشم و نفرت از آن ماجرا سخن

میکفتند.

خورشید تازه بر قله کوه نشسته بود که آگاممنون
از چادر خود بیرون جهید و فریاد زد:

شما ای مردان دلیر از کینه توزی و حيله شرم آور
تروئیها آگاه هستید، آنها به فرستادگان ما حمله بردند
و میخواهند آنان را سر ببرند، حال وقت آنست که

تیغها را از نیام برکشیم و چنان درسی به آنها بیاموزیم
که هرگز فراموش نکنند، در ضمن معايد تروئیها که
مشف و اطراف دیوار شهر قرار دارد پراز دختران زیبایی

است که انتظار شمارا میکشند.

غریو و هلهله پهلوانان یونانی بگوش میرسید و آنها
گروه گروه بطرف اربابها و اسبان و سلاح خود دویدند
و در انتظار فرمان امیران خود در صفوف منظم فشرده

بر جای ماندند، ولی در همین دم درست در لحظه ای که
آشیل کلاه خود بزرگ خود را هنوز در دست داشت، دروازه
تروی باز شد و گروهی از سواران و رزمجویان تروی در

حالی که پاریس پیشاپیش آنها اسب میتاخت بطرف اردوگاه
یونانیان بحرکت درآمدند و چون نیمی از حد فاصل راه
را پیمودند، سواران از اسبها پیاده شدند و در يك خط

مستقیم بر جای ایستادند، این طرز صف آرائی برای
رزمجویان شناخته شده بود و مفهوم خاصی داشت که
همگی از معنی آن آگاه بودند و آن آمادگی برای يك

آماده ام پاریس

شب قبل پاریس، تمام مدت دیده بر هم نگذاشته
بود و از آنچه دستور انجامش را داده بود پشیمان و دل

زده و از شدت ناراحتی قرار را از دست داده بود، ولی
چون دیگر چاره ای برای جلوگیری از حمله مردان
نقابدار به فرستادگان یونانی نداشت از بیم شرمساری

خود و نگوشت دیگران نمیتوانست بقصر رفته و آنها را
از خطر برهاند و ماجرا را بازگو کند. ناچار لب فرو
بست.

چون صبح از چگونگی ماجرا آگاه شد، تصمیم
گرفت راه تازه ای را که اندیشیده بود پیش گیرد و برای
جلوگیری از جنگ هنگامی که منلائوس بخواند و آماده

به نبرد تن به تن برخیزد و اگر منلائوس در حین نبرد کشته
شد و مغلوب گردید هلن از آن پاریس شود و در غیر
اینصورت منلائوس هلن را با خود ببرد.

پاریس با دیدن منلائوس تصمیمش را با صدای بلند
گفت، منلائوس که از پیشی جامه رزم پوشیده و آماده
بیرونی بود همراه با گروهی از سواران خود بر اسب

جست و بسوی پاریس تاخت و لحظه ای که مقابل او رسید،
در فاصله ای معین از سواران او بطوریکه میدان کافی
برای نبرد داشته باشد قرار گرفت.

در یکدم صفی از سواران یونانی مقابل تروئیها
ساخته شد و منلائوس از اسب بزیر آمد، کلاه خود خود را
بر سر استوار کرد سپس زوین بلندش را بدست راست

و سپر سیاه و بزرگش را در دست چپ گرفت و بانگ
زد:

آماده ام پاریس، روزگاری است که انتظار چنین
لحظه ای خواب و آرامش را از تن من ربوده بود.

نیزه منلائوس

در بالای دیوار تروی که بر میدان رزم منلائوس
و پاریس مشرف بود انبوه جمعیت موج میزد و سرها بطرف
دشت خم شده بود، دمی بعد هلن و پرایم نیز مضطرب

و وحشت زده، در پیشاپیش دیگران قرار گرفتند و به



صفوف پولادین مردان یونانی و تروئی که
چنان دو کوه مقابل هم قرار گرفته بودند و بر کینه همدیگر
را منگیزستند چشم دوختند.

در این هنگام پاریس نیزه خود را بادست راست
گرفت، سکوت بر ایست و سنگینی تمام اردوگاه یونانیان
و انبوه مردم و پهلوانانی را که در بالای دیوار تروی

ایستاده بودند فرا گرفت، نفس ها در سینه ها
پاریس با چند گام سنگین بطرف منلائوس رفت و

منلائوس نیز بطرف پاریس پیش آمد، وقتی دو پهلوان بهم
نزدیک شدند ناگاه تیزو چالاک، هر دو بگرد هم بگردش
درآمدند و برای یافتن فرصت و محل مناسبی در پیکر

یکدیگر برای فرود آوردن نیزه ها به تلاش پرداختند.
لحظه ای بعد پاریس تمهید لرزه آور و بلند کشید
و نیزه اش را بالابرد و باتمام نیرو آنرا بطرف سینه منلائوس

پرتاب کرد، همه همگی در جمعیت برخاست و سپس
صدای برخورد دو پولاد نیزه و سپر منلائوس که بسرعت
آنها مقابل سینه خود گرفته بود بلند شد، نیزه بر زمین

افتاد و سکوت بار دیگر دشت را فرا گرفت. پاریس از
جای جست و بطرف نیزه خم شد که آنرا از زمین بردارد
که منلائوس خود را باو نزدیک کرد و نیزه اش را بطرف

پهلوی پاریس نشانه گرفت و با قدرت تمام فرود آورد،
در این هنگام پاریس چالاک و تیز سپرش را جلوی نیزه
گرفت ولی قدرت منلائوس و برندگی نیزه اش چنان بود

که سپر او را شکافت و در آن فرو رفت و پولاد جامه رزم
پاریس را درید و پهلوش را خراشید.

بار دیگر همه مردم شاهد نبرد اردو سوی برخاست،
سوزش شدیدی در پهلوی پاریس بیش زد، ناله ضعیفی از
لبان خشک شده اش بیرون جست.

ناتمام

پاریسی و تروی

قبلا خواندید که

در گذشته ای دور ، شهر آباد «تروی» در آسیای صغیر با تمدنی درخشان مردمانی خوشبخت را در خود جای داده بود که سلطان پیرو دلیری بنام «پرایم» بر آن حکومت میکرد .

«هاکویا» همسر زیبای او شبی طوفانی خوابی وحشتناک دید که تعبیر کننده خواب به «پرایم» گفت فرزندی را که از همسر او متولد میشود اگر از بین نبرد «تروی» را بپاک و خون میکشد .

بدستور «پرایم» یکی از ندیمه ها پسر را که «هاکویا» بدینا آورد دور از نظر همگان نیمه شبی در يك سبد به امواج خروشان رودخانه سپرد و مخفیانه یکی از بازویند های سلطنتی را بگردن طفل آویخت .

در کوهپایه ای دور جوانی پیر طفل را یافت و بر او پاریسی نام گذارد ، پاریسی بزرگ شد و در يك جشن ملی «هکتور» پسر پرایم و برادر خود را که پهلوان سلطنتی بود شکست داد ، هاگویا با دیدن پاریسی و بازویند سلطنتی به گردن او یبھوش شد .

بدستور «پرایم» پاریسی زندانی شد و سرانجام فرزند گمشده سلطان شناخته شد .

پاریسی در قصر پدر محبوبیت فراوان یافت و بعد از مدتی با هدایای زیاد در يك کشتی پرشکوه بعنوان نماینده دوستی تروی عازم سرزمین منلائوس و آگامنون شد ولی کشتی در دریا دچار طوفان شد و پاریسی بوسیله ماهی گیری پیر نجات یافت و بقصر منلائوس راه یافت . در قصر منلائوس سرانجام پاریسی اختیار از دست داد و در غیبت منلائوس همسر او هلن و پسر خردسالش را ربود و به تروی رفت .

منلائوس دور از دیار خویش از خبر ربوده شدن هلن و فرزندش آگاه شد و خشمگین و انتقامجو راه قصر برادرش را در پیش گرفت . دو برادر دیگر بزرگان یونان را با خود همراه کردند تا «تروی» را نابود کنند .

۱۹

آشیل ، اولیس و دیگران چی ؟

رنك از روی آگامنون پرید ، نفس های او بشماره افتاد ، لحظه ای خشمگین و عصبی به چهره جدی و درهم رفته پیر مرد تگربست و سپس غریب :

«آه... این خارج از انتظار من است. من فکرمی- کردم پس از چند هفته تروی نابود خواهد شد، حال بگو چه باید کرد که شاهد پیروزی را در آغوش بگیرم.»

پیر مرد با همان لحن پیشین درحالی که سعی میکرد سخنانش بگوش آشیل و اولیس و دیگر سرداران و پهلوانان که در بزم آگامنون گرد آمده بودند نرسد گفت:

پهلوان دلیر ، نظر من براینست که همین فردا صبح ، در طلوع آفتاب فرستادگانی به نزد پرایم روانه داری و از او که به یقین از دیدن چادر های فراوان ماکه سراسر دشت را پوشانده اند بهراسی افتاده است بخواهی که هلن را بتو بدهد و در عوض طلاها و جواهرات زیادی باو ببخشی . تو هلن را باز بگیر و فکرتسخیر تروی را از سر بیرون کن ، زیرا وقتی با هلن به یونان بازگردی دیگر نزد مردم خویش شرمند نخواهی بود.

آگامنون دست برپیش بلند و سیاهش برد و لحظه ای

انگشتان چاق و پوشیده شده از انگشتر های قیمتی و رنگینش را در میان ریش انبوهش پوشاند و آنگاه فکری کرد و بعد گفت:

«آشیل و اولیس و دیگر پهلوانان چه ؟ آنها بخاطر هیچ این راه طولانی را طی نکرده و سرداران و سواران را بدنبال نکشیده اند.»

چشمان ریز پیر مرد رابرق زودگذری پوشاند و قسمی مردانه بر لب نشانده و گفت :

« بروی تپه های اطراف تروی معابد بسیاری است که در آنها دختران و زنان زیبایی زندگی میکنند که تمام وقت خود را صرف خدمت بخدایان کرده اند . آنها چون از پشتیبانی خدایان اطمینان دارند بداخل حصار های تروی تکریمتخته اند ، اسارت چند تن از آنها ، شاید بتواند دلیران ترا راضی کند .»

تنها ترا از یورش بدان معابد منع میکنم چون نمیخواهم گرفتار خدایان شوی ، ولی اول دریاب که جواب پرایم چه خواهد بود .

نقشه شوم پاریسی

آن شب پاریسی تصمیم تازه ای گرفته بود ، او می خواست کاری کند که اگر هم دل پرایم پیر از خوف نیرو های یونان و آشیل روئین تن پلرزد باز جنگی برقرار کند و آنچنان آتشی برافروزد که برای همیشه امکان صلح و در نتیجه باز پس فرستادن هلن را بمیان یونانیان از بین ببرد ، او میخواست بر علیه اصول و آئین جنگ های باستانی و پهلوانی گام بردارد ، و سنن پسندیده و محترم گذشتگان را زیر پا گذارد .

آنگون پاریسی منتظر بود که مردی به ملاقاتش بیاید و او با کمک این مرد که به آسانی با چندی کیسه از سکه های طلا خریده میشد و انجام هر عملی را می پذیرفت ، نقشه شیطانی و دور از راه و رسم سلحشوران را که برای دفاع از هلن در سر پروراندن بود بمرحله اجرا درآورد .

لحظه ای بیش نکذشت که صدای گامهای شتاب زده ای از پشت در شنیده شد و صدای چند ضربه بدر بگوش رسید ، صدای پاریسی برخاست :

« داخل شو ، در انتظار دیدارت هستم .»

در بزرگ بری پاشنه چرخید و در میان آن مردی که خود را در دای بزرگی پوشانده بود و سرش را بر زیر دستاری که از اطراف گردن آویخته ، پنهان کرده بود ، با احتیاط وارد شد و در مقابل پاریسی زانو زد و گفت :

ای شاهزاده بزرگ وای دلیر بی همتا ، برای شنیدن فرامانت آماده هستم .

فرستادگان یونان

پاریسی چند کیسه انباشته از زر ناب را که بروی میز کوچکی در گوشه تالار نهاده بود برداشت و آنها را بطرف مرد پرتاب کرد و بعد در حالیکه از شرم آنچه میخواست بگوید به نفس نفس افتاده و دانه های عرق پیشانی را پوشانده بود ، با صدائی آهسته گفت :

« آن زر ها را بردار ، آن پاداش خدمتی است که بمن خواهی کرد .»

مرد حریصانه به کیسه ها چنگ انداخت و آنها در زیر ردای خود پنهان کرد و گفت بگو از من چه میخواهی دلیر بزرگ!

پاریسی تند و شتابزده گفت : بزودی از طرف یونانیان فرستادگانی به نزد پرایم خواهند آمد قایم آگامنون را باو بازگو کنند ، همانطور که همیشه سنت بوده است ، بطور یقین پدرم از این فرستادگان که بدون سلاح هستند

توطئه شوم پاریسی سبب شد که سه نقابدار نیمه شب بفرستادگان بدون سلاح یونانیان حمله کنند و این نفرت و خشم همه را برانگیزد!

در نبرد تن به تن ، نیزه منلائوس سمیر پاریسی را درید ، پولاد جامه رزم او را شکافت و پهلوش را خراشید!

و مهمانان ما محسوب میشوند ، بگرمی استقبال خواهد کرد و پس از شنیدن آنچه برای بازگو کردنش آمده اند تا دادن جواب مناسب آنها تا مدتی چون مهمانان عزیز در تروی ماندگار خواهند شد .

پاریسی شرمگین شده بود !

در این لحظه پاریسی خاموش ماند گوئی از گفت آنچه میخواهد بر زبان براند شرمگین و آزرده خاطر است ، بهر حال خشمگین و سریع ادامه داد :

« میخواهم تو با مردانت شبانه به قصر پرایم بروی و در از چشم نگهبانان بفرستادگان یونانی حمله کنی و آنها را بکشید ، و چون اطمینان یافتید که دیگر نفس برنی آرند ، هر کدام بیک گوشه شهر رفته و در بین مردمی مرک آنها را بازگو نمائید و سپس شرح آنچه انجام داده اید بر تکه ای نوشته بر انتهای تیر ببندید و از بالای برج تیر را بطرف یونانیان پرتاب کنید تا آنها نیز از خبر کشت شدن فرستادگان خود آگاه شوند .»

مرد بیگانه ، لحظه ای خاموشی بفکر فرو رفت و بعد آهسته در حالیکه صدایش بشدت با رتعاش افتاده بود گفت :

« آیا شاهزاده جوان از شومی و قبح آنچه میخواهد برایشان انجام دهد آگاهند ؟»

پاریسی عصبی و ناراحت پا را بر زمین کوفت و غریب : « بلی ، ولی چاره ای نیست ، باید آنچه را که با تو گفتم انجام دهی و از بازگو کردنش حتی نزد نزدیکترین دوستان خودداری نمائی ، میخواهم تنها من و تو و چندین از یاران وفادارت که برای کشتن فرستادگان آگامنون همراه میبری از این راز آگاه باشیم ، و سپس برای رفع هر گونه تردیدی کیسه ای دیگر آزر را از روی میز برداشت و بسوی مرد پرتاب کرد .

مرد کیسه را بسرعت برداشت و زیر لب گفت :

« آنچه را خواسته ای انجام خواهم داد امیر جوان بشرط آنکه خدمتی که برایت انجام میدهم هرگز از یاد من نرود .»

دروازه ها را بگشاید .

و چون اطمینان یافت کسی در آن حوالی نیست ، بدون آنکه منتظر جوان پاریسی باشد ، بدون صدا از میان در گذشت و در راه پشت سر بست .

منلائوس و اولیس و دو پهلوان دیگر یونانی که پوشیده از ردهای زیبا و زربفت خود و بدون شمشیر و نیزه و سپر از چادرها بیرون آمدند و هر یک به همراه یکی از بهترین اربابان که شلاق دراز و زیبایی بدست گری بودند ، بطرف چهارارابه بزرگ و درخشانی که هر کدام بدواسب چابک و تندرو بسته شده بود راه افتادند و لحظه ای بعد چهار شلاق در هوا گردش کرد و گرده اسبان را نوازش نمود .

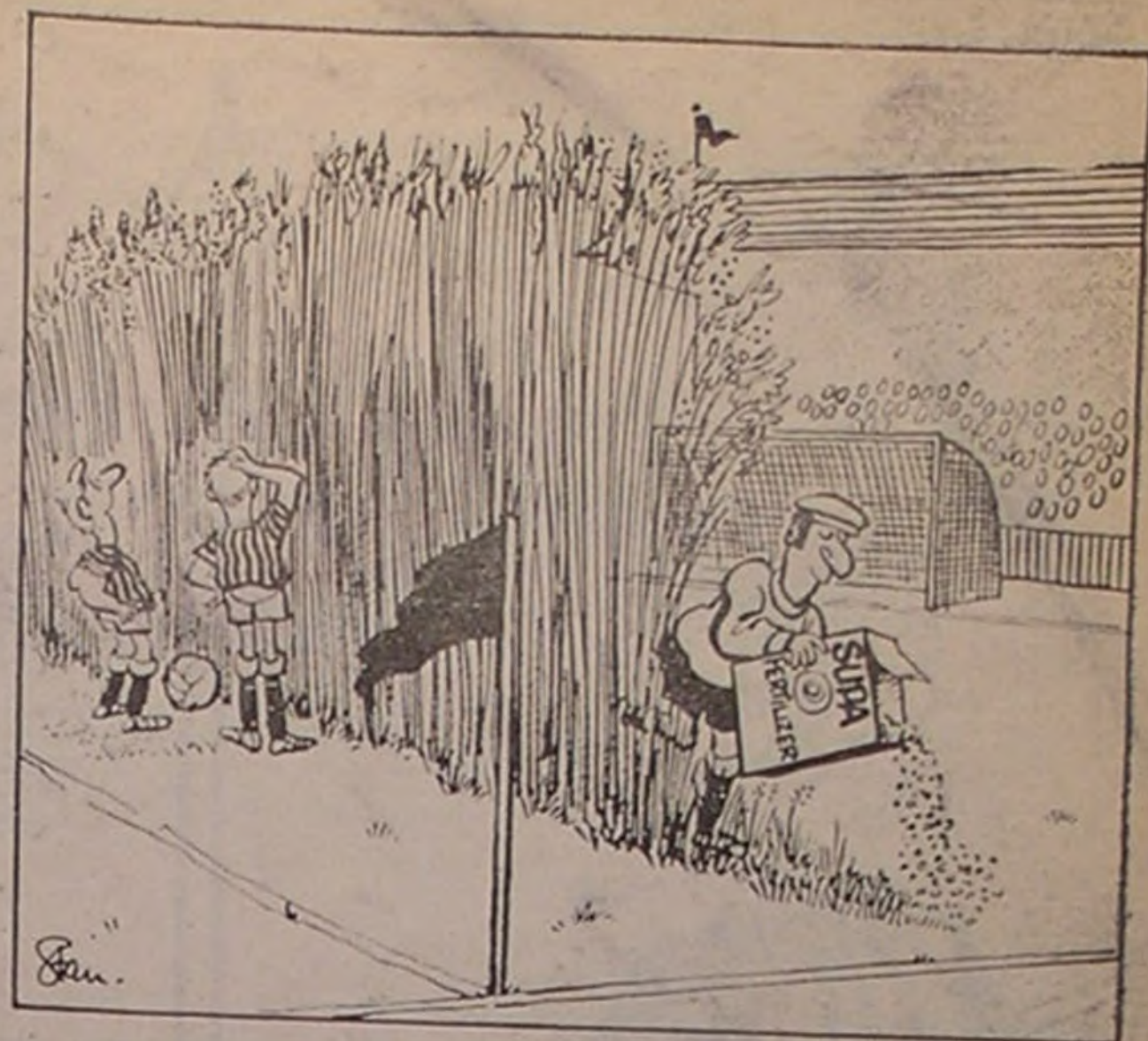
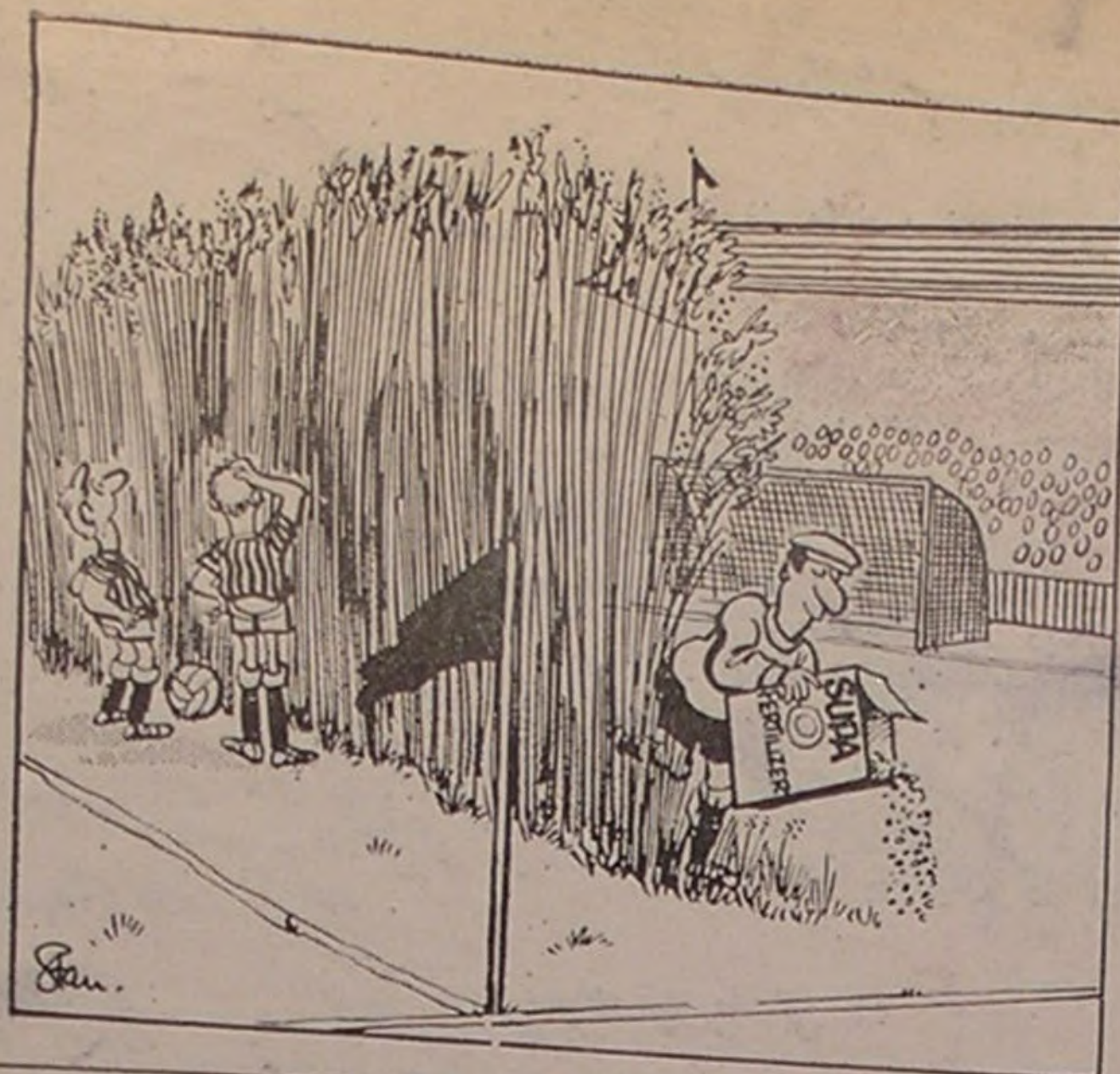
دشت پهناور زیر سم اسبان کوبیده شد و خیمه ها و چادرهای یونانیان از نظر پنهان گشت ، و تروی نزدیکتر و نزدیکتر گردید . پاسدارانی که بر بالای برج ایستاده بودند بادیان سواران بانگ رسا و پرتوانشان برخاست : « چهار اربابه از یونانیان بطرف ما می آیند ، کمابیس را نکشید ، آنها مسلح نیستند ، آنها از فرستادگان هستند .»

چندی بعد چهار اربابه به جلوی در بزرگ و پولادین دروازه رسید و منلائوس بدون آنکه نام خود را بگوید همراهانش را بازگو کند ، نگهبانان را مخاطب ساخت و گفت :

« دروازه ها را بگشاید ، برای دیدن پرایم دلی

آسودگی خیال برای دروازه بان

براستی که این کاریکاتور بسیار جالب و باذوق هستند. می بینید برای آسودگی خیال دروازه بان چه فکری کرده اند که نمیکند! اما با وجود چنین مساله ای باز هم هدف اصلی دهان بازی موجود بین این دو تصویر است که با کمی دقت این اختلاف را پیدا خواهید کرد.



معلومات عمومی خود را بیازمائید

پاسخ

۱- در مسابقات فوتبال جام جهانی گذشته در مکزیک در مسابقه دور مقدماتی گروه سوم بین دو تیم ملی چکسلواکی و برزیل اولین و آخرین گل های بازی بوسیله کدام بازیکنان و به نفع کدامیک از دو تیم زده شد؟
۲- در مسابقات وزنه برداری اولین دوره بازی های آسیائی در سال ۱۹۵۱ در دهلی در دسته پوزن کدام قهرمان ایرانی برنده مدال طلا شد؟
۳- نتیجه تنها مسابقه دو تیم ملی فوتبال آماتور انگلستان و بحرین چه بوده است؟
۴- در آخرین دو مسابقه بین المللی تیم ملی کشتی آزاد ایران، چه کسانی در وزن ۵۷ کیلو پیراهن تیم ملی را بتن داشتند؟
۵- مسابقه محمدعلی کلی و فلویید پاترسون در ۲۲ نوامبر سال ۱۹۶۵ که بسود کلی پایان یافت در کدامیک از این سه شهر انجام شد، لاس وگاس، نیویورک و هوستون؟
۶- بهترین رکورد دسته سنگین وزن وزنه برداری ایران و آسیا چقدر، متعلق به چه کسی و در کجا بدست آمده است؟
۷- تیم ملی کشتی ایران در مسابقات کشتی بازی های المپیک سال ۱۹۶۰ رم چند مدال بدست آورد و به چه مقامی رسید؟
۸- در بازی های فوتبال جام جهانی ژولریمه در سال ۱۹۶۲ که در شیلی انجام شد، آقای گل بازیها چه کسی بود و چند گل شمر رسانید؟
۹- فاتح مسابقات والیبال قهرمانی باشگاه های تهران در قسمت بانوان در سال گذشته کدامیک از این سه تیم بودند، پاس، تاج، انجمن؟
۱۰- نتیجه دیدار تیم ملی والیبال دختران ایران

با دختران کامبوج در بازی های آسیائی بانکوک چه بود؟
۱۱- ولنگانک اورات بازیکن تیم ملی فوتبال آلمان غربی عضو کدام یک از این سه تیم باشگاهی است، کلن، هامبورگ، نورمبرگ؟
۱۲- فاتح مدال طلا مسابقات کشتی آزاد وزن ۵۷ کیلو در بازی های المپیک سالهای ۱۹۶۴ توکیو و ۱۹۶۸ مکزیکو کدام کشتی گیر بود و اهل چه کشوری است؟
۱۳- برندگان مدال طلای مسابقه دو مارتن اولین دوره و آخرین دوره بازی های المپیک (۱۸۹۶) در آتن و ۱۹۶۸ در مکزیکو چه کسانی بودند و رکورد آن ها چقدر بوده است؟
۱۴- رده بندی نفرات اول تا ششم بهترین گلزن های طول تاریخ مسابقات فوتبال جام جهانی ژولریمه از ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ چگونه است؟
۱۵- نام تنها دروازه بان اروپائی که بعنوان بهترین فوتبالیست سال اروپا انتخاب شد و صاحب قوب طلا گردید، چیست؟
۱۶- دو تیم دسته دو فوتبال باشگاه های تهران که بایروری در مسابقات دسته دوسال پیش امسال در گروه یکم خواهند بود چه تیم هایی هستند؟
۱۷- آخرین سالی که تیم فوتبال آ.ث. میلان از ایتالیا فاتح مسابقات فوتبال جام در جام باشگاه های اروپا گردید چه سالی بود و در فینال چه تیمی را دیدار کرد؟
۱۸- کاپیتان تیم والیبال بانوان ایران در بازی های آسیائی ۱۹۶۶ بانکوک چه کسی بود؟
۱۹- اولین وزنه بردار سنگین وزن جهان که بمرز پانصد کیلو رسید چه کسی بود؟
۲۰- در مسابقات فوتبال ماقبل المپیک سال ۱۹۶۴ توکیو، تیم ملی فوتبال ایران چند گل بدست آورد؟

بازی های آسیائی در رشته فوتبال - نام کوچک دوندی مشهور از قاره سیاه - تکان خوردن در جای خود - تپش قهرمان و اثر بلوی باشگاه های تهران شد - شیر عرب است - از احجام هندسی - نوعی غذای مقوی با گوشت و گندم - به آدم بی سرو پا گویند - ضمیر خارجی - در خانه اش سبزه کار می کند - می دهند و گیر می اندازند - الفبای تلگراف - مواظب باشید از آن طرف تپانی شده - لقب سام نریمان جد رستم - دروازه دشمن برای هلاکشی کار می گذارند - دلیر و پهلوان - نام کوچک اولین حریف محمدعلی کلی پس از بازگشت به رینگ - چند نفر دلاورند - نژاد قوم ایرانی - گرگی که آن را در کشتی باستانی می زنند - شرکت بزرگی که از چند شرکت برای معاملات انحصاری تشکیل بشود. عمومی:

حل جدول شماره ۸

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳
۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴
۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵
۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶
۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸
۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹
۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰

بود - رئیس فدراسیون بین المللی فوتبال - ۹ - عجله کند - از کشتی گیران سنگین وزن سابق ایران - ۱۰ - اگر طبیب بود سرخود دوا می کرد - کشتی گیر است با فوتبالیست - تکرارش بازی بچگانه است ۱۱ - قهرمان این کشور ۴۳۹ متر پرید - از باشگاه های معروف ورزشی در انگلستان

جدول شماره ۹

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳
۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴
۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵
۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶
۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸
۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹
۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰

اتقی:

۱- فاتح جام جهانی ۱۹۶۶ لندن - از اقسام کشتی که در ایران ممنوع اعلام شده - ۳ - قهرمان پنجمین دوره

کره در مقابل ژاپن یک گیم پیروز شد و این چیزی بود که دختران کره از هیجان آن گریستند

داستان ستاره‌گان



زندگی بابی مور

۱- در سن و سال يك پسر بچه معمولی بابی خیلی جوان بود بحدیكه رفقایش همیشه او را «خیکی» صدامی می‌گرفتند. ولی بابی از وقتی كه كفشهای فوتبالش را بپا کرد اوضاع فرق کرد و همراه تیم مدرسه‌اش «بارکیتك» در مسابقات بچه‌های زیر یازده سال دوبار بمقام قهرمانی رسید و از این بابت نشان مخصوصی دریافت داشت.



تیم بارکیتك به کاپیتانی
بابی مور
برای دومین سال فاتح
جام شد

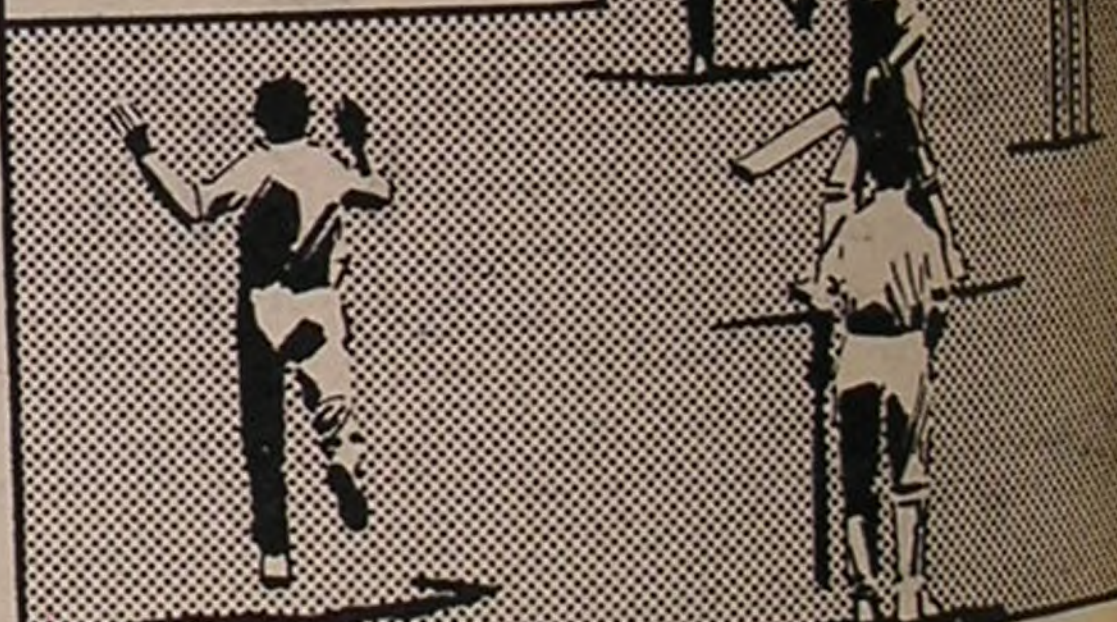
۵- ولی در چنین شرایطی «بابی» جوان حاضر به قبول پیشنهاد هیچ دلالی برای رفتن به يك تیم باشگاهی نبود...

۶- بالاخره «تام راسل» معلم ورزش مدرسه بابی بفکر بردن بابی بیک تیم باشگاهی افتاد.



۷- بابی! فکر میکنم و ستهام علاقه بسیاری برای پذیرفتن تو داشته باشد.

۸- ولی بابی بزودی با تیم «همرز» قرارداد امضاء کرد و در «اسکس» - به بازی کریکت پرداخت.



۹- اما کریکت آنچه كه او میخواست نبود و این بار همه تلاشش را به فوتبال اختصاص داد.

۱۰- حالا دیگر بابی آن چهره چشمگیر سالهای بچگیش را نداشت و در پست «مستتران» بازیکنی بود مطمئن با خصوصیات خوب بدنی خصوصا برای توپهای هوایی.



انگلستان ۲

۱۶- بهر حال غم ناکامی در شبلی خیلی زود از یاد رفت و در سال ۱۹۶۴ و ستهام برای اولین بار در تاریخ مسابقات جام حذفی باشگاهها در سایه تلاشهای تحسین انگیز بابی مور فاتح جام شد. در همان سال بابی بعنوان فوتبالست سال نیز برگزیده گردید و در سال بعد بار دیگر بابی همراه تیم باشگاهش فاتح مسابقات جام در جام باشگاههای اروپا شد.



۱۷- همه این پیروزیها در سال ۱۹۶۶ بارزگامی سیرده شدند، چون يك پیروزی بعنوان قاپیتان تیم ملی انگلیس و دیگر باران خود جام جهانی زول ریمه را فتح کردند.

از جمله معدود افتخارات حال حاضر فوتبال انگلیس است که محبوبیتی حدود مرزی ندارد و در تمام دنیا شهرتش غیرقابل وصف است، بسیاری او را بعد از پله مروارید سیاه برزیلی بزرگترین فوتبالیست حال حاضر می‌دانند. ولی دور از همه این خصوصیات او مردی است آرام و بی‌دوست‌داشتنی که در مقام کاپیتانی تیم ملی فوتبال انگلیس چه در دو جام جهانی گذشته و چه در سال

های نزدیک آینده یکی از وزنه‌های بزرگ تیم ملی است. بابی مور در عین حال کاپیتان تیم باشگاهی وست‌هم نیز هست و دور از محبوبیتی که بعنوان کاپیتان تیم ملی دارد، شهرت و موقعیت خاصی نزد طرفداران باشگاهی کسب کرده است و بقول خود انگلیسی‌ها وست‌هم یعنی بابی مور. این داستان زندگی و شرح روزهای پرافتخار سالهای قهرمانی اوست.

۳- مرحله بعدی برای بابی بدست آوردن جایی در تیم زیرسیزده ساله‌ها بود.



۴- طی دو سال بعد نام «بابی مور» جوان بعنوان يك بازیکن محبوب تماشاگران، خیلی زود مورد توجه قرار گرفت و همین مساله شانس او را برای پیوستن بیک تیم باشگاهی خیلی زیاد کرد.

۱۴- برای بازیهای جام جهانی سال ۱۹۶۲ بشکل غیرمنتظره‌ای نامش در بین بیست بازیکن برگزیده تیم ملی اعلام شد و در هسپار شیلی گردید.



۱۵- ولی این بازیها خاطره‌ای خوش برای انگلیسیها به همراه نداشت، چه برزیل که در آن سال فاتح جام شد شکست سختی نصیب انگلستان نمود.

۱۱- در سپتامبر سال ۱۹۵۸ بابی با تیم وست‌هم اولین مسابقه باشگاهی‌اش را در برابر منچستر یونایتد انجام داد و منچستر که بخاطر حادثه هوایی مونیخ بسیاری از بزرگان خود را از دست داده بود ۲-۳ مغلوب شد.



۱۲- وست‌هم ۳ منچستر یونایتد ۲

۱۳- در سال ۱۹۶۰ او دیگر يك بازیکن ثابت تیم باشگاهی بود، همچنین امیدی بزرگ برای تیم ملی زیر ۲۳ ساله‌های انگلیس.

۱۹- با وجودی که اسمال در مکزیکو انگلستان ناکام ماند لیکن بابی مور بهترین بازیکن بود و سرالف رمزی معتقد است که بابی در سال ۱۹۷۴ نیز رهبر تیم انگلیس خواهد بود!

۲۰- همواره من برای بابی تحسین و پرازش و کاپیتانی پرازش‌تر، من مطمئن هستم تجربه و قیاسی او یکی از عوامل سال ۱۹۷۴ خواهد بود و مطمئن بازیهای او در تیم من خواهد داشت، مگر اینکه همه چیز زیرورو گردد.

تیم بارکینگ به کاپیتانی بابی مور برای دومین سال فائق جام شد

۱۰- حالا دیگر بابی آن چهره چشمگیر سالهای بچگانش نداشت و در پست مسترهای بازیکنی بود مطمئن با خصوصیات خوب بدنی خصوصاً برای تپهای هوایی.



۱۸- انگلستان ۴ آلمان غربی ۲

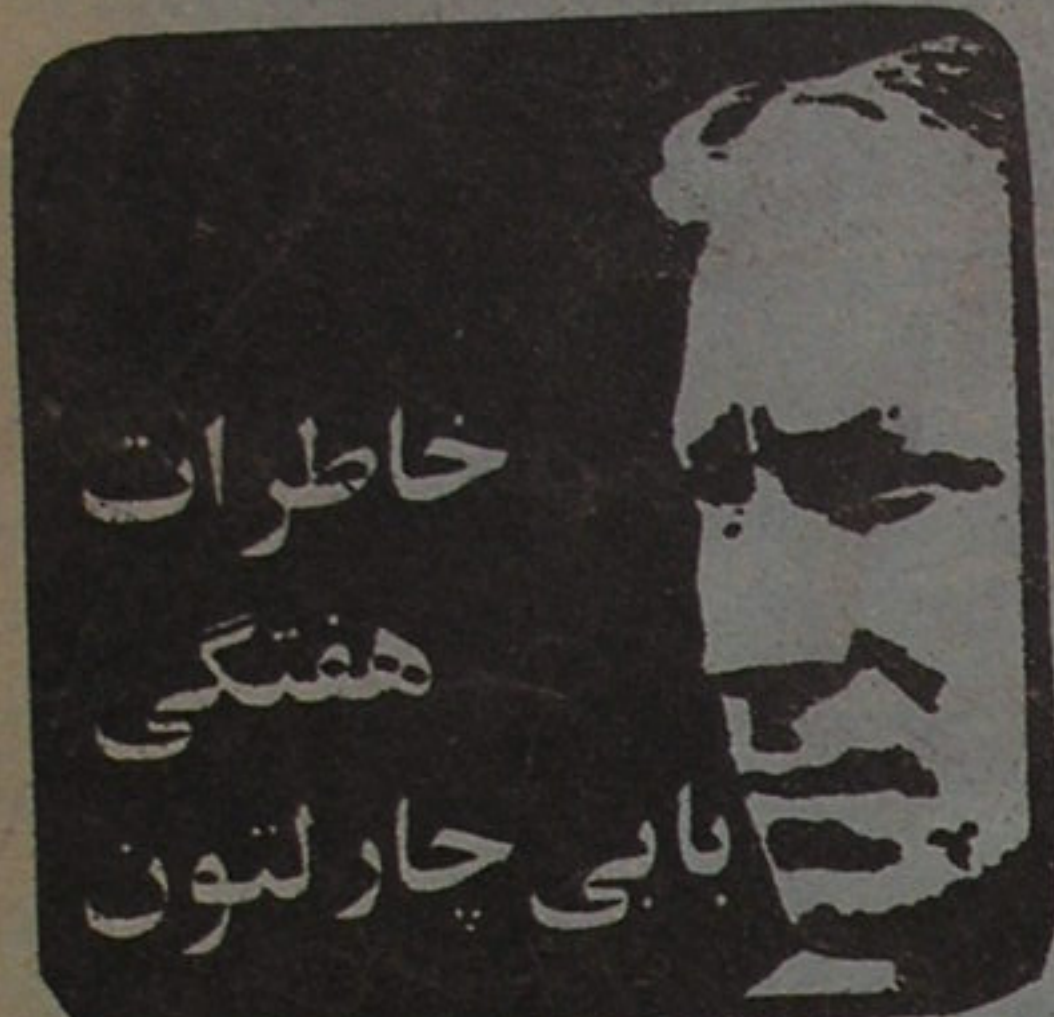


لحظه جاودانی من در فوتبال زمانی است
که باده ملی پوش دیگر انگلیسی رقص
پیروزی را در پایان جام جهانی ۱۹۶۶ آغاز
کردم

بی مور

الهای طلایی فوتبالش صحبت میکند

من همیشه بحال بازیکنانی که فوراً بکار
مربی گری می پردازند افسوس میخورم ،
زیرا ته مانده اعصاب ناسالم و قوای از دست
رفته خود را نیز از دست میدهند



منطقه ای مطرح نیست. بطور مثال اگر تیمی
دست بحمله همجانبه زده و در زمین حریف
صاحب توپ بوده و مسلط بر بازی، بدون
شک مدافعین این تیم تا نیمه زمین حریف نیز
و حتی گاهی اوقات تا نیمه زمین حریف نیز
پیشروی میکنند! البته همه مدافعین، حداقل
یک مدافع باید در زمین خودی باقی باشد.
نفوذ مدافعین بدنبال فروردها و هافبکها
ضمن بیشتر کردن شانس نتیجه گیری، عملاً
عرصه را برحریف تنگ خواهد کرد و چه
مهاجم خودی که صاحب توپ است بمجرد
روبرو شدن با سر یک مدافع حریف قادر به
یکدود کردن باشما خواهد بود و در لحظه ای
که توپ از او جدا میگردد بالطبع مدافع
حریف نیز او را آزاد خواهد گذاشت و بهین
شکل امکان نفوذ مجدد را بدست خواهد
آورد، ضمن اینکه هریک از مدافعین خودی
در چنین موقعیتی که پشت سر مهاجمین
صاحب توپ میگردند باید بدیاری می توانند توپ
را بجناب دیگری از زمین که شانس بیشتر،
نفوذ و ایجاد خطر داشته باشد پاس کنند.

بهترین شیوه در فوتبال

البته پاس کردن مجدد توپ برای همان
مهاجم یا یک مهاجم خودی دیگر در زمانی
ضرورت دارد که نفر مورد نظر صاحب
موقعیت استثنائی گل باشد یا اینکه مدافعین
حریف بدنبال این توپ بسوی شما حمله کنند.
در غیر اینصورت هر مدافع کپیست سرمهاجمین
صاحب توپ شد خود نیز می تواند در قالب
یک مهاجم پانتوپ تاحد امکان نفوذ نماید.
عامل بزرگ موفقیت در چنین لحظه ای
دقت بسیار بازیکن صاحب توپ نیز می باشد
چه مدافعی در کمترین شرایطی صاحب توپ
شده باید این مساله را در نظر داشته باشد
که یک پاس بپیوده یا شوت سنجدیده او همه
تلاشهای تیم را در آن حالت از بین خواهد
برد. بنابراین در لحظه عمل باید شرایط و
موقعیت دیگر بازیکنان نیز بخوبی سنجدیده
شود، چون امکان بسیار هست که بازیکن
دیگری صاحب موقعیت اطمینان بخش تر برای
زدن ضربه نهائی بتوپ باشد.
بهر حال حاصل مجموع گفتگوی این هفته
در مورد بازی فوتبال چنین می باشد که یک
مدافع بهمان اندازه در مواقع حمله باید یار
کمکی مهاجمین خودی باشد که در مواقع
ضروری که حریف دست بحمله برداشته در
انتظار کمک از مهاجمین خود می باشد.
اجرای کامل این شیوه بازی، حمله و
دفاع همجانبه بهترین شیوه بازی در فوتبال
مدرن است.

به عنوان یک چهره استثنائی باشند.
در کنار کادر فوتبال مجبور به ذکر حرفه
دیگری که برای خود طی سالها بوجود آورده ام
هستم، در برابر استاد یوم (ایون پارک) که
استادیوم همان باشگاه وستهم می باشد، چند
سالی است که یک فروشگاه بزرگ ورزشی
تاسیس کرده ام و تصور نمیکند کار تازمائی از
جانب من باشد. هر چند که بقول روزنامه چیپا
در دنباله روی از من جورج دست، جف مورست،
مادرتین پیتز و دیگران نیز این کار را کرده اند،
ولی بهر حال برای گذراندن ساعات فراغت کار
جالبی است.

ته مانده اعصاب نا سالم

مطمئناً وقتی که مجبور شوم گفتگوی فوتبال
را درموزه شخصی خانه، به عنوان یک جفت
کفش عشقه بیادگار نگهدارم با وجودی که از
نظر مادی نگرانی ندارم ولی برای داشتن یک
حرفه مستقل دیگر کار در همین فروشگاهم و
احیاناً بسط و توسعه آن سرگرمی بسیار خوبی
خواهد بود، به نظر من پس از پشت سر گذاردن
سالهای پر اضطرابی که مادر فوتبال و در سطح
ملی و در سطح باشگاهها دارم، برای یک یک
ما لازم و ضروری است که هیجانات فوتبال را
به عنوان یک فرد حرفه ای ترک کنیم و احیاناً
به شغل ساده دیگری، از جمله همین کار من
بپردازیم، چون در غیر اینصورت خیلی زود
بیر و فرسوده خواهیم شد.

من از این بابت همیشه به حال بازیکنانی که
فورا به کار مربی گری یا کارهای از این نظیر
می پردازند افسوس میخورم. به نظر من یک
مربی نیز از همان سالهای جوانی باید دنبال حرفه
مربی گری باشد نه اینکه ته مانده اعصاب نا سالم
و قوای از دست رفته خود را پس از سالها کار
به عنوان یک فوتبالیست حرفه ای به عنوان یک
مربی بکار بگیرد.

بهر حال در پایان این مطلب اشاره به اینکه
من از آغاز تاکنون در وستهم بودم لازم نیست.
تنها به این مساله اشاره میکنم که طی یکی دو
سال اخیر هیات مدیره باشگاه چند بازی
پیشنهاد مدیریت باشگاه را به من داده است.
البته من هرگز به آنها پاسخ رد نداده ام ولی
فعلاً مطمئن هستم قوای بدنم حداقل تا پایان
بازیهای سال ۱۹۷۴ مونتی به من اجازه بازی را
در سطحی که تاکنون برای خود حفظ کرده ام
خواهد داد، اما در مورد ترک فوتبال بعد از مونتی
هنوز تصمیمی نمیتوانم اتخاذ بکنم، هر چند که
خود علاقه دارم مونتی پایا سالهای طلایی من
در فوتبال باشد!

برای مدافعین میانی

● گفتگوی این هفته من با بازیکنان
جوان، مربوط به انتهائی است که در پشت
دفاع خصوصاً در پشت یک میانی بازی می-
کنند. حتماً تا بحال در بازی تیمهای بزرگ
متوجه شده اید که در فوتبال مدرن دیگر وظیفه

بازیکن اتفاق می افتد، ولی خوب برای گریز از
آن تمرینات بسیار سخت و کشنده ای را بیاد
می آورم، تمریناتی که آنقدر سنگین و طاقت
فرسا بودند که شبها چاره ای جز زود به خواب
رفتن و روزها در فواصل ساعات تمرین کاری
بجز استراحت نداشتیم. ولی براستی روزیکه
در پایان آن دوره سخت دریافتم، فرم خوب
گذشته ام را باز یافته ام، درست مثل این بود
که از دنیائی درد آور کشنده قدم به دنیای تازه ای
گذاشتم.

دنیای کوچک من

در مورد کیفیت بازی خود باید اضافه کنم،
وقتی که برای بازی قدم به داخل زمین میگذارم
واقعات تمام ارتباط را با دنیای خارج از آن زمین
و خارج از آن بازی فوتبال قطع میکنم و دنیا
با همه آشفتگیهایش در آن موقع برای من
مفهومی ندارد، در آن موقع تنها دنیای من
همان دنیای کوچک آن مسابقه است.

به نظر من این خود یکنوع پیروزی است،
چه در پایان مسابقه باز هم همان سطح عادی
زندگی و دنیای معمولی در برابرمان قرار دارد و
تنها چیزی که دیگر وجود ندارد همان دنیای
محدود مسابقه است که اگر نتیجه ای دور از
انتظار برایمان بوجود آمده باشد فقط آرزوی
و ناکامی اش با ما باقی خواهد ماند.

در مورد دنیای پر شکوه فوتبال نیز، من زمانی
قدم به آن گذاشتم که فوتبال حرفه ای در انگلیس
از نظری مادی در آخرین سالهای یک دوره خوب
خود که بتدریج سیر نزولی آغاز کرده بود،
قرار داشت و به این ترتیب برای یک بازیکن

تازه وارد حداکثر حقوق هفتگی ۳۶۰ تومان بود
و امکان ذره ای اضافه درآمد در آن موقعیت
وجود نداشت. باید گفت که در آن موقع
مساله مادیات در فوتبال خصوصاً برای بازیکنان
بصورت یک مساله ناراحت کننده در آمده بود
و باشگاهها که قوانین خاصی را بشکل خود مختاری
اجرا میکردند حاضر به گذشت ذره ای از منافع
خود بسود بازیکنان نبودند.

متأسفانه در آن روزهای ناخوشایند، هنوز
عده زیادی از بزرگان فوتبال ما مجبور بودند
بدون دریافت پاداش مالی در خور استحقاق فقط
به امید محبتهای مردم بازی کنند.

بالاخره همه چیز تغییر کرد

ولی بالاخره همه چیز تغییر کرد و فوتبال
ها هر یک در حد خود توانستند در برابر باشگاه-
هایشان پاداشها و دستمزدهای خوبی بگیرند
بطوریکه یک فوتبالیست درجه یک طی همان
سالهای نخست کارش در فوتبال می توانست کاملاً
آینده زندگی خود را نیز تامین کند، هر چند
که در شرایط فعلی باید به خاطر داشت عمر
فوتبال یک بازیکن با مقایسه سالهای گذشته
خیلی کم شده است و بعید به نظر می آید
بازیکنان امروزی هم چون بزرگان گذشته
فوتبال سالهای بسیاری قادر به ادامه کار خود

ولی ناکهان یک اسم همه نقشه هایم را
بکر برهم زد: - وستهم! ... بله همین کل
های وستهم!

بطور غیرمنتظره ای باشگاه وستهم شانس
مایش را بمن دادند، روز آزمایش پست
قوام را از من سؤال کردند و من بدون فکر
آنکه قبلاً فکری کرده باشم، پست دفاع
گزیدم.

در همان جلسه آزمایش با چند بازیکن دیگر
در مقایسه قرار گرفتم همه ترسم از این
که منادا از آزمایش مردود بیرون آیم... روز
یافته شدم! اما در دهم من تازه آغاز
د، در تمرینات دیگر بچه ها خیلی زود
بزر را می آموختند، ولی من از نظر بیشتر
رو به آخر قرار داشتم! همین مساله باعث
بخت موجب ناراحتی مربیان بود!

حالا وقتی به آن روزها می اندیشم
چنان موقعیتی جای بسی خوشبینی
بوده است، چه همان عقب افتادگی به
وجب تلاش بیش از حد من در برابر دیگران
بود و بی چون چرا هر نصیحتی را از مربیان
پذیرفتم و هر چند دیر ولی بالاخره بکار
گرفتم و این طرز عمل اکنون بهترین توصیه
است که می توانم به بازیکنان جوان بکنم
کسانی که همچون آن روزهای آمید من در
للائی بسیار برای آینده دارند.

عده ای از مردم برای عقیده هستند که
خود چنین شانسهایی را بدست آورده ام
مساله درست ولی آیا این درست نیست
برای بدست آوردن چنین شانسهایی، موقعیت
فرصتهایی هم وجود داشته باشد؟ مطمئناً
چون اگر فرصتها و موقعیتهای لازمی وجود
داشتند اصولاً مسیر زندگی خیلی زود از
که در رویا دارم تغییر خواهد کرد، اما
تاکید میکنم برای پذیرش و سود بردن از
فرصتها هم باید آمادگی داشت و در مورد
باید بگویم از این نظر بسیار شانس آوردم
چون در آن سالهای آغاز کارم در وستهم
کسانی چون مالکولم آلیسون، که
حال حاضر منجسترستی و فوتبالیست
فعلی باشگاه کاونتری که بازیکنان تیم
بخوبی مرا در استفاده از فرصتهایم یاری
کردند.

انتظار باشکوهی!

حرفی باشکوهای انگلیس با وستهم
۱۹۶۶ و فتح مسابقات فوتبال جام در جام
بخوبی مرا در استفاده از فرصتهایم یاری
کردند.

بعلاوه می آورم که دونل کاتول
من میگفت که باید در زمین طوری بازی
که جز خودم اداره دیگران را نیز برهم
باشم و بهمین منظور مجبور میگردم که
عمل کنم و طوری با توپ بازی کنم که
داشتن دیگران در مقابل من با توپ
را داشته باشند، این گفته های پانتم
هرگز از یاد نبردم و هنوز امیوارم
بازی طرز فکری من این ندانست که پیروزی
در دیدی ندارم که بجز درون گریز و
باشگاه وستهم و سرفال رمی می
دونفری را که از آنها یاد کردم بهترین



به «سالمی‌های طلانی» در فوتبال» نوشته است
که نوشته این هفته: من مستقلاً اختصاص به این
مطلب بای‌مور دارد: سالمی‌های طلانی من در فوتبال - نوشته
بای‌مور

هر پسر بچه‌ای که به توپ فوتبال لگدمیزند،
در رویا می‌بیند که روزی برای تیم ملی کشورش
بازی خواهد کرد، ولی این خیال و آرزو همیشه
به حقیقت نمی‌پیوندد و من نیز یکی از آن
آرزومندان بودم ... و یکی از خوشبخت‌ترین
آنها.

هنوز هم بسختی باور میکنم که چنین اتفاقی برای من روی داده است ... بازی در تیم ملی انگلیس، کاپیتان تیم انگلیس و رهبری تیم ملی کشورم تا فتح جام افتخاری چون جام دلووریه، اینها همه رویاهای طلایی من بودند که با این صورت شکل حقیقت به خود گرفته‌اند. همین چند هفته پیش بود که «آیوئون بارک» باشگاه وستهم به‌خاطر آغاز سیزدهمین سال خدمت من در تیم وستهم، آن مسابقه بزرگ را با تیم سلتیگ تریباید دادند که نتایجش به مسأوی بود، درست لحظه پایان همان مسابقه که در زیر فریادهای تشویق هزاران تن از مردم تنم از شادی به لرزه افتاده بود با خود اندیشیدم که در سایه محبت‌های این مردم چه سالیهای طلایی داشته‌ام سر گذارده‌ام.

بازی با تمام وجود

تربیتی ندارم که فوتبال برای من و برای
زندگی من عاملی بزرگ برای صعود در هرجهت
بوده است ، تنها تکیه ای من از این بابت است
که آیا من نیز به سبب خود برای فوتبال مغیبدوام؟
هواره من سعی کردم در هر بازی با تمام
وجود بازی کنم و اگر اکنون اندکی احساس
شادی میکنم از آن جهت است که میدانم هرگز
در هیچ سبقای ذره ای قصور نکردم .
اما باوجود داشتن چنین امدادی در بازی که

از همان نخستین روزهای شروع کارم در فوتبال من آنرا با خود داشتم ، در آخرین سالهای مدرسه در اوج اشتیاق برای راه یافتن بیک تیم صاحب‌نام فوتبال ، تصور میکردم هرگز شانس برای یک فوتبالیست حرفه‌ای شدن پیدا نخواهم کرد .

در سالهای مدرسه من برای تیمهای دو مدرسه‌ای که در لندن و اسکس در آنجا به تحصیل مشغول بودم بازی میکردم ، ولی زمانی که از سایر همبازیان من برای رفتن به تیمهای باشگاهی دعوت شد ، هیچکس در فراخواندن من علاقه‌ای نداشت .

در آن موقع چنین موقعیتی آنقدر موجب
نامامیدی من شده بود که واقعا تصور میکردم
باید فکر فوتبال و امیدها و آرزوهای خود را
در این رشته برای همیشه ترك كنم و بناچار به
حرفه دیگری اندیشیدم و حتی بزودی حرفه مورد
علاقه‌ام را نیز یافتم ... کار در چاپخانه!

ریوا و یکی دو تن دیگر از جمله معد
حال حاضر توپ گرد در طول این سا
مروند .

برای من نیز بابی‌مور یک شخصیت بزرگ است، ضمن اینکه به‌خاطر سالها دوستی و همکاری مشترکمان در ترم ملی و خارج از آن و به‌خاطر خصوصیات فوق‌العاده‌ای که به‌خاطر زندگی و صمیمیت‌مان از او می‌دانم، برای من چهره‌ای است دوست داشتنی‌تر و در خور ستایش‌بیشتر، ضمن اینکه برای توصیف کیفیت کار او در فوئبال، معاری وجود ندارد.

سالهای طلانی فوتبال من

چند هفته‌ای بود که برای این سری نوشته های خود تصمیم داشتیم در کنار ستارگان بزرگ فوتبال دنیا مطلبی به درمورد چهره های بزرگ فوتبال انگلیس بنویسیم ، که مطمئناً در صدر همه آنها «بابی مور» کاپیتان محبوب تیم ملی قرار داشت ، و بهتر دیدیم بجای آنکه من درمورد او بنویسم از خود او که همه یون من سالها است در مجله مخصوصی او نیز سری مطلب جالبی می نویسد بخواهم درمورد موقعیت خود در فوتبال مطلبی بنویسد ، بابی مور با قبول خواستن من مطلب فوق العاده جالبی درمورد خودش موسوم

در دنیای حاضر فوتبال اگر در پرزیر پله
محبوبترین چهره این ورزشی در آن کشور
محبوب میشود، اگر در ایتالیا لویجی ریوا
سلطان قلبهای مشتاقان فوتبال است تردیدی

نداشته باشید در انگلیس بالاتر از بابی مور
کمتر نیست.

طول سالانی که «بابی‌مور» همراه تیم باستانگاشی و مستهام فاتح مسابقات فوتبال جام در جام باستانگاشی اروپا شد و با در بازیهای جام جهانی سال ۱۹۶۶ لندن به عنوان کاپیتان تیم ملی انگلیس در پایان بازیهای جام پیروزی فتح کرد به خاطر قدرت استثنائی‌اش در فوتبال و بالاتر از آن به خاطر خصوصیات اخلاقی قابل تحسینی آنطور که مردم انگلیس را تسخیر کرده است که باید او را محبوبترین شخصیت حال حاضر مردم انگلیس دانست، چه او مدتهاست از قالب يك چهره محبوب زمین فوتبال خارج شده و اکنون شخصیتی است استثنائی در جامعه کشور ما.

موقعیت «بابی‌مور» در خارج از انگلیس نیز
غیرقابل تصور است. چون او در حال حاضر
در کنار کسانی چون پله، اووه‌زیلر، جی‌جی

اگر شما داوود باشید !!



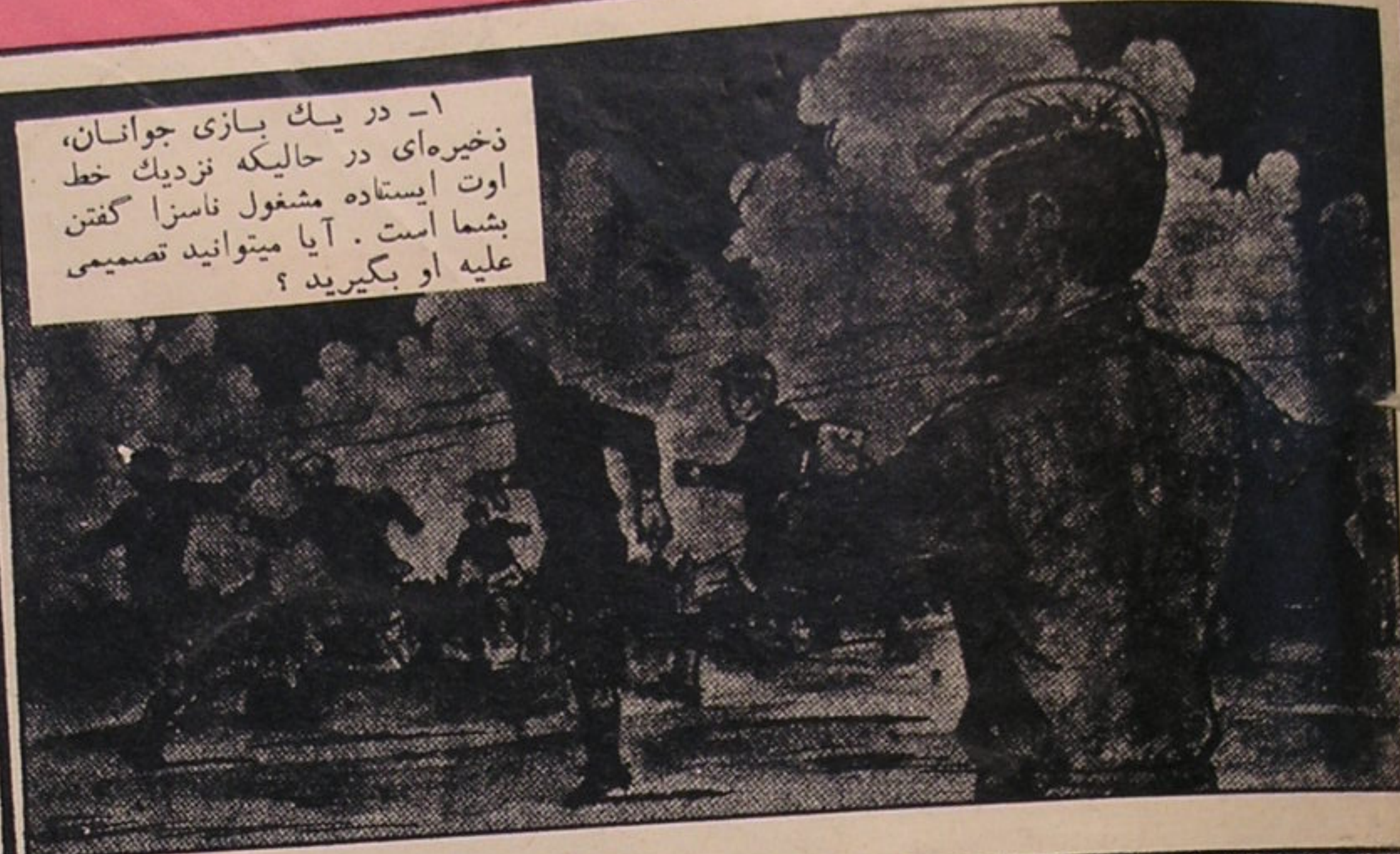
ورزش ۱۸

از داستان لاور
رئیس کمیته داوران فدراسیون
فوتبال انگلیس

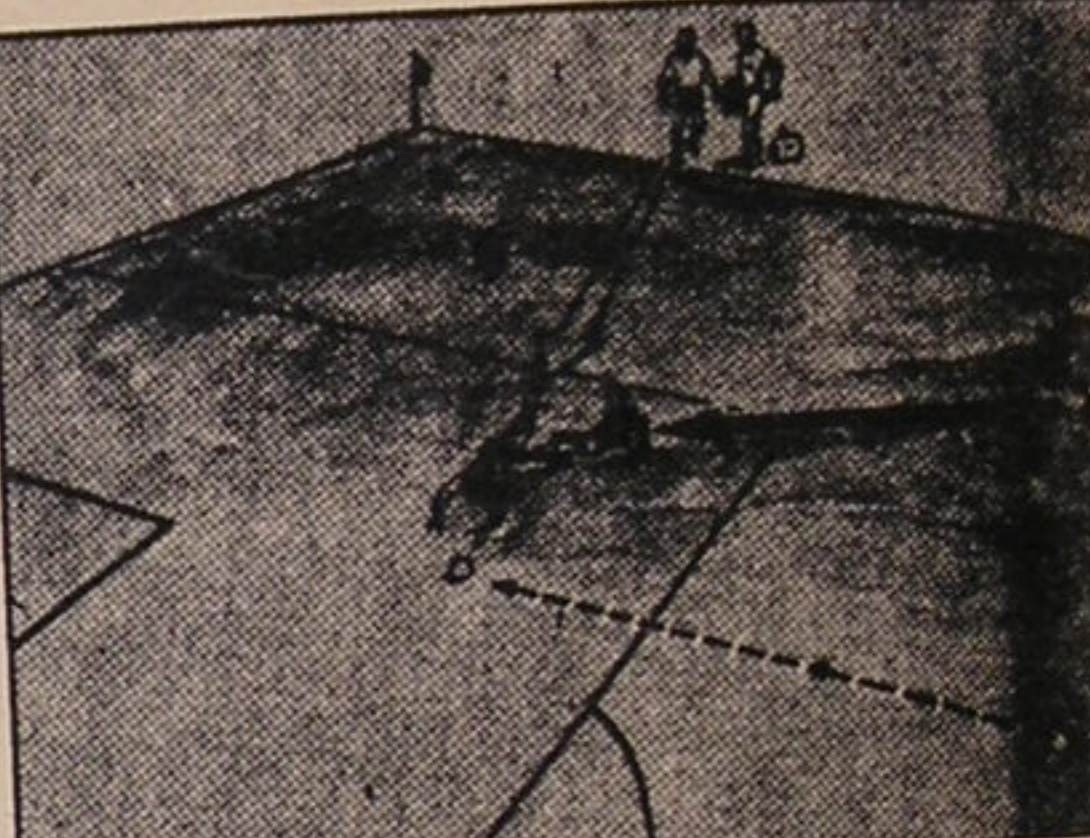
این مطلب در عین سرگرمی، یک مطلب آموزشی است برای تمام علاقمندان به ورزش فوتبال، خصوصاً آنهایی که خود علاقمند به بازی فوتبال هستند، با مطالعه این مطلب، شما ضمن اینکه بر معلومات خود در مورد این ورزش و کار داوری آن خواهید افزود، برای یافتن راه صحیح در هر مورد مدتی در فکر خواهید بود و این خود، جالبترین سرگرمی در مورد فوتبال و دور از زمین مسابقه می تواند برای شما و برای همه علاقمندان به ورزش باشد.

هر بار در این صفحه شما با سئوالات یا سوالات یا سوالات مربوط به فوتبال و مشاهده تصویر مربوط، بدنیا جواب آن خواهید گشت و در پایان پاسخ های خود را برای مقایسه می توانید با پاسخهای صحیح این سئوالات مقایسه نمایید.

۱- در یک بازی جوانان، ذخیره ای در حالیکه نزدیک خط اوت ایستاده مشغول فاسزا گفتن بشما است. آیا میتوانید تصمیمی علیه او بگیرید؟

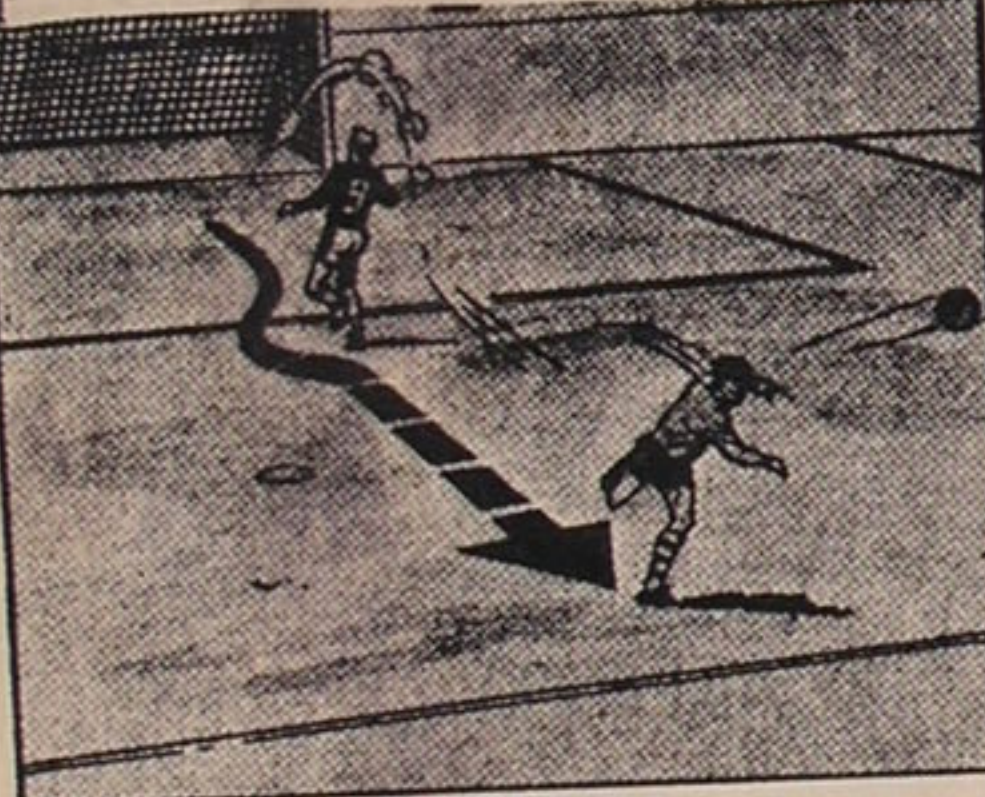


۳- مدافعی را می بینید که برای دور کردن توپ از پای حریف از «تکل» استفاده میکند این کار او قانونی است؟



۴- بازیکن مصدومی که به او اجازه خروج از زمین را داده اید پس از کسب بهبودی بدخل زمین میدود و در عین اینکه در موقعیت آفساید قرار دارد سعی میکند توپ را از یک یار خودی بگیرد. ولی در همین حال در داخل محوطه پنالتی دچار خطای شدیدی یک مدافع حریف میگردد. آیا فرمان پنالتی می دهید؟

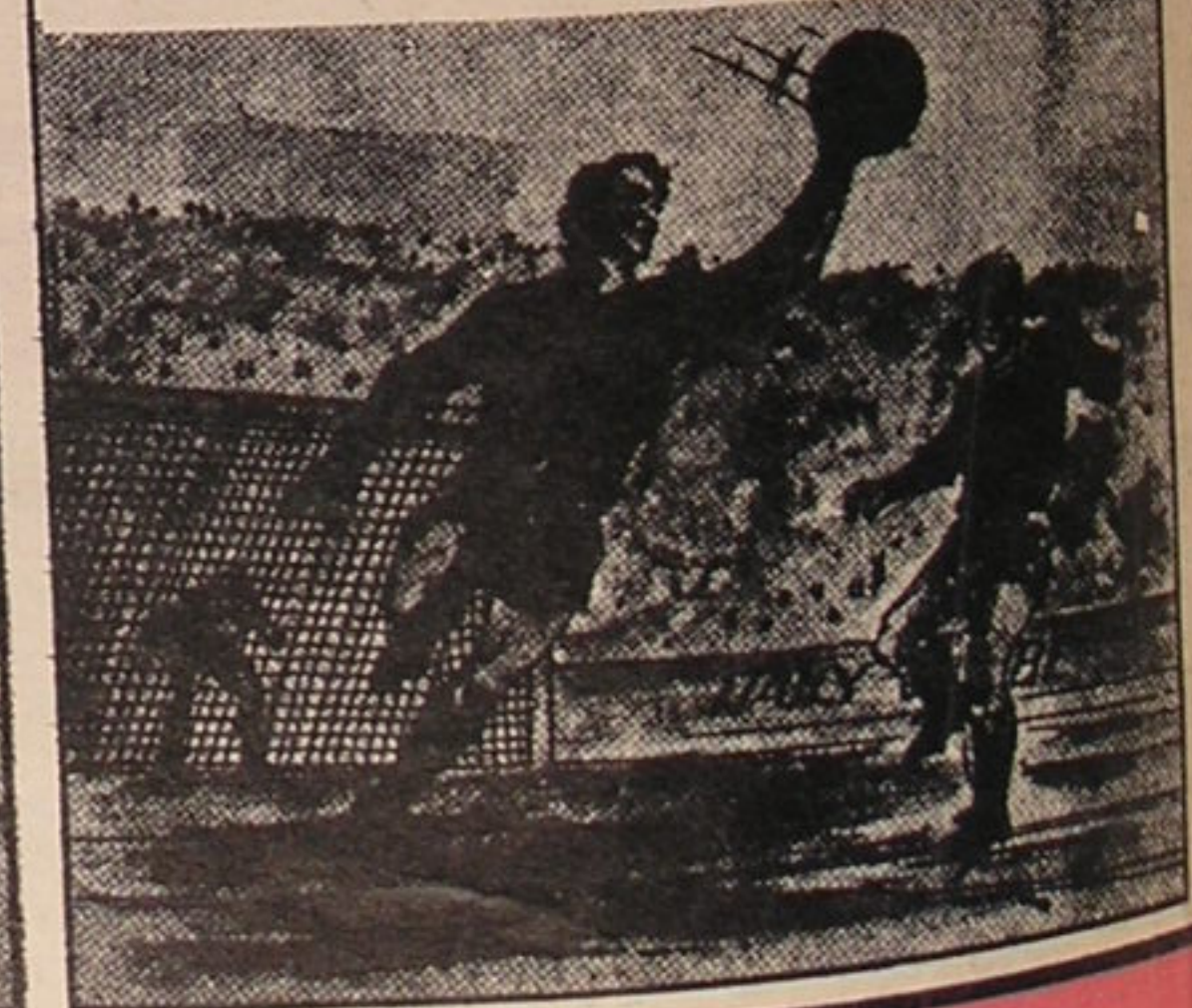
۲- دروازه بانی توپ را گرفته و پس از طی دو قدم توپ را از بالای سر مهاجمی که بطرف او آمده پشت سر او می اندازد و قبل از زمین خوردن توپ دوباره آنرا گرفته و پس از طی چهار قدم دیگر توپ را برای یکی از افرادی پرتاب میکند. این کار او درست است یا خیر؟



۶- توپ بازیکنی که در یک لحظه در آفساید قرار گرفته بوسیله دروازه بان حریف برده میشود و دروازه بان قصد انداختن توپ برای یک بازیکن هم تیم خود را دارد. آیا بعنوان اعلام آفساید سوت خواهید زد؟



۷- مدافعی برای جلوگیری از رسیدن توپ به فوروارد حریف که در موقعیت گل قرار میگرفت توپ را با دست میگردد. بجز اعلام یک ضربه آزاد تصمیم دیگری نیز خواهید گرفت؟



۵- در واپسین لحظات بازی یک پنالتی بوجود می آید که برای زده شدن آن بوقت اضافی نیاز است. پنالتی زده می شود. لیکن پس از برخورد به تیر عمودی دروازه به دروازه بان برخورد کرده و وارد دروازه نمیکردد. آیا گل را خواهید پذیرفت؟

۴- خیر. همچنین به بازیکن مصدومی که بی اطلاع شما وارد زمین شده اخطار دهید و یک شلیک دوزخ بریز علیه تیم او اعلام کنید.
۵- خیر گل قبول نیست. برای اینکه بمجرده برخورد توپ به تیر دروازه بازی خاتمه یافته است.
۶- خیر. البته اگر قبل از رسیدن توپ به دست دروازه بان سوت زده باشید، این عمل یک آواز باز سوت تیم مدافع محسوب می آید.
۷- عمل این مدافع برخلاف روح مسابقه است و می توان به او اخطار داد.

۱- بله، بر طبق قوانین فوتبال علیه ذخیره های هر تیم چه آنها که بازی میکنند و چه آنها که بازی نمیکنند می توانید تصمیم لازم را بگیرید. علیه این بازیکن همچنین نام او را ثبت کرده و مانع از بازی او گردید.
۲- خیر. چون دروازه بان همراه با توپ شش قدم برداشته و جریمه اش یک شلیک دوزخ بر علیه دروازه اوست.
۳- مقررات این کار را منع نمیکند. ولی اگر شما تشخیص دادید این شکل خطری دربر خواهد داشت می توانید آنرا خطا اعلام کنید.

پاسخ

در شرایطی که حریف برای بدست ختم شما حمله میکند با خیمه زدن تنها در تلاش این نباشید که خیمه را اختیار او خارج کنید.

برای بدست آوردن شرایط با کمی دقت، نکته یی می توانید از فن سرو ته استفاده کرده و حریف را مغلوب کنید.

شماره یک زمانی را نشان که محمد علی صنعتکاران برای بدست ختم عبدالله موحّد حمله کرده است و شرایط موحّد برای رهایی از چنگ روی او خیمه زده در این حالت فشار کردن روی کتف و پهلوی حریف نسبتاً از کنار «گردن» او پشت دست متخالف قفل میشود پائی که ای بدست آوردن آن تلاش میکند زانو زده میماند و کف پای دیگر که تکیه میکند که در شرایط برپا ماندگی لازم را داشته باشیم.

شماره ۲ زمانی است که ن برای آنکه بابه خطر افتادن از دست ندهد، ترجیح داده از بردن خیم حریف صرف نظر کند و با ن از خاک خود را از این وضعیت ن، در این حالت بعلت آنکه پاهای تعادل ندارد، در یک شرایط سخت ببرد بخصوص که موحّد روی سرو نیز با تسلط فراوان فشار می آورد. بهره گیری از همین حالت بی تعادلی را به موحّد میدهد که فن سرو ته یکی نماید.

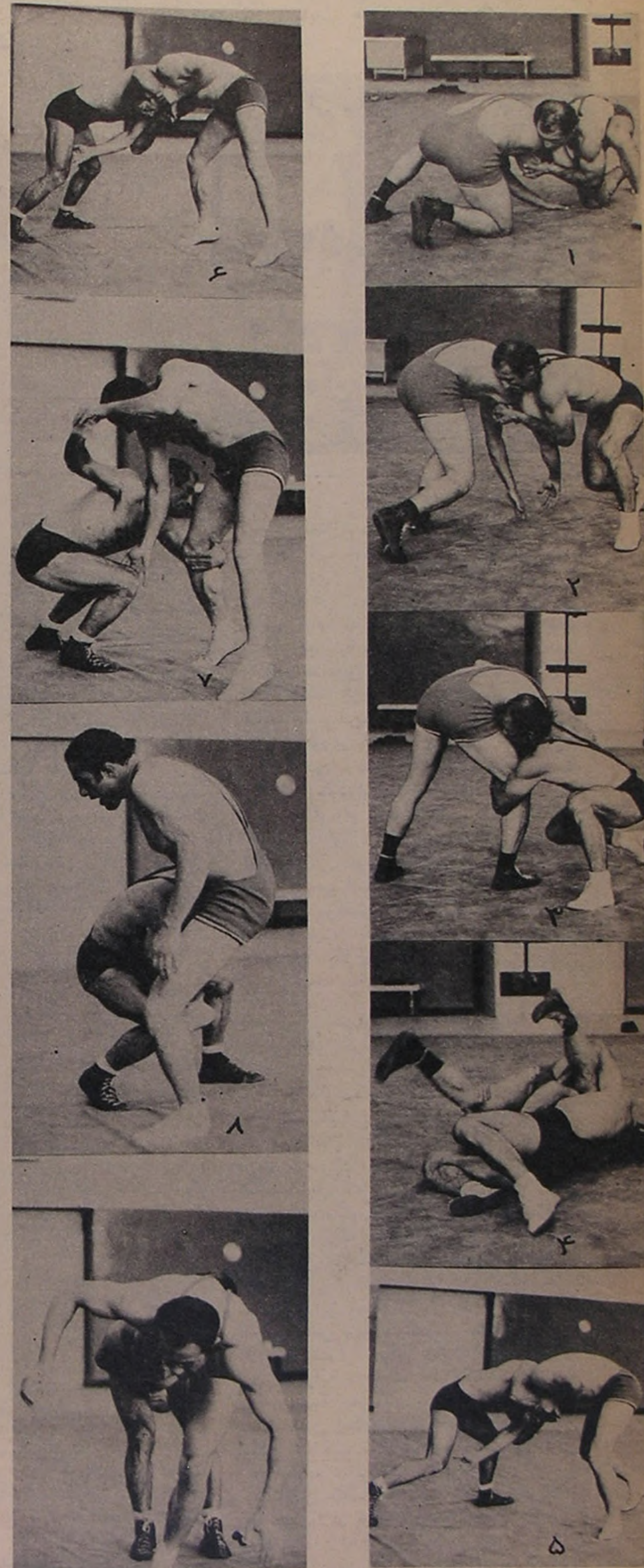
فن سرو ته یکی حرکت مختصر به جلو یا کاشی سریع سبب خواهد شد که صنعتکاران نظ تعادل خود پای راست را بچلو در همین حالت موحّد برای آنکه جرای فن سرو ته یکی گردن ضمن ن سرو گردن حریف هر چه بیشتر پای راست او نزدیک میکند.

در روی سرو گردن صنعتکاران کم بدنه تر میکند و این برای بدست پای او سخت مفید است در این موحّد قفل دستها را باز میکند و به نوزده در می آید دست راست را زانو صنعتکاران با دست چپ که ن و روی شانه چپ او قرار دارد کند و بدون درنگ فن سرو ته یکی را راوان در حالی که خود با حریف میشود و روی یک پهلوی قرار میگردد. میرساند «عکس های ۳ و ۴»

حالت پاها
حالت پاهای او مخصوص پای چپ را است دقت فرمایید برای ستون بدن

اسلامبول اول بازی کمپانی
موم فروتنگاه ورزشی عزیز اصل
۳۳۴۱۱

صنعتکاران و موحد مربیان کلاس آموزشی شما



از سری مطالب آموزشی دنیای ورزش

* در شرایطی که حریف برای بدست آوردن خم شما حمله میکند با خیمه زدن روی او تنها در تلاش این نباشید که خم خود را از اختیار او خارج کنید. زیرا در این شرایط با کمی دقت، سرعت و نکته بینی میتوانید از فن سرو ته یکی استفاده کرده و حریف را مغلوب کنید.

عکس شماره یک زمانی را نشان میدهد که محمد علی صنعتکاران برای بدست آوردن خم عبدالله موحد حمله کرده است و در همین شرایط موحد برای رهایی از چنگ حریف روی او خیمه زده در این حالت فشار سر و گردن روی کتف و پهلوی حریف است و دستها از کنار «گردن» او پشت بازوی دست مخالف قفل میشود بانی که حریف برای بدست آوردن آن تلاش میکند همچنان زانو زده میماند و کف پای دیگر روی تشک تکیه میکند که در شرایط برپا خاستن آمادگی لازم را داشته باشیم.

فشار روی سروگردن

عکس شماره ۲ زمانی است که صنعتکاران برای آنکه بابه خطر افتادن امتیازی از دست ندهد، ترجیح داده از بدست آوردن خم حریف صرفنظر کند و با بلند شدن از خاک خود را از این وضعیت نجات دهد، در این حالت بعلت آنکه پاهای او حالت تعادل ندارد، در یک شرایط سخت به سر میرسد بخصوص که موحد روی سرو گردن او نیز با تسلط فراوان فشار می آورد و بهره گیری از همین حالت بی تعادلی این شانس را به موحد میدهد که فن سرو ته یکی را اجرا نماید.

فن سرو ته یکی

یک حرکت مختصر به جلو با کشش کوتاه و سریع سبب خواهد شد که صنعتکاران برای حفظ تعادل خود پای راست را بچپ بیاورد و در همین حالت موحد برای آنکه قادر به اجرای فن سرو ته یکی گردد ضمن فشار روی سرو گردن حریف هرچه بیشتر خود را به پای راست او نزدیک میکند. فشار روی سرو گردن صنعتکاران کم اورا خمیده تر میکند و این برای بدست آوردن پای او سخت مفید است در این شرایط موحد قفل دستها را باز میکند و به حالت زانو زده در می آید دست راست را زیر چاله زانو صنعتکاران با دست چپ که دور گردن و روی شانه چپ او قرار دارد قفل میکند و بدون درنگ فن سرو ته یکی را با فشار فراوان در حالی که خود با حریف کشیده میشود و روی یک پهلوی قرار میگیرد به پایان میرساند «عکس های ۳ و ۴».

حالت پاها

حالت پاهای او بخصوص پای چپ را که آزاد است دقت فرمائید برای ستون بدن

و جلوگیری از فشار حریف در هر شرایطی تا زمانی که داور سوت نکشیده است این حالت را از دست ندهید.

«عکس های ۱ تا ۵» به ترتیب نمایشگر اجرای این فن است.

* در حالت بعدی مراحل مختلف اجرای فن را می بینید که خیمه زدن توام با گرفتن زیر یک خم میباشد، این در شرایطی خوب انجام میشود که حریف سر را یعنی در حالتی که زانوهایش بالا میباشد برای گرفتن زیر یک خم حمله کند.

عکس «شماره ۵» نشان میدهد موحد چگونه سر را روی حمله صنعتکاران خیمه زده است بانی را که صنعتکاران برای در اختیار گرفتن آن حمله کرده عقب میکشد، روی سرو گردن حریف فشار می آورد و طوری سنگینی خود را بر او تحمیل میکند که گوئی میخواهد حریف را در خاک بنشاند.

بهترین موقعیت ممکن

در همین شرایط صنعتکاران در تلاش است که باز است کردن سرو گردن از چنگ حریف نجات پیدا کند دست راست موحد را از مچ مهار کرده و با سرو گردن به زیر سینه و شانه او فشار می آورد. این حالتی است که در عکس شماره ۶ می بینید و بهترین موقعیت ممکن برای بدست آوردن خم حریف بوسیله موحد میباشد.

در عکس «شماره ۷» موحد، با کشیدن دست راست خود به بالا و عقب این شانس را به صنعتکاران میدهد که سر و گردن خود را راست کند ولی در همین زمان که حریف تمام فکرش برای فرار از خیمه او میباشد با دست چپ در حالی که بدن خودش را نیز به سمت راست حریف کشیده اوزیر چاله زانوخم او را بالا میکشد.

تبدیل یک خم به دو خم

عکس «شماره ۸» حالت بعدی است که دست راست موحد نیز برای بالا کشیدن خم حریف با دست چپ قفل شده است و با قدرت پای راست صنعتکاران را بسوی خود میکشد.

در این حالت صنعتکاران برای گریز به سمت دیگر بدن خود که روی پای ازشان متکی است بر میگردند و به این ترتیب موحد با آرامش او را در خاک خواهد نشاند حتی اگر لازم باشد، یک خم را به دو خم نیز تبدیل خواهد کرد.

این دو فنی که شرح داده شد، در حانتی بدست می آید که ابتدا حریف مهاجم است و شما با بیداری و سرعت و دید خوب از نیروی خود او برای مهار کردنش بهره میگیرید. در کشتی همچنانکه در آغاز این کلاس آموزشی شرح دادیم، اساسی ترین مسئله شناخت حریف، تشک، بهره گیری از رویداد های آن و استفاده از امکانات موجود میباشد.

کفش های ورزشی • یاشین اسپورت • در خدمت قهرمانان

خیابان اسلامبول اول بازار کبابی
طبقه دوم فروشگاه ورزشی عزیز
تلفن ۳۳۴۱۱۶